

# رهشد مابسه فرا ۴



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر ارتباط و فناوری آموزشی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان و دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
www.roshdmag.ir | دوره بیستم، دی ۱۴۰۲ | شماره پیاپی ۱۵۲ | صفحه ۴۸

## فیلم شییه ساز زندگی



شفیع آقامحمدیان  
راهبردی‌ترین جشنواره دنیا



وحید گلستان  
علم، هنر، کاربرد



سیدمجتبی طباطبایی  
جلوه‌های معلمان  
در سینمای ایران



حسین عبادتی  
جشن ذهن‌های جوان



# فروش

پنجاه و سومین دوره  
جشنواره بین المللی

**53 ROSHD**  
international educational  
**FILM FESTIVAL**

تهران  
۳ تا ۶ دی ماه ۱۴۰۲  
سینما فلسطین



جمهوری اسلامی ایران  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
وزارت آموزش و پرورش  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی  
Organization for Educational Islamic Republic of Iran  
Research and Planning Ministry of Education



دانشگاه آموزش پرورش  
ساکنان پرورش و نهادهای آموزش  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

**مدیر مسئول:** محمد صالح مدنی  
**سردبیر:** فریدالدین حداد عادل  
**مشاور سردبیر:** حبیب یوسفزاده  
**مدیر داخلی:** مریم موسوی  
**مدیر هنری:** کوروش پارسا نژاد  
**دبیر عکس:** اعظم لاریجانی  
**ویراستار:** کبری محمودی  
**طراح گرافیک:** احمد قائمی مهدوی  
**طراح روی جلد:** امیرحسین دوستی

نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵  
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۲۱ داخلی ۵۰۴  
تلفن‌های امور مشترکین:  
۰۲۱-۷۷۶۳۳۲۰۸  
صندوق پستی امور مشترکین:  
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
وبگاه:  
www.roshdmag.ir  
رایانامه:  
Email.farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست



برای اشتراک  
مجلات رشد رمزینه  
را پویش کنید



وبگاه نظر سنجی مجلات رشد  
nazar.roshdmag.ir



رشد مدرسه فردا را در پیام‌رسان شاد  
به نشانی زیر دنبال کنید  
@roshd\_madreseh\_farda

# رشد مجله فروردین ۱۴۰۲

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان و  
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
www.roshdmag.ir  
دوره بیستم، دی ۱۴۰۲  
شماره پیاپی ۱۵۲  
۴۸ صفحه

← ۱۱۰,۰۰۰ ریال

خانواده  
مجلات رشد همه  
تلاش خود را کرده است تا  
این مجله در دسترس عموم  
جامعه تربیتی کشور قرار گیرد  
و همه مخاطبان در میهن عزیز  
اسلامی‌مان امکان تهیه آن را  
داشته باشند.

- ۲ گنجینه گران‌بهای جشنواره فیلم رشد / دکتر فریدالدین حداد عادل
- ۳ جشن ذهن‌های جوان / حسین عبادتی
- ۴ راهبردی‌ترین جشنواره دنیا / گفت‌وگوکننده: امیرحسین شفیعی
- ۸ هنر، جولانگاه اندیشه / آرش صحرانورد
- ۱۰ نیروی داستان‌های الهام‌بخش / گفت‌وگوکننده: محمد امین بختیاری
- ۱۴ به‌سوی ذهن‌های زیبا / فاطمه موسوی
- ۱۵ در پیچ پنجاه‌وسوم / علی یعقوب‌زاده
- ۱۶ جشنواره‌های نخستین / سمیرا طارمی
- ۱۹ سوگ‌نامه استعدادهای نهفته / صدیقه سلطانی‌نژاد
- ۲۲ فضای برای آیندگان / امیرحسین اخوین
- ۲۴ فوت‌وفن فیلم‌سازی / حبیب یوسف‌زاده
- ۲۶ علم، هنر، کاربرد / وحید گلستان
- ۳۲ به‌دنبال تصویر کانونی معلم / گفت‌وگوکننده: محمدطاهر جبرئیلی‌آذر
- ۳۵ جنگ در ایستگاه رادیونفت / حسین شیرازی
- ۳۶ فیلم، شبیه‌ساز زندگی / ترجمه: علیرضا رضانی
- ۳۸ مدرسه در حسرت تصویر / مجید شجاع
- ۴۰ نمره شرم‌آور / مهدی واحدیان
- ۴۲ چگونه می‌بینیم؟ / الهام فراستی
- ۴۴ جلوه‌های معلمی در سینمای ایران / سیدمجتبی طباطبایی
- ۴۶ روابط شکننده / سید علی حسینی
- ۴۷ تماشای مشترک / محمد امین بختیاری
- ۴۸ روزهای مانا / فاطمه یوسف‌زاده

## نویسندگان و مترجمان محترم!

- این مجله متعلق به شماست. تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها در مجله، علاقه‌مندان به این حوزه در تجربه‌های شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:
- مقاله‌هایی را که می‌فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشند.
  - مقالات حاوی مطالب کلی و گردآوری نباشند.
  - مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید.
  - نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود.
  - در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده شود و در پایان آن، فهرست منابع بیاید.
- آرای مندرج در مقاله‌ها و گفت‌وگوها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



یادمان باشد چه چیزی داریم!؟

# گنجینه گران بهای جشنواره فیلم رشد



دکتر فریدالدین حداد عادل | سید میثم موسوی  
تصویرگر



جهان است. قدیمی ترین جشنواره فیلم آسیاست و فقط در سال ۶۴، در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت آن متوقف شد. ایرانی های انقلابی، در بحبوه جنگ، با سختی و اعتماد به نفس جشنواره را برگزار کردند. حتی در طی سال هایی که خطر حمله های شیمیایی در جنگ وجود داشت و شهرها مورد حمله هوایی قرار می گرفتند، همه بخش های جشنواره بین المللی فیلم رشد دایر ماندند و این نهاد تعطیل نشد. امروزه برای سازندگان فیلم های فرهنگی و آموزشی، شرکت در جشنواره رشد یک افتخار و برنده شدن در آن یک ارمغان بزرگ محسوب می شود.

۳. جا دارد برای چنین برنامه بزرگی سازوکاری بسیار گسترده تعریف کنیم. جشنواره رشد لایق توجه همه جانبه اصحاب آموزش و پرورش است. به طور خاص لازم است دانش آموزان را در عرصه های گوناگون درگیر مقوله فیلم آموزشی کنیم. معلمان نیز می توانند شاگردان خود را به تولید هر چه بیشتر محصولات سینمایی و تلویزیونی ترغیب کنند.

۱. اواخر دهه نود میلادی، در قرن گذشته، از پاپ اعظم پرسیده بودند، اگر مسیح دوباره ظهور کند، چه شغلی را برمی گزیند؟ او پاسخ داده بود: مدیر خبرگزاری آسوشیتد پرس (AP) خواهد شد. هزاران خبرنگار در همه جای دنیا را با محدودیت ۲۴۸ دفتر خوراک بصری و اطلاع رسانی، ۵۰۰۰ شبکه رادیویی و تلویزیونی و ۱۲۰۰ روزنامه و مجله و خبرگزاری تأمین می کند. این گونه است که پاپ، پس از قرن ها، تکلیف پیروان خود را روشن می کند و هم بر اهمیت عکس و فیلم تأکید می کند و به ما هم ناخواسته می فهماند چرا جریان این گونه اداره می شود! چرا جهانیان تا پیش از جنگ فعلی غزه، هر وقت به وحشت افکنی (تروریسم) فکر می کردند، ما مسلمانان را در ذهن خود مجسم می کردند. اهمیت عکس، فیلم و صنعت سینما به میزان اهمیت نان و مسکن نمی رسد، ولی فیلم و عکس می توانند بر نوع و میزان کیفیت و اهمیت نان و مسکن آدم ها اثر بگذارند.

۲. جشنواره فیلم رشد در سال ۱۳۴۲ تأسیس شده است و یکی از پنج جشنواره با سابقه فیلم و عکس



# جشن ذهن‌های جوان



حسین عبادتی



دبیر پنجاه و سومین دوره جشنواره فیلم رشد

را دارند که الهام‌بخش باشند و بر دانش‌آموزان در هر سنی تأثیری محوشدنی بگذارند. ما دست در دست این مؤلفان نوظهور قدم خواهیم زد، زیرا فیلم‌هایشان ما را به سرزمین‌های دور می‌برد، همدلی‌مان را شعله‌ور می‌کند و ادراکاتمان را به چالش می‌کشد. هدف این جشنواره از طریق نمایش‌های دقیق و بحث‌های مدبرانه طراحی شده، به نمایش گذاشتن ظرفیت عظیم فیلم‌های آموزشی است. از شما دعوت می‌کنیم شاهد همگرایی هنر و دانش باشید، زیرا طیف متنوعی از موضوع‌ها، از اکتشاف‌های علمی گرفته تا رویدادهای تاریخی، و از میراث فرهنگی تا چالش‌های زیست‌محیطی، در این فیلم‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، این جشنواره به‌عنوان بستری برای دانش‌آموزان و مربیان عمل می‌کند تا در گفت‌وگوهای معنادار، با به اشتراک گذاشتن بینش‌ها و بهترین شیوه‌ها در استفاده از فیلم‌های آموزشی، در افزایش تجربه یادگیری مشارکت کنند. با تقویت همکاری و ترویج رویکردهای نوآورانه در آموزش، ما معتقدیم این جشنواره به تکامل و بهبود مستمر شیوه‌های آموزشی در سراسر جهان کمک خواهد کرد.

در حالی که این رویداد را آغاز می‌کنیم، اجازه دهید از فیلم‌سازان فداکاری که وظیفه شریف خلق فیلم‌های آموزشی را پذیرفته‌اند، قدردانی کنیم. تعهد، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و اعتقاد تزلزل‌ناپذیر به قدرت آموزش، گنجینه‌ای چند ده‌ساله از فیلم‌هایی را حاصل کرده است که روشنگر، آموزش‌دهنده و الهام‌بخش هستند.

در قلمرو مسحورکننده‌ای که رؤیایها و خلاقیت در هم آمیخته می‌شوند، جشنواره بین‌المللی فیلم رشد از شصت سال قبل تاکنون بستری برای درخشش ذهن‌های جوان شده است تا با بهره‌گیری از جادوی پرده نقره‌ای و ظرفیت بی‌حد و حصر موجود در تخیل خود، آثاری خلق کنند که مانند ستارگانی که آسمان شب را روشن می‌کنند، فیلم‌های آن‌ها با اشتیاق، اصالت و درک عمیقی از تجربه انسانی، عرصه‌های تاریک و مبهم فرایند تعلیم و تربیت را شفاف و روشن سازند. همان‌طور که می‌دانیم، آموزش سنگ بنای پیشرفت و شتاب‌دهنده رشد فردی و اجتماعی است. از طریق آموزش است که ذهن‌های جوان پرورش می‌یابند، دانش عمیق‌تر می‌شود و تفکر انتقادی تکامل می‌یابد. در این تعقیب روشنگری، فیلم‌های آموزشی به‌عنوان منبعی ارزشمند ظاهر می‌شوند که ترکیبی منحصر به فرد از داستان‌سرایی تصویری، انتشار اطلاعات و بیان هنری را ارائه می‌کنند، زیرا هر قاب (فریم) یک قلم‌موسست که تک‌چهره (پرتره)‌های زنده‌ای از امید، انعطاف‌پذیری و قدرت جوانی را ترسیم می‌کند. این جشنواره گواهی است بر اهمیت عمیق فیلم‌های آموزشی در فرایند آموزش. در قلمرو این فیلم‌هاست که دانش از مرزهای سنتی فراتر می‌رود، قلب‌ها و ذهن‌های جوان را تسخیر می‌کند و اشتیاق عمیق به یادگیری را در خود پرورش می‌دهد. فیلم‌های آموزشی با بهره‌گیری از قدرت تصویر، روایت‌ها و فن‌های سمعی و بصری، این توانایی



# راهبردی‌ترین جشنواره‌دنیایا

آشنایی با کارکردهای جشنواره بین‌المللی فیلم رشد  
در گفت‌وگو با شفیق آقامحمدیان

گفت‌وگوکننده: امیرحسین شفیعی



شفیق آقامحمدیان کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و تهیه‌کننده مطرح سینما و تلویزیون ایران است. او کارگردانی سینما و نمایش را ابتدا در دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، سپس در دانشگاه هنر فرانسه فرا گرفته است. داوری جشنواره‌هایی نظیر «جشنواره فیلم تونس»، «جشنواره فیلم فجر» و نیز دبیری «جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت» از جمله کارهایی هستند که در کارنامه وی به چشم می‌خورد. به بهانه برگزاری پنجاه‌وسومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، درباره ضرورت‌های جشنواره و داوری، با ایشان به گفت‌وگو نشستیم. آنچه در پی می‌آید، حاصل این گفت‌وگوست:

## ❖ برخی جشنواره

فیلم رشد را خارج از

فضای هنر و برخی دیگر آن را

فقط جشنواره‌های تعلیم و تربیتی می‌بینند.

به‌عنوان رئیس هیئت داوران نظر شما در این باره چیست؟

جشنواره رشد یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های ایران محسوب می‌شود که از سال ۱۳۴۲ شروع به کار کرده است. این جشنواره در سطح جهان نیز، به لحاظ قدمت، دومین جشنواره محسوب می‌شود. از نظر آموزشی هم نسبت به دیگر جشنواره‌های این حوزه قدیمی‌تر است. این قدمت برگ برنده جشنواره رشد است. بنابراین کارهایش باید با تجربه و با حساب و کتاب پیش برود.

به اعتقاد من جشنواره رشد بسیار قوی و راهبردی است، حتی از جشنواره کودک و نوجوان نیز مهم‌تر است؛ زیرا این جشنواره علاوه بر کودکان و نوجوانان و جوانان، با اولیا و مربیان نیز سروکار دارد؛ یعنی این ظرفیت را دارد که با ساخت فیلم و برگزاری خوب آن و همچنین با ارائه فیلم‌های مناسب، بتواند ارتباطی جدی با کودکان و نوجوانان برقرار کند. همچنین با اولیا و مربیان نیز در تماس باشد. یک مهد آموزشی در این رویداد اتفاق می‌افتد که اگر مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره بتوانند از آن استفاده بهینه کنند، این جشنواره برنده است.

در جشنواره کودک در نهایت علاقه‌مندان سینمای کودک یا کودکان با آن سروکار دارند؛ ولی جشنواره رشد باید علاوه بر کودکان، اولیا و مربیان را نیز جذب کند. بنابراین، برگزارکنندگان باید برنامه‌ریزی درستی داشته باشند و برای این موضوع فکری جدی کنند.

به نظر من این جشنواره می‌بایست از «تولید» بهره ببرد؛ یعنی باید خودش چند کار آموزشی در سال انجام دهد. در این صورت نمره ۲۰ را می‌گیرد؛ چون با سیاست آموزش و پرورش سخت‌پیدا می‌کند. می‌توان گفت این کار که همت مسئولان را می‌طلبد، کاری است هم ساده و هم سخت.

مسئولان باید بتوانند با وجود تمام سختی‌ها، با نگاهی آموزشی، دست به تولید بزنند. اگر این اتفاق بیفتد، دل‌نگرانی‌های ما از آموزش و پرورش کنار می‌رود. این یک همراهی خوب برای اجرای سیاست‌های آموزش و پرورش است.

## ❖ حضرت عالی تجربه

کارگردانی کارهای درخشانی

را داشته‌اید، کارهایی همچون

«راننده سفیر»، «تلفن»، «چشم عقاب» و کارهای درخشانی که در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ از شما دیده‌ایم. همچنین حضور و داوری در جشنواره‌های خوبی را نیز تجربه کرده‌اید، جشنواره‌هایی همچون «جشنواره فیلم تونس»، «جشنواره بین‌المللی فیلم فجر»، «جشنواره عمار» و «جشنواره شهید آوینی». اکنون با توجه به این سابقه‌ها، اگر بخواهید بین ساختمان پایه‌ای جشنواره‌هایی مثل جشنواره عمار و جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با جشنواره رشد قیاسی داشته باشید، نکته بارز این جشنواره چیست؟

به اعتقاد من جشنواره رشد با هیچ جشنواره‌ای مقایسه نمی‌شود، حتی با جشنواره فیلم فجر که مهم‌ترین جشنواره‌ای است که در کشور ما اتفاق می‌افتد. در این دو جشنواره ویژگی‌ها کاملاً متفاوت است. بهترین جشنواره‌ای را که می‌توان با جشنواره رشد مقایسه کرد، جشنواره فیلم کودک است. آن هم شاید صحیح نباشد؛ چون قدرت تأثیرگذاری جشنواره رشد خیلی اساسی و محکم است. حضرت آقا بخشی تحت عنوان «جهاد

تبیین» دارد. بهترین محفل برای «جهاد تبیین» همین جشنواره رشد است. اگر فیلم‌های خوب تولید کنیم یا فیلم‌های خوب را از کشورهای متعدد جمع‌آوری کنیم و برای اولیا و مربیان و کودکان نمایش دهیم؛ یعنی توانسته‌ایم، برای آموزش فرزندان خودمان، یک نگاه راهبردی و جدی داشته باشیم. جشنواره رشد این ویژگی را دارد و بنابراین قابل مقایسه با جشنواره‌های دیگر نیست.

## ❖ از منظر حضرت عالی، مهم‌ترین رسالت

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد چیست؟

خانواده‌ها یک عمر تلاش می‌کنند فرزندان خود را به‌گونه‌ای تربیت کنند که در جامعه مؤثر باشند. این بخشی از تربیت کودکان و نوجوانان برای حضور در جامعه است. بخش دیگر آموزش جامعه است. جشنواره رشد این وظیفه را به گردن دارد. اگر مسئولان آموزش و پرورش به این نکته



بهترین محفل  
برای «جهاد  
تبیین» همین  
جشنواره رشد  
است



### جشنواره رشد در کجا و چه سالی رخ داده است؟

سال ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ درگیر این جشنواره بودم. دوستانی که دور هم جمع شده بودند، تلاش می‌کردند فضای جدیدی تعریف کنند. آن‌ها با جان و دل بچه‌ها کار می‌کردند. در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس متولیان این اتفاق فرهنگی، بدون شائبه و بی‌هیچ انتظاری، از جان و دل مایه می‌گذاشتند. از همان تلاش‌هاست که اکنون جشنواره به اینجا رسیده است.

### با توجه به تجربه بین‌المللی و داخلی شما در جشنواره‌های متعدد، جایگاه اصلی جشنواره فیلم رشد کجاست؟

جشنواره رشد راهبردی‌ترین جشنواره دنیاست؛ به دلیل اینکه پشت آن جریانی آموزشی خوابیده است و اگر ما از آن به‌عنوان یک راهبرد درست استفاده کنیم، می‌توانیم روی بچه‌ها تأثیر بگذاریم و آن‌ها را تربیت کنیم. در دنیا فیلم‌های راهبردی زیادی ساخته می‌شود؛ فیلم‌هایی که بر مدیریت افکار، نظارت بر جریان‌های اقتصادی و سیاسی و اداره جریان‌های آموزشی تأثیر می‌گذارند. آیا برگزارکنندگان جشنواره رشد نیز این نگاه را دارند؟ البته اعتقاد دارم که این نگاه به مدیران راهبردشناس (استراتژیست) نیاز دارد و برنامه‌ریزی جدیدی می‌خواهد. ما این جشنواره را در اختیار داریم و نمی‌خواهیم از صفر شروع کنیم، پس باید این نگاه را تقویت کنیم تا رشد درستی داشته باشیم.

این جشنواره قابلیت رشد را دارد. ما می‌توانیم فیلم‌های آن را در سطح کشور پخش کنیم. علاوه بر آن، باید نگاه مذهبی و دینی را در این فیلم‌ها به شکلی منطقی بیان

توجه نکنند، این جشنواره ضایعه و لطمه بزرگی می‌بیند. قبل از انقلاب، جشنواره سیاست‌های خودش را داشت؛ نتیجه جشنواره نیز بیشتر اشاعه فرهنگ غربی بین جوانان و کودکان بود. از وقتی انقلاب اسلامی شکل گرفت، سیاست فرهنگی نیز عوض شد و تصمیم گرفته شد اهداف جشنواره نیز مطابق با این سیاست و اسلام تبیین شود. با وجود این، اعتقاد بر این است که این جشنواره هنوز برای مسئولان به‌عنوان یک کار راهبردی (استراتژیک) دیده نشده است. کار راهبردی یعنی اینکه از فیلم‌های کودک و نوجوان به‌عنوان ابزاری راهبردی استفاده کنیم تا به هدفی نهایی برسیم. این جشنواره زمینه این کار را برای ما فراهم ساخته است و مهم است که ما چگونه از آن استفاده می‌کنیم.

در مواجهه با تعطیلات کرونا، این جشنواره گرفتار خستگی و سردی شد؛ ولی خوشبختانه مسئولان به این نتیجه رسیدند که دوباره آن را زنده کنند. بنابراین باید نسبت به سال‌های قبل تلاش بیشتری صورت گیرد. زمان برده است که این جشنواره چنین رشد کند؛ از این‌رو می‌طلبد در آن از افراد خبره و متخصص استفاده شود. آموزش و پرورش باید برای ارتقای درجه و رشد بیشتر این جشنواره به تولید روی بیاورد. این وظیفه ماست و حیف است که جشنواره را در حاشیه ببینیم. نتیجه این رخداد فرهنگی را باید در تربیت و رفتار کودکان، دانش‌آموزان و اولیا و مربیان دید. این جشنواره بیش از آنچه دوستان زحمت می‌کنند، نیاز به حمایت جدی دارد.

### شما در این زمینه خاطره‌هایی از دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ دارید، اولین مواجهه شما با





**اگر باور داشته باشیم که جریان فرهنگی، برای رسیدن به نتیجه، زمان بیشتری می‌طلبد، کار به خوبی پیش می‌رود**

### سطح جشنواره چیست؟

از نظر من، وقتی جشنواره تمام می‌شود، در نهایت با دو ماه استراحت، باید جشنواره بعدی آغاز شود، نه اینکه سه ماه مانده به برگزاری جشنواره فعالیت‌ها شروع شود. یکی از آفت‌هایی که اتفاق می‌افتد، همین نگاه است. اگر مسئولان برنامه‌نگاهی راهبردی داشته باشند، نگاهی که سازوکار خود را دارد، می‌دانند که همه چیز طبق برنامه‌ریزی و در درازمدت باید انجام شود. در آموزش و پرورش سازوکارهای خوبی در این زمینه داریم. اما مهم بهره‌مندی از این سازوکارهاست.

### شما سال‌هایی را در فرانسه بودید و در جشنواره‌های بین‌المللی حضور داشتید. داوری‌های متفاوتی

را هم دیده‌اید. سطح داوری جشنواره رشد را با سایر جشنواره‌هایی که توجه و نگاه قالبشان شاید سینمایی باشد، چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا داوری جشنواره فیلم رشد تفاوت خاص و بارزی با جشنواره‌های دیگر دارد؟

به طبع تفاوت فاحشی دارد. کسانی که می‌خواهند فیلم آموزشی را داوری کنند باید نگاه آموزشی داشته باشند و فرهنگ آموزش و پرورش را کامل لمس کرده باشند. اگر به این شکل باشد، آن کار برنده است و حقی از کسی ضایع نمی‌شود. اما در همین نیز مشکلاتی هست. این افراد به دلیل آنکه زمان کمی در اختیار دارند، به نتیجه کمتری می‌رسند. اگر جشنواره از هنرمندان سطح کشور و هنرمندان آموزش و پرورش به صورت ترکیبی استفاده کند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. باید توجه داشت که همه هنرمندانی که انتخاب می‌شوند، جدای از آنکه با هنر آشنا هستند، باید آن ویژگی اطلاع از آموزش و پرورش در وجودشان باشد تا بتوانند به خوبی قضاوت کنند.

خوشبختانه این اجازه به ما داده شده است که به طور ترکیبی از حضور جمعی از هنرمندان آموزش و پرورش و هنرمندان سینمایی استفاده کنیم. تشکر از فرصتی که در اختیار مخاطبان مجله گذاشتید.

کنیم تا در حالی که برای دانش‌آموزان و کودکان این مرزوبوم فیلم می‌سازیم، بتوانیم ساخته‌هایمان را جهانی کنیم. باید با این فیلم‌ها به دنیای اسلام و غرب وارد شویم.

از نظر من، در حال حاضر جشنواره رکود دارد؛ چون مثلاً الان می‌بایست، در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، دو فیلم داشته باشد. آن موقع بود که دیگران متوجه می‌شدند مسئولان درست اقدام می‌کنند و به فکر فرزندان این سرزمین و والدین و مربیان هستند. امیدوارم هر چه زودتر این ضعف‌ها برطرف شوند.

### امسال تیم جوانی به جشنواره اضافه شده است، تیمی که از دل آموزش و پرورش بیرون آمده و متشکل از معلمان جوان و دانش‌جو معلمان دغدغه‌مند است. با توجه به این موضوع، اگر بخواهید روندی را که جشنواره امسال تا به اینجا طی کرده است، نسبت به سال‌های گذشته مقایسه کنید، آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امسال به سبب حضور نیروهای جدید، امیدوار شدم که کارهای جدیدی نیز انجام شود؛ اما در سال‌های گذشته این طور نبود. البته بخش اعظمی از مشکلات به عهده مسئولان است. بعضی از مسئولان به جشنواره رشد اعتقادی ندارند و این باور نداشتن خوب نیست.

کسانی که در برابر جشنواره احساس مسئولیت می‌کنند، مسئولیتشان خطیر است. اگر مسئولان رده‌بالا این نگاه را داشته باشند که جشنواره باید تقویت شود، مسئولان جشنواره نیز ناامید نمی‌شوند. جوانان تمام وقت با جان و دل کار می‌کنند، اما کنار آنان باید پیشکسوتان هم حضور داشته باشند تا کار به خوبی پیش برود. مشکل اساسی‌ای که در حوزه فرهنگی وجود دارد، این است که مسئولان فرهنگی ما زمان کوتاهی سر کار هستند. اگر باور داشته باشیم که جریان فرهنگی، برای رسیدن به نتیجه، زمان بیشتری می‌طلبد، کار به خوبی پیش می‌رود. مسئولان باید آگاه باشند اگر امروز گروهی بدون اختلاف با جان و دل کار می‌کنند، باید این گروه سالیان دراز کنار هم کار کنند. این نگاه مثبتی است که باید حفظ شود.

### پیشنهاد اصلی شما برای ارتقای



# هنر

## جولانگه‌اندیشه

آرش صحرانورد



معاون باشگاه رشد و شکوفایی حوزه هنری کودک و نوجوان

به کتابخانه مدرسه اضافه کردیم، اما متأسفانه همه کتاب‌ها برای بچه‌ها جذابیت ندارند!»  
می‌گویم: «بزار اصلی دشمن در جنگ شناختی فعلی، هنر و رسانه است و نوجوانان ما با مصرف این محتوای هنری در قالب پویانمایی، فیلم، موسیقی، کتاب و... ناخواسته و بسیار آرام دچار تغییر نگرش‌ها و باورها می‌شوند. با توجه به قالب‌های نو و متنوع این آثار، باید سبک پرداختن به این موضوع را از زاویه نگاه نوجوانان بررسی کرد.»  
می‌گوید: «من با برگزاری دوره آموزشی هنری به‌عنوان کلاس‌های فوق‌برنامه مشکلی ندارم و حتی از آن استقبال هم می‌کنم.»

می‌گویم: «مشکل بچه‌ها آموزش هنر نیست...»  
مثال کلاس عکاسی خودم را می‌زنم و می‌گویم: «لان در عصر اینترنت و فضای مجازی، شیوه‌های آموزش هنر دگرگون شده‌اند. برنامه‌های متنوع آموزشی و کاربردی هنری در دسترس نوجوانان قرار دارند و خیلی از بچه‌ها در یادگیری مهارت‌های هنری مشکلی ندارند.»

می‌گوید: «کاملاً درست است.»  
می‌گویم: «مسئله اینجاست که دسترسی آسان به آموزش‌ها، نوجوانان فعال را به سطح قابل‌قبولی از مهارت رسانده است، اما نبود مسیر روشن و جذاب برای پرداختن به موضوعات و مفاهیم عمیق، از سطح محتوایی آثار بچه‌ها تا حد زیادی کاسته و تولیدات نوجوانانی را که از راه‌های گوناگون مهارت‌های هنری را کسب کرده‌اند، به سمت تقلید از مبانی هنر غربی سوق داده است.» می‌گوید: «تفاقی از بچه‌های همین مدرسه، سال گذشته در چند جشنواره هنری دانش‌آموزی رتبه کسب کرده‌اند!»

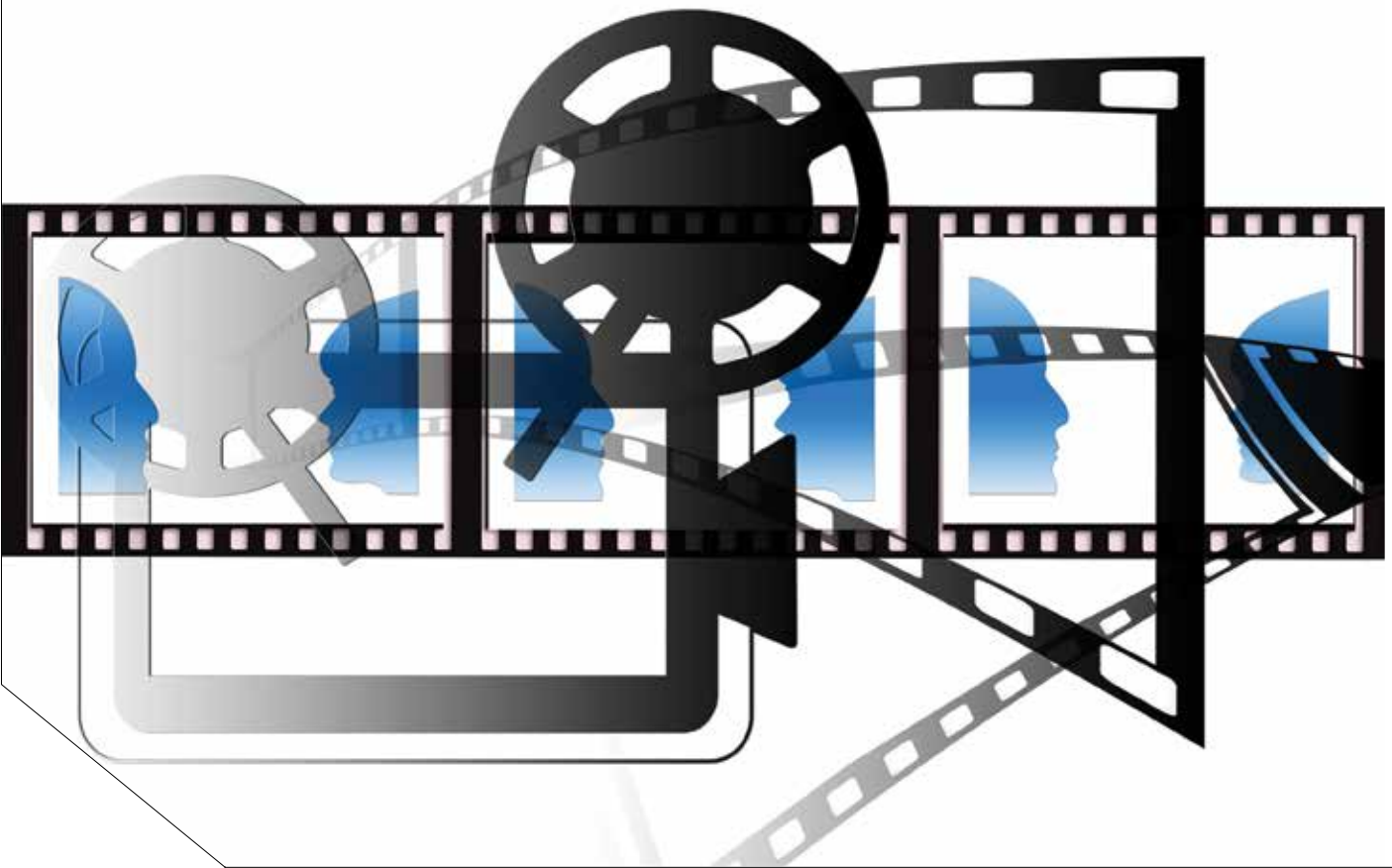
می‌گویم: «بازرزش است، اما صرف تولید یک اثر هنری با یک موضوع خاص، دلیل بر اعتقاد و بینش عمیق هنرمند نسبت به اثر تولیدی نیست و نمی‌توان تولیدات

وارد مدرسه می‌شوم. بچه‌ها را در حیات می‌بینم. دوباره یاد زنگ‌های تفریح خودمان می‌افتم. به بچه‌ها لبخند می‌زنم. قرار است با مدیر درباره برنامه‌های رشد و شکوفایی استعداد‌های هنری نوجوانان صحبت کنم. حالا دست تقدیر با من کاری کرده که قرار است با مدیران مدرسه‌ها و هنرستان‌ها درباره هنر حرف بزنم. می‌گویم: «هنر را صرفاً به‌عنوان یک حرفه در نظر نگیرید. بچه‌ها حتی در دوره متوسطه هم باید با مقدمات هنر آشنا شوند، تجربه تولید یا تحلیل آثار هنری را داشته باشند و استعداد‌های هنری خود را فارغ از رشته تحصیلی کشف کنند و پرورش بدهند.»  
مدیر می‌گوید: «همین الان هم از سرفصل‌های آموزشی عقبیم. بچه‌ها دغدغه آزمون سراسری و آینده را دارند.»  
می‌گویم: «این دغدغه و مسیر رقابت را دیگران برای نوجوان ایجاد کرده‌اند. پرداختن به هنر و اندیشه، نیاز روح است. هنر باید در برنامه نوجوانان قرار بگیرد؛ مثل ورزش، تحرک و خیلی از نیازمندی‌های بنیادین دیگر. هنر فقط برای تأمین شغل بچه‌ها نیست!»

مدیر در حالی که استکان چای را روی میز شیشه‌ای جلوی من می‌گذارد، می‌گوید: «من با کشف استعداد‌های هنری بچه‌ها موافق هستم، اما کسب رضایت والدین هم موضوع مهمی است.»

می‌گویم: «هنر به‌مثابه اندیشیدن است و مهارت هنری راهی برای به‌نمایش گذاشتن این اندیشه. اگر نوجوان به‌واسطه عمیق‌شدن در مفاهیم هنری، به تفکر و تعقل فعال گرایش پیدا کند و به‌واسطه تقویت ذوق و فهم هنری، آثار تعالی‌بخش را در سید مصرف خود قرار دهد، می‌تواند در عرصه حقیقی تقابل اندیشه‌ها از خود حفاظت کند.»

مدیر در حالی که به ساعت نگاه می‌کند، می‌گوید: «این بچه‌ها به همه چیز دسترسی دارند و ما برای تأمین نیازهای مطالعاتی بچه‌ها، سال گذشته ۳۰۰ عنوان کتاب



چند ماه یک فیلم‌نامه خوب نوشته‌اند، تعریف می‌کنم و بعد باز هم می‌گویم: «یکی از روش‌های کشف استعداد هنری نوجوانان، همراه کردن آن‌ها در تولیدات باکیفیت، زیر نظر یک استاد راهنماست. این استاد راهنما می‌تواند معلم بچه‌ها باشد. در نقش آفرینی گروهی نوجوانان پیرامون تولید یک اثر هنری، امکان گفت‌وگو درباره موضوع فراهم می‌شود و این شکوفایی استعدادها را در پی دارد.»

مدیر می‌گوید: «ما در مدرسه در رشته‌های متنوع هنری نوجوانان با استعداد و فعالی داریم. اتفاقاً چند تن از معلمان مدرسه هم در بعضی رشته‌های هنری فعال هستند. می‌توانیم به کمک شما پیشنهادی برای راه‌اندازی گروه‌های هنری، با رشته‌هایی مطابق ظرفیت مدرسه، تشکیل بدهیم.»

یک ربع دیگر حرف می‌زنیم. قند را برمی‌دارم و کمی از چایی‌ام را که حالا سرد شده است می‌نوشم. دست مدیر را می‌فشارم و خداحافظی می‌کنم. موقع رفتن می‌گویم: «راستی، جلسات کتاب‌خوانی و نمایش و نقد فیلم و پویانمایی هم پیشنهاد خوبی است.»

مدیر لبخندی می‌زند. از سالن خارج می‌شوم. موقع خروج از مدرسه، چند نوجوان توی آب‌خوری به هم آب می‌پاشند.

آثار هنری جشنواره‌ای خاص با موضوعی خاص را ملاک خوبی برای ارزیابی میزان اشاعه یک مفهوم در جامعه دانست، چرا که امروز خیلی از نوجوانان راه دستیابی به آثار مدنظر جشنواره‌های هنری را بلدند، بدون اینکه از موضوع تولیدات هنری به‌طور قابل‌قبولی مطلع باشند یا آن مفهوم را در رفتار خود به کار بگیرند و نسبت به آن دغدغه‌ای داشته باشند!»

مدیر می‌گوید: «البته با تمام حرف‌های شما موافق نیستم، جشنواره‌ها محل مناسبی برای شناسایی استعدادها هستند.»

می‌گویم: «بله. اگر برگزیده‌شدن در یک جشنواره، شروع مسیر تجربه‌های جدید و اتصال به بدنه هنرمندان و استادان مورداطمینان باشد، می‌توان به جشنواره‌ها امیدوارتر بود.» ادامه می‌دهم: «توجه به موضوع تحقیق و پژوهش در زمینه موضوع اثر هنری در تولیدات نوجوانان مهم است. بنابراین، تمرکز بر مفاهیم و پرسش و پاسخ و جمع‌آوری اطلاعات درباره شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و مفاهیم ضروری است.»

بعد هم داستان آقای «خرد چشم»، معلم یکی از مدرسه‌های دوره متوسطه را که به‌تازگی با آن‌ها آشنا شده و خبردار شده بودم که به کمک بچه‌های کلاس، در طول



# نیروی داستان‌های الهام‌بخش

تأثیر کیفیت رسانه و سینما  
بر غنای شخصیت مخاطبان

گفت‌وگوکننده: محمدامین بختیاری



در این گفت‌وگو به سراغ دکتر علیرضا بلیغ، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، رفته‌ایم و حول موضوع «رابطه مصرف فرهنگی نوجوانان و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت آن‌ها» با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.

نمی‌نویسد. کتاب باید به گونه‌ای باشد که وقتی آن را می‌خوانی، به‌نحوی در تو تأثیر بگذارد که به تغییر در تو بینجامد. اما امروزه، غلبه سوژه‌ای در دنیای نوگرا (مدرن) کمتر می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند که کسی به‌طور مستقیم تن به ضوابط اخلاقی بدهد. در عوض فوکو از این حرف می‌زند که جای کتاب اخلاق را صنعت فرهنگ، یعنی ابزاری مثل سینما، رمان و موسیقی گرفته است، چیزهایی که مستقیم به شخص نمی‌گویند چه کار کند، ولی او را می‌سازند.

به نظر می‌رسد ما هم وقتی می‌خواهیم جایگاه رسانه یا سینما را نسبت به مسئله‌ای مثل شخصیت یا هویت یک نوجوان و دانش‌آموز بسنجیم، باید به این موضوع توجه کنیم و آن را گوشه ذهنمان داشته باشیم. داشتن سبک زندگی و تأثیر محصولات فرهنگی بر

## ◆ به نظر شما نوع مصرف فرهنگی نوجوانان چه تأثیری روی شخصیت و سبک زندگی آن‌ها دارد؟

○ در ابتدای بحث لازم است به واژه «مصرف فرهنگی» بپردازیم. کلمه مصرف در این ترکیب می‌تواند دلالت‌هایی داشته باشد، از جمله اینکه وقتی به چیزی واژه «مصرف» اطلاق می‌شود، شاید دیگر نتوان به راحتی آن را یک عنصر «هویت‌ساز» تلقی کرد. من ترجیح می‌دهم به جای هویت از واژه «شخصیت» استفاده کنم. وقتی که درباره شخصیت یک دانش‌آموز صحبت می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که اساساً مصرف فرهنگی کمتر می‌تواند از عمقی برخوردار باشد که شخصیت یک فرد را بسازد.

میشل فوکو می‌گوید در غرب کسی کتاب اخلاق

نمی‌شود انتظار داشت محصولات فرهنگی کم‌عمق، شخصیت‌های عمیقی برای ما بسازند

آن، زمانی معنا پیدا می‌کند که شما می‌توانید نحوه زندگی‌کردنتان را با مصرف بسته‌های فرهنگی تغییر دهید و تبدیل به فردی دیگر شوید.

این وضع سیالی که فرد در مواجه با صنایع فرهنگی با آن روبه‌رو می‌شود، به تدریج تصویری از آزادی برای او ایجاد می‌کند؛ تصور اینکه هر کاری خواهد می‌تواند انجام دهد، ولی در حقیقت این رویه، آزادی را به نحو بنیادینی محدود می‌کند. یعنی فرد به جای اینکه یک شخصیت باثبات داشته باشد و هدف، آرمان یا امیدی به آینده‌ای مشخص در سر بپروراند، می‌تواند لحظه‌به‌لحظه تغییر کند و اسم آن را آزادی بگذارد. چنین شخصی کمتر تعهد می‌دهد که به چیزی برای مدتی طولانی ملتزم باشد. این ثبات‌داشتن یا تغییر دائم چیزی است که در شخصیت نهفته است.

در حال حاضر، داشتن این شخصیت باثبات و تعهدی طولانی‌مدت به برخی سرمشق‌ها، در وجود انسان‌ها، در حال کم‌رنگ‌شدن است. یکی از نشانه‌های آن هم این است که در تعریف‌هایی که برای رده‌بندی‌های سنی انجام می‌شود، سن نوجوانی بالاتر می‌رود. به همین خاطر فرد می‌خواهد سبک‌های زندگی گوناگونی را تجربه کند که از ویژگی دوران پسانوگرایی است.

برای اینکه بتوانیم نقش رسانه یا در کل صنایع فرهنگی را در شخصیت‌سازی و هویت‌بخشی نوجوان و دانش‌آموز درست تشخیص دهیم، باید انتظارمان از رسانه و صنایع فرهنگی واقعی باشد. حتی اگر این تصور را داشته باشیم که رسانه و صنایع فرهنگی می‌توانند شخصیتی برای فرد بسازند، باید به توانمندی فعلی خود دقت کنیم.

شاید انتظارمان از رسانه و صنایع فرهنگی این باشد که باید همه انرژی‌مان

را در این حوزه صرف کنیم تا شخصیت نوجوان را با یک محصول بسازیم؛ اما واقعیت این است که به لحاظ کمی و کیفی ما تراز برابری با آنچه در جهان اتفاق می‌افتد، نداریم که بخواهیم در این مناظره پیروز شویم. اگر این‌گونه نگاه کنیم، ممکن است انتظار ما از رسانه تعدیل شود.

اینکه فرد دائماً در نقش‌های متعدد فرو رود، آزردهنده است؛ اما واقعاً نمی‌شود انتظار داشت که مصرف فرهنگی‌ای که از قبال محصولات صنایع فرهنگی کم‌عمق اتفاق می‌افتد، شخصیت‌های عمیقی برای ما بسازد. در رقابت جهانی، در عرصه صنعت فرهنگ، ما به لحاظ کمی و کیفی قدرتی مساوی نداریم، اما آیا این بدین معناست که باید صنایع فرهنگی را تعطیل کنیم و کنار بگذاریم؟ اصلاً چنین چیزی شدنی نیست که بتوان رسانه و سینما را کنار گذاشت، اما شاید بشود آن‌ها را مقدمه‌هایی برای دعوت به نقاطی دانست که می‌توانند شخصیت‌های عمیق‌تری برای ما بسازند.

#### ◆ با وجود انبوه محصولات فرهنگی و رسانه‌ای، چه محصولاتی در ذهن مخاطب ماندگار می‌شود و امکان اثرگذاری بیشتری دارد؟

○ در چارچوب تولیدات فرهنگی‌ای که در دنیا اتفاق می‌افتد، برای اینکه افراد برای مدت طولانی‌تر و با دوام بیشتری درگیر شخصیت‌ها و نمادهای (المان‌هایی) یک اثر سینمایی، اثر موسیقی یا یک پویانمایی باشند، مهم‌ترین کار این است که آن محصولات «قصه‌پردازی» خوبی داشته باشند.

وقتی می‌خواستند «عروسک باربی» را در دنیا جا بیندازند، پنج فیلم باربی ساختند و کارهایی انجام دادند که آن شخصیت در ذهن نوجوان شکل بگیرد؛ بعد که عروسک تولید شد، بچه‌ها به سراغ خرید آن رفتند. کارهایی تبلیغی در این راستا انجام شد که این عروسک فروش جهانی داشته باشد. پس در مرحله اول مهم قصه‌سازی است.

عنصر اولیه قصه‌سازی است. نمونه شکست‌خورده این ماجرا دارا و سارا بود. این دو عروسک بدون اینکه قصه‌ای داشته باشند، تولید شدند. متولیان این اتفاق فکر می‌کردند اگر این عروسک‌ها به بازار بیایند، همه از آن‌ها استقبال می‌کنند؛





## وقتی الگویی را به نسل نو معرفی می‌کنیم، باید بین مخاطب و آن الگو روابط نزدیکی بسازیم

ولسی چون تصویر یا خاطره مثبتی در ذهن مخاطب وجود نداشت، نوجوان به سمت خرید آن نرفت. اگر بخواهیم صنایع فرهنگی پذیرفته‌شده‌ای داشته باشیم، نکته مهم و اصلی این است که باید ابتدا قصه‌ای باشد که افراد خودشان را در آن سهیم بدانند تا به سراغ آن محصول بروند و از آن تأثیر بپذیرند. در همین زمینه، انتظار تأثیر عمیق داشتن فقط زمانی ممکن است که محصولات فاخر را مقدمه‌ای برای آشنایی عمیق‌تر با آنچه در آن‌ها نهفته است، در نظر بگیریم.

الان نسل جدید کمتر کتاب می‌خواند، چون درگیر شبکه‌های اجتماعی و اینترنت است و حوصله خواندن کتاب را ندارد؛ ولی اگر کتاب‌خوانی در محصولی و روی شخصیتی پردازش شود، این امکان وجود دارد که بچه‌ها، به‌دلیل گرایش به آن شخصیت، به سمت کتاب و مطالعه بروند و بخواهند که خود را به آن شخصیت نزدیک کنند.

وقتی الگویی را به نسل نو معرفی می‌کنیم، باید روابط نزدیکی بین مخاطب و آن الگو بسازیم. هرچه روابط را نزدیک‌تر کنیم، به‌گونه‌ای که آن روابط عمق پیدا کنند، در شخصیت‌سازی نیز موفق‌تر می‌شویم. در غیر این صورت، باید انتظار ما از محصول فرهنگی این باشد که روزمرگی مخاطب را پر کند و هر روز به رنگی در بیاید. از این تغییر رنگ‌ها نمی‌توان انتظار شکل‌گیری هویت و شخصیت فرد را داشت. انسان‌هایی که با جنگ و انقلاب مواجه شده‌اند، درون یک داستان واقعی بودند. خودشان از شخصیت‌های داستان بودند. حتی اگر نگوییم خودشان بخشی از داستان بودند، می‌توانیم بگوییم در حال تماشای یک داستان واقعی بودند. این تجربه تأثیری روی آن افراد می‌گذارد که از خواندن داستان‌هایی که واقعیت ندارند، خیلی متفاوت‌تر است. در محصولاتی که چنین واقعیتی در آن‌ها وجود ندارد، تنها بازار مصرف کالا رونق می‌گیرد؛ بنابراین نمی‌توان از آن‌ها انتظار هویت‌سازی و پرورش شخصیت داشت. مخاطب در مصرف آن محصولات، به‌طور دائم، به دنبال تنوع است.

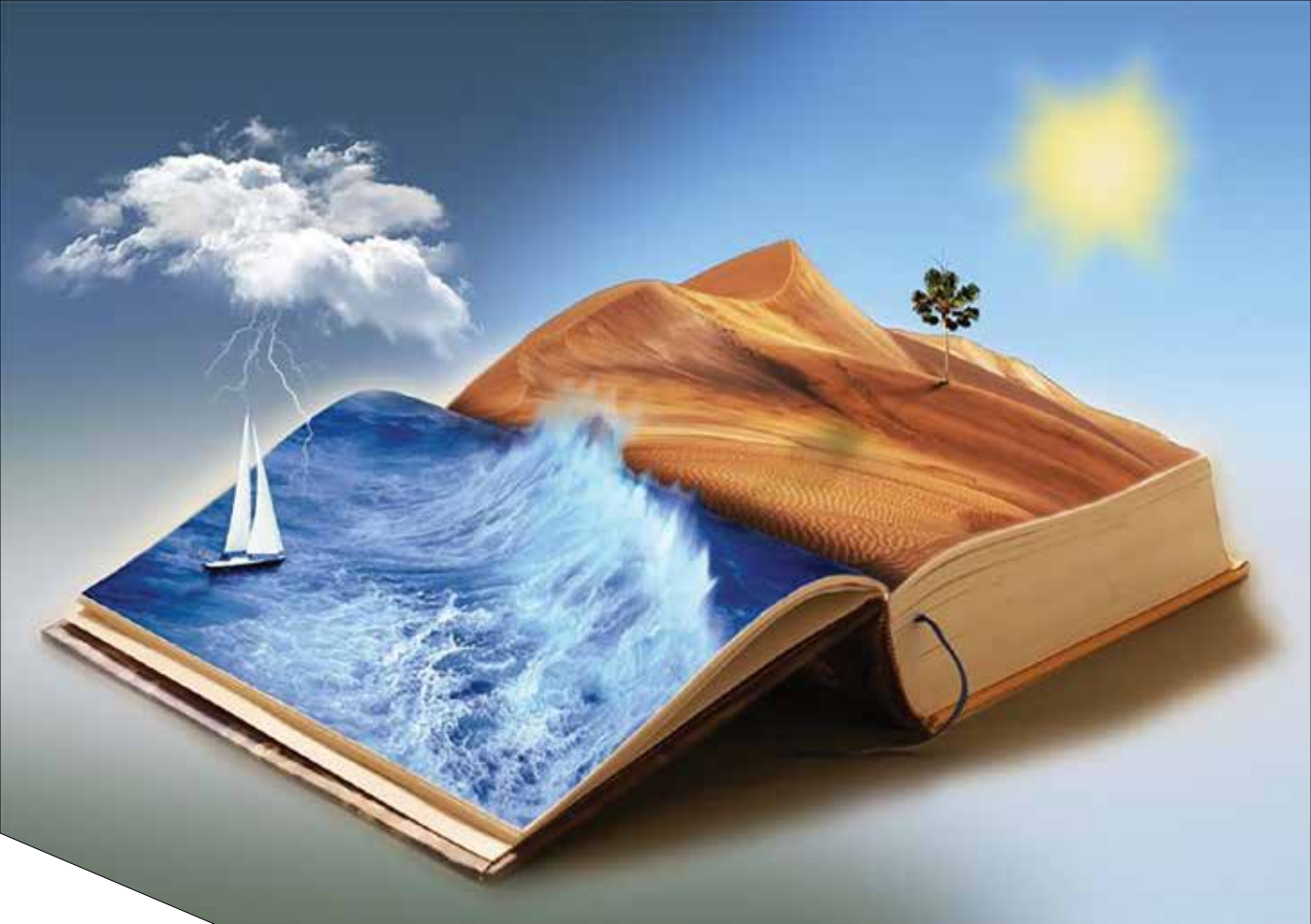
برای اینکه این راه به مسیری برای تربیت مخاطب تبدیل شود، نیاز است به روابط انسانی منتهی شود. خیلی از ما اگر به عقب برگردیم و مسیری را که در زندگی انتخاب کرده‌ایم، بنگریم، در بسیاری از قسمت‌های آن، افراد مؤثری را می‌بینیم. بنابراین باید جهت‌گیری به این سمت باشد که محصولات فرهنگی نوجوانان و دانش‌آموزانمان را به سمت لنگرگاه‌های خاص در ساحت فرهنگی هدایت کنند تا آن‌ها بتوانند از آن محصولات الگو بگیرند. این‌گونه است که می‌توان انتظار داشت عمق شخصیت ایجاد شود.

شعبه جامعه‌شناسی، نه در ایران بلکه در کل جهان، اساساً به این سمت نیست که افراد شخصیت عمیقی داشته باشند. افراد باید مصرف‌کننده باشند. در مصرف کردن است که می‌توان بازی تنوع را داشت و بازار رنگارنگی ساخت و محصولات گوناگون عرضه کرد. فردی که شخصیت عمیقی داشته باشد، به‌خصوص در سن‌های بالاتر، دنبال تنوع نیست. او برای خود اصولی دارد. البته این‌ها به این معنا نیست که انسان‌ها الان نمی‌توانند تنوع داشته باشند؛ بلکه به این معناست که این تنوع نباید در نهایت به سرمشق‌ها و اصول شخصیتی فرد آسیبی بزند؛ چون اگر این اصول نباشند، نمی‌توان مسیری را به‌صورت مستمر و بادوام پیگیری کرد و اگر این‌طور نباشد، فرد درگیر کار روزمره می‌شود و یک‌دفعه می‌بیند همه‌چیز تمام شده است.

امروزه اکثریت به دنبال راهکارهای بیشتری هستند تا فروش بیشتری داشته باشند؛ با گسترش جهانی و درگیر کردن کشورهای دیگر، با ایجاد تنوع و بازسازی‌های متعدد، با پایین‌آوردن کیفیت و عمر محصولات. اگر این اتفاق برای محصولات فرهنگی نیز رخ دهد و قرار باشد محصولات فرهنگی واجد چنین تنوعی باشند، بدون اینکه تأثیر بادوامی روی مخاطب بگذارند، اتفاق خوشایندی رخ نخواهد داد.

در حال حاضر، مادر بعضی از حوزه‌ها نسبت به قبل توانمندی بیشتری پیدا کرده‌ایم؛ مثلاً قبل از این نمی‌توانستیم به لحاظ کمی و کیفی تا این حد پویانمایی تولید کنیم، اما اکنون چنین نیست. با وجود این، هنوز آن عنصر اصلی قصه‌پردازی را که هالیوود دارد، ما نداریم. باید بتوانیم در این حوزه آنقدر توانمندی پیدا کنیم که وقتی محصولی تولید کردیم، مخاطب را





○ محصول فرهنگی نامناسب، ذائقه را نابود می‌کند. از این جهت، وقتی محصولاتی را مصرف می‌کنیم که احتمالاً پایداری و عمق کمی دارند و قرار است به مصرف روزمره ما برسند، یعنی قرار است روزمرگی ما را پر کنند، نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت که امتداد داشته باشند؛ مثلاً امروزه می‌بینیم که صدای موسیقی همه‌جا شنیده می‌شود. کسی

که در خانه، محل کار، مسیر رفت‌وآمد و داخل ماشین همواره موسیقی گوش می‌دهد، هیچ وقت گوشش پرورش نمی‌یابد تا از موسیقی تشخیص درستی داشته باشد.

این فرد فقط وقت را می‌گذراند و درنگی ندارد. «درنگ» است که در فرد تحول ایجاد می‌کند. چنین شخصی فقط می‌خواهد به‌طور دائم موسیقی‌های متنوع مصرف کند.

در ایران و بیرون از ایران هم این‌طور است. سنت‌ها کم‌کم کمرنگ می‌شوند و پیوند آدم‌ها با گذشته کم می‌شود؛ چون افراد در لحظه زندگی می‌کنند. شرایط روزمره در پرورش این روحیه نقش دارد. در همان فضای کارکردن نیز تغییرات نابرابر وضعیت اقتصادی در جهان به‌نحوی است که اقلیت بسیار کمی درصد بسیار زیادی از ثروت جهان را دارند و جمعیت بسیار انبوهی مجبورند برای درآمد کمی ساعت‌های زیادی کار کنند. این اتفاق در بازه زمانی ۶۰ تا ۷۰ سال به وجود آمده است.

درگیر خود کند. اگر این اتفاق بیفتد، ثمره نهایی باید این باشد که مخاطب بتواند الگوهایی برای خود برگزیند. الگو به معنای آنکه بتواند با آن زندگی خود را بسازد.

ویژگی اصلی صنعت فرهنگ در دنیای امروز این است که انسان‌ها را منفعل می‌کند، برای اینکه به سمت آرمان‌ها و آرزوهای بلند بروند. آدم‌هایی که اهل مصرف فرهنگی هستند و شخصیتشان با محصولات فرهنگی گره خورده است، نمی‌توان بین آنان خیزش اجتماعی ایجاد کرد. درست است که این جریان در این لحظه برای جمهوری اسلامی خطری ندارد؛ ولی یک خطر خیلی مهم دارد و آن هم این است که اگر بخواهی از افراد در آن جهت که بخواهی استفاده کنی (خیزش اجتماعی)، با سختی روبه‌رو می‌شوی. علاوه بر آن، معلوم نیست آدم‌ها آنقدر عمر داشته باشند که در مسیر آرمان‌های بلند حرکت کنند.

آنچه در صنایع فرهنگی اهمیت دارد، این است که توجه کنیم چشم افراد به کجاست. باید از همان نقطه‌ای که چشم مخاطب به آنجاست، شروع کرد؛ یعنی اگر مخاطب به فیلم توجه دارد، از فیلم شروع کنیم و بعد به معرفی کتاب بپردازیم.

◆ با توجه به صحبت‌هایی که تا اینجا داشته‌اید، رابطه نوع مصرف فرهنگی با ذائقه فرهنگی چیست؟



### محصول فرهنگی نامناسب، ذائقه را نابود می‌کند



# به سوی ذهن‌های زیبا

## اهمیت هنرآموزی معلمان در عرصه فیلم و سینما

فاطمه موسوی

مدیرکل فرهنگی دانشگاه فرهنگیان



پیام ساعت‌ها سخنرانی را دریافت. البته که این دو جایگزین همدیگر نیستند، اما هر کدام مکمل دیگری است.

چشنواره فیلم رشد که هدف از برگزاری آن جذب مشارکت تجربه‌گران تعلیم و تربیت در قالب رسانه، آن هم به وسعتی بین‌المللی است، فرصت بسیار مغتنمی است تا دانش‌جو معلمان خلاق و هنرمندان را جذب و شرایط رقابت سالم و ارزشمند هنری تربیتی را ایجاد کند. دانشگاه فرهنگیان به حضور دانش‌جو معلمان جوان، بانگیزه، هنرمند، مستعد، توانمند، پرشور، علاقه‌مند، فعال، پرنشاط، دین‌مدار و انقلابی مفتخر است. ما مطمئن هستیم، با یاری خدا، به زودی زود شاهد آن خواهیم بود که دانش‌جو معلمان عزیز ما در رقابت با دانشگاه‌های تخصصی در زمینه هنر، گوی سبقت را برابند.

البته تجربه به ما ثابت کرده است، همکاری سازمان پژوهش با معاونت فرهنگی دانشگاه فرهنگیان در حوزه‌های گوناگون، همیشه گام‌های بلند ما را مؤثرتر کرده است. ما قدران این همدلی هستیم. امید داریم در زمینه هنر، به‌ویژه ساخت فیلم نیز این همکاری بیشتر شود و شرایط آموزش بخش‌های ساخت فیلم، کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی... برای همه دانش‌جو معلمان، چه در تهران و چه در نقطه‌های دور دست، فراهم شود. ما معتقدیم، اگر معلمان در همه حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه‌های هنری، حضور مؤثر داشته باشند، به‌راستی نگاه به هنر نیز تغییر خواهد یافت؛ هنری که به نگاه بلند ایجاد تمدن نوین اسلامی مسلح است، به‌طور قطع محتوا را با آرمان‌های زیبا و تحولی و آینده‌ای درخشان نقش می‌زند و به دنبال تغییر ضعیف‌ها به قوت، تغییر ضدارزش‌ها به ارزش‌های اخلاقی، و تغییر نقص‌ها به تکامل خواهد بود. ما تلاش می‌کنیم شرایطی فراهم شود که دانش‌جو معلمان عزیزمان معلمانی هنرمند شوند.

نقش آموزش و پرورش در عصر حاضر فقط انتقال معلومات و دانش نیست، توانمندسازی دانش‌آموزان برای زیستن در عصر کنونی، از وظایف مهم این نهاد است، زیرا آنان زیربنای توسعه و پیشرفت محسوب می‌شوند و معماران فردای کشور را تربیت می‌کنند. شناختن نقش فناوری در آموزش می‌تواند برای کودکان ما، در عصر ارتباطات آینده میهن اسلامی‌مان، پشتوانه خوبی باشد.

یکی از دستگانه‌هایی که باید خود را با تحولات معاصر و آینده هماهنگ کند، دانشگاه فرهنگیان است. ما آینده‌نگری را نیازی اساسی و مهم می‌دانیم. معلم آینده باید در حوزه‌های گوناگون، به‌ویژه هنرهای مورد نیاز مدرسه، توانایی داشته باشد و آگاه در عرصه‌های متنوع سیاسی-اجتماعی-علمی، معتقد به رفتارهای اخلاقی، و اثرگذار و سازگار با تغییرات و تحولاتی باشد که به وقوع می‌پیوندد. درخواست آموزش و پرورش جوانان و دانش‌آموزان امروز ما از مدرسه‌ها و معلمان روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. بنابراین، براساس اسناد بالادستی و بنا بر اهمیت جایگاه معلم در نظام تعلیم و تربیت، ضرورت تعیین شاخص‌ها و استانداردهای دانش‌جو معلمان به‌عنوان معلمان توانمند آینده برای ورود به عرصه تعلیم و تربیت، آشکار می‌شود.

فیلم‌های آموزشی و رسانه‌ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جایگاه شایسته‌ای دارند. یکی از رویکردهایی که این سند به‌خوبی به آن توجه کرده است، به‌رسمیت شناختن فیلم آموزشی در کنار کتاب‌های درسی است. استفاده از فیلم آموزشی می‌تواند دستیابی به یادگیری مؤثر را آسان‌تر کند. پس «چگونه می‌توان در دانشگاه فرهنگیان این موضوع مهم را نادیده گرفت؟» در جهان امروز، تعلیم و تربیت، با استفاده از بیان بصری، سرعت بیشتری یافته است. از این موضوع مهم نباید غافل شد. امروزه می‌توان با دیدن یک فیلم کوتاه ۱۵ دقیقه‌ای،





# در پیچ پنجاه و سوم

## اهداف جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در یک نگاه

علی یعقوب‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان



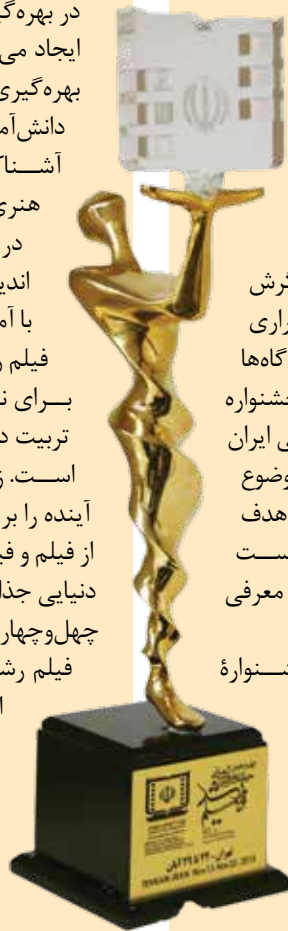
غنی‌تر و پربارتر کند، سرمایه‌گذاری روی مخاطبان این جشنواره و ارتقای دانش فیلم‌سازی آنان است. وجود بخش‌هایی مانند دانش‌آموزان فیلم‌ساز، معلمان فیلم‌ساز و دانشجویان معلمان فیلم‌ساز، یکی از این رهیافت‌هاست که در بهره‌گیری مفید از رسانه تصویر و فیلم تأثیر زیادی ایجاد می‌کند. توجه به آموزش و تربیت فیلم‌سازی، بهره‌گیری مناسب از این رسانه است.

دانش‌آموزان آینده‌سازان این جامعه هستند و آشنا کردن این قشر با فیلم، می‌تواند بیان، درک هنری و تصویری جامعه آینده را ارتقا دهد. در گذشته، کتاب وسیله و امکان ارتباط اندیشه‌ها و بیان انسان‌ها بوده است، اما امروزه با آمدن وسایل متنوع ارتباطی، نمی‌توان رسانه فیلم را در این باره نادیده گرفت. به نظر می‌رسد، برای نیل به هدف، بهترین راه، توجه و اقدام به تربیت دانشجویان معلمان در عرصه فیلم‌سازی و آموزش است. زیرا همین دانشجویان معلمان وظیفه تربیت نسل آینده را بر عهده خواهند داشت. معلمان ما با استفاده از فیلم و فیلم‌سازی می‌توانند دانش‌آموزان خود را با دنیایی جذاب‌تر، فراگیرتر و تأثیرگذارتر آشنا کنند. در فیلم رشد این اتفاق در دانشگاه فرهنگیان افتاد، اما به‌نگاه این حرکت متوقف شد. بگذریم که تغییر پیوسته و مداوم مدیران در آموزش و پرورش، وجود جریانی مستمر، پایدار و تأثیرگذار در این عرصه را با مشکل مواجه می‌کند، اما سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، برایمان نویدبخش آینده‌ای زیباتر و سالم‌تر خواهد بود. امید است در تمام ایام سال شاهد جریانی مستمر در عرصه فیلم‌سازی آموزشی و تربیتی، با حضور معلمان، دانشجویان معلمان و دانش‌آموزان باشیم.

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد ۵۳ ساله شد. جشنواره رشد با هدف معرفی و نمایش فیلم‌های آموزشی و تربیتی بنیاد گذاشته شد. حال این سؤال مطرح است «این جشنواره تا چه حد در جامعه عمل‌پوشاندن به رسالت و هدف خود موفق بوده است؟»

بی‌تردید مخاطبان جشنواره، فیلم‌سازان و اهالی تعلیم و تربیت اعم از دانش‌آموزان، معلمان، دانشجویان معلمان آموزش و پرورش، کسانی هستند که به‌نوعی با تعلیم و تربیت سروکار دارند. نگاه بین‌المللی جشنواره فیلم رشد در بردارنده تجربه‌ها و تازه‌های تولید در عرصه فیلم‌سازی با رویکرد و نگرش آموزشی و تربیتی است و از این حیث در برقراری ارتباط با جامعه جهانی و انتقال تازه‌ترین دیدگاه‌ها سهم بسزایی دارد. شاید بتوان گفت، این جشنواره قدیمی‌ترین و دیرپاترین جشنواره سینمایی ایران است، اما نکته حائز اهمیت، توجه به این موضوع است که این جشنواره چقدر در نیل به این هدف موفق بوده و در این سال‌ها چقدر توانسته است مخاطبان را با این یافته‌ها و محصولات آشنا و معرفی کند.

هر ساله در فصل پاییز شاهد برپایی جشنواره بین‌المللی فیلم رشد هستیم. شروع بهار تعلیم و تربیت در فصل پاییز، زمان مناسبی برای جمع‌شدن دور هم و دیدن این فیلم‌ها همراه با معلمان و دانش‌آموزان است. رشد و گسترش فناوری‌های متنوع ارتباطی و تصویری، ما را به بهره‌گیری و استفاده هوشمندانه و هدفمند از این فضای جذاب نیازمند می‌کند. در این جشنواره، با انواع مخاطبان مواجه هستیم: دانش‌آموزان، معلمان، دانشجویان معلمان و هنرمندان عرصه فیلم و فیلم‌سازی. آنچه می‌تواند این جشنواره را





# جشنواره‌های نخستین

مروری بر سیر تکامل فیلم‌های آموزشی

سمیرا طارمی

مدرس دانشگاه فرهنگیان



اشاره

موضوع شناخت و معرفت از دیرباز یکی از مسائل مهم بشری تلقی شده است. به همین لحاظ، معرفت‌شناسی از زمره دانش‌های پایه بشری محسوب می‌شود. پاسخ به این سؤال که اساساً یادگیری چگونه محقق می‌شود، ما را به دنیای متفاوتی از مفاهیم رهنمون می‌کند، اما به هر نظریه معرفت‌شناختی‌ای که قائل باشیم، فیلم آموزشی به واسطه درگیر کردن حداکثری گیرنده‌های حسی و البته برانگیختن قوه خیال و برقراری ارتباط بین داده‌های پیشین و جدید، در فرایند یادگیری یاددهی ابزاری مهم و تأثیرگذار محسوب می‌شود.

شدند و فیلم‌هایی با موضوعات گوناگون برای مدرسه‌ها، کتابخانه‌ها و سایر مؤسسه‌های آموزشی تولید کردند. **دوران پس از جنگ جهانی دوم (دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰):** دوران پس از جنگ، به دلیل افزایش بودجه دولتی و پیشرفت‌های فناوری، شاهد افزایش تولید و توزیع فیلم‌های آموزشی بود. فیلم‌های آموزشی در کلاس‌های درس به‌طور گسترده استفاده می‌شدند و محتوای آن‌ها برای پوشش مسائل اجتماعی، آموزش بهداشت و آموزش حرفه‌ای گسترش یافتند. این دوره همچنین شاهد ظهور فیلم‌های آموزشی به سبک مستند بود.

**تغییر به قالب‌های ویدئویی و دیجیتال (دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰):** با ظهور فناوری «وی‌اچ‌اس» و بعداً «دی‌وی‌دی»، فیلم‌های آموزشی به‌طور فزاینده‌ای از فراتاب (پروژکتور)‌های فیلم سنتی به قالب‌های ویدئویی تغییر مکان دادند. این انتقال امکان توزیع و دسترسی آسان‌تر به محتوای آموزشی را فراهم کرد. علاوه بر این، ظهور فناوری دیجیتال در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، فرصت‌های جدیدی را در برابر فیلم‌های آموزشی تعاملی و چندرسانه‌ای قرار داد.

**عصر بخط (دهه ۲۰۰۰ تاکنون):** گسترش اینترنت

## سیر تکامل فیلم آموزشی در جهان

فیلم‌های آموزشی تاریخچه‌ای غنی دارند که چندین دهه را در برمی‌گیرند و در کنار پیشرفت‌های فناوری و شیوه‌های آموزشی تکامل یافته‌اند. در نگاهی کلی می‌توان سده گذشته را به پنج دوره در این خصوص تقسیم کرد:

**سال‌های اولیه (دهه‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰):** استفاده از فیلم برای مقاصد آموزشی از اوایل دهه ۱۹۰۰ آغاز شد. در ابتدا، فیلم‌های آموزشی به‌طور عمده در کلاس‌های درس برای تکمیل روش‌های سنتی تدریس استفاده می‌شدند. این فیلم‌ها طیف وسیعی از موضوعات، از جمله علوم تجربی، تاریخ و جغرافیا را پوشش می‌دادند. در این دوره، فیلم‌های صامت با کارت‌های متنی معمول بودند.

**عصر طلایی فیلم‌های آموزشی (دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰):** دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ در تولید و استفاده از فیلم‌های آموزشی رشد قابل توجهی رخ داد. با ظهور صدا در فیلم، فیلم‌های آموزشی جذاب‌تر و آموزنده‌تر شدند. بسیاری از استودیوهای فیلم آموزشی در این زمان تأسیس

جشنواره بین‌المللی  
فیلم‌های علمی،  
آموزشی و تربیتی  
رشد، در میان  
پرسابقه‌ترین‌ها،  
رتبه دوم را به خود  
اختصاص داده است



خاستگاه آن‌ها را می‌توان در اواسط نیمه نخست قرن بیستم، یعنی زمانی که استفاده از فیلم در آموزش و پرورش شهرت یافت، جست‌وجو کرد.

شاید نخستین بار جشنواره فیلم ونیز (که در سال ۱۹۳۲ تأسیس شد)، در دهه ۱۹۴۰ یک دسته «فیلم آموزشی و علمی» را معرفی کرد! هدف از این دسته، شناخت فیلم‌هایی بود که به اهداف آموزشی و دانش علمی کمک کردند. «جشنواره فیلم کوتاه اوبرهاوزن» نیز (که در سال ۱۹۵۴ در آلمان تأسیس شد)، فیلم‌های آموزشی را در برنامه خود قرار داد. هدف آن هم نمایش فیلم‌های کوتاه نوآورانه، از جمله فیلم‌هایی بود که ارزش آموزشی دارند. با گذشت زمان، جشنواره‌های فیلم دیگری مانند «جشنواره بین‌المللی فیلم برلین» و «جشنواره فیلم کن» نیز، شامل بخش‌ها یا دسته‌های فیلم آموزشی، روی کار آمدند.

### ظهور جشنواره‌های فیلم آموزشی و معرفی سه جشنواره معتبر قدیمی این عرصه

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با افزایش محبوبیت

بسترهای پخش نوینی در دسترسی به فیلم‌های آموزشی و توزیع آن‌ها ایجاد کرد. برنامه‌های برخط و وبگاه‌های اشتراک‌گذاری ویدئو، مربیان و فراگیرندگان را قادر می‌کند به مجموعه وسیعی از محتوای آموزشی در سراسر جهان دسترسی داشته باشند. فیلم‌های آموزشی نیز با قالب‌های جدید مانند مجموعه‌های وب و پودمان (ماژول)های تعاملی برخط سازگار شده‌اند. امروزه در کلاس‌های درس، آموزش از راه دور و محیط‌های آموزشی غیررسمی، فیلم‌های آموزشی همچنان نقش مهمی ایفا می‌کنند، تا جایی که به بخشی جدایی‌ناپذیر از آموزش مبتنی بر چندرسانه‌ای تبدیل شده‌اند و تصویرهای جذاب، بینش‌های تخصصی و عنصرهایی تعاملی را برای افزایش تجربه یادگیری ارائه می‌دهند.

### ردپای فیلم‌های آموزشی در جشنواره‌های نخستین

جشنواره‌های فیلم آموزشی مهم‌ترین بستر نمایش و تبلیغ فیلم‌های آموزشی در سراسر جهان هستند که



## جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در ادامه مسیر، شعار «دانش در آینه تصویر» را برای خود برگزید

فیلم‌های آموزشی، جشنواره‌های اختصاصی فیلم آموزشی ظهور کردند. چندین دهه است که جشنواره‌های فیلم آموزشی برای کودکان و دانش‌آموزان وجود دارند و بستری برای فیلم‌سازان جوان فراهم می‌کنند تا آثار خود را به نمایش بگذارند و از متخصصان صنعت بیاموزند. هدف این جشنواره‌ها، ترویج هنر فیلم‌سازی، آموزش مخاطبان جوان و گسترش آگاهی آن‌ها از دنیای خارج است.

«جشنواره فیلم زلین» جمهوری چک، که در سال ۱۹۶۱ شروع به کار کرد و به‌عنوان جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان نیز شناخته می‌شود، در جهان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین جشنواره فیلم در نوع خود محسوب می‌شود. در این جشنواره، هر ساله حدود ۳۰۰ فیلم از بیش از ۵۰ کشور به نمایش در می‌آیند که هدف آن‌ها سرگرم‌کردن، آموزش و گسترش آگاهی مخاطبان جوان است. هدف این جشنواره، نه تنها سرگرم‌کردن مخاطبان جوان، بلکه آموزش، گسترش آگاهی از دنیای بیرون و توسعه ادراکات زیبایی‌شناختی، اجتماعی و اخلاقی است. این جشنواره خود را به‌عنوان رویدادی باکیفیت برای فیلم‌های کودکان ثبت کرده است و بخش‌های آموزنده‌ای دارد، از جمله: «سنگ مرمر رنگین‌کمان، برنامه‌های حمایتی، رویدادهای خیریه، هم‌اندیشی‌های تخصصی، و مشخصات فیلم‌ساز».

«جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد» با تاریخ پرافتخار خود، در میان پرسابقه‌ترین‌ها رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. این جشنواره در سال ۱۳۴۲ شمسی (۱۹۶۳ میلادی) با نام «فستیوال فیلم‌های آموزنده» شروع به کار کرد. از نخستین دوره جشنواره فیلم‌های آموزنده، همواره گردآوری و ارائه آخرین تولیدات آموزشی و یافتن راه‌های جدید پرورش و آموزش کودکان و نوجوانان میهن، هدف قرار گرفته است. هر چند که در هر دوره، با توجه به صلاحدید مسئولان برگزاری جشنواره‌ها، محتواهای فیلم‌های مورد پذیرش و نمایش متغیر بوده‌اند، اما در نگاهی آماری، غالباً موضوع‌های «علمی، آموزشی و تربیتی» اهمیت و اولویت داشته‌اند.

در برگزاری هشتمین دوره جشنواره در سال ۱۳۵۰، نام آن به «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آموزشی» تغییر یافت. در دوره بیستم جشنواره در سال ۱۳۶۹ نیز برگزارکنندگان، به اتفاق آراء، افزودن نام «رشد» به نام قبلی را مناسب دانستند. از آن پس، جشنواره با نام کنونی «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد» به فعالیت خود ادامه داد.

در سال‌های آغازین، فیلم‌های به‌نمایش درآمده در جشنواره، به‌تمامی به زبان اصلی پخش می‌شدند و در مواردی که متن فیلم مورد توجه مخاطبان قرار می‌گرفت، خلاصه فیلم به زبان فارسی ترجمه می‌شد و متن آن در اختیار تماشاگران قرار می‌گرفت. ولی از جشنواره دوره دهم در سال ۱۳۵۲ به بعد، با هماهنگی وزیر وقت آموزش و پرورش، گفتارگردانی (دوبله) فیلم‌های منتخب با پیام‌های علمی‌تربیتی شروع شد. از آن پس فیلم‌های جشنواره به‌صورت گفتارگردانی‌شده در دسترس تماشاگران قرار می‌گرفتند.

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، در ادامه مسیر، شعار «دانش در آینه تصویر» را در راستای تحقق عدالت آموزشی برای خود برگزید و تاکنون همچنان به این شعار وفادار بوده است.

دوره‌های سی و سوم تا سی و پنجم جشنواره، به ترتیب در شهرهای کرمان، یزد و خراسان رضوی برگزار شدند. در سی و سومین دوره، آثار «دانش‌آموزان فیلم‌ساز» نیز در بخش مسابقه حضور یافتند. در سی و ششمین دوره نیز آثار «معلمان فیلم‌ساز» به جشنواره بین‌المللی فیلم رشد اضافه و پذیرش و داوری شدند.

سیر تعامل و همکاری با سازمان‌ها و مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی، به‌منظور هم‌افزایی و بهره‌گیری از قابلیت‌ها برای ترسیم افق تولیدات علمی، آموزشی و تربیتی، تا دوره پنجاه و دوم روند مطلوبی را طی کرد و شاهد مبادلات در سطح مناسب‌تری بودیم.

«جشنواره فیلم جیفونی» که به‌عنوان تجربه جیفونی نیز شناخته می‌شود، یک جشنواره فیلم کودکان ایتالیایی است که هر ساله در جیفونی واله پینانا کامپانیا برگزار می‌شود. این جشنواره را در سال ۱۹۷۱ **کلودیو گوینتوزی** با هدف ترویج و توسعه سینما برای جوانان تأسیس کرد. فیلم‌سازان و هنرمندان سرشناس از جشنواره جیفونی تمجید کرده‌اند. **فرانسوا تروفو** پس از آمدن به جیفونی در سال ۱۹۸۲ نوشت: «جیفونی از همه جشنواره‌ها ضروری‌تر است.» او اهمیت جشنواره فیلم آموزشی را در دنیای سینما بر جسته کرد.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد جشنواره فیلم جیفونی، هیئت داوران آن است که منحصراً از جوانان تشکیل شده و در طول سال‌ها، تعداد اعضای هیئت انتخاب آن به مراتب از ۳۰۰۰ نفر فراتر رفته است. این اعضا از بیش از ۴۴ کشور متفاوت آمده‌اند که تمام قاره‌های جهان را در بر می‌گیرند. سن اعضای هیئت انتخاب بین ۳ تا ۱۷ سال است. آن‌ها بر اساس گروه سنی خود در چهار بخش رسمی رقابتی قرار می‌گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. VHS
2. DVD

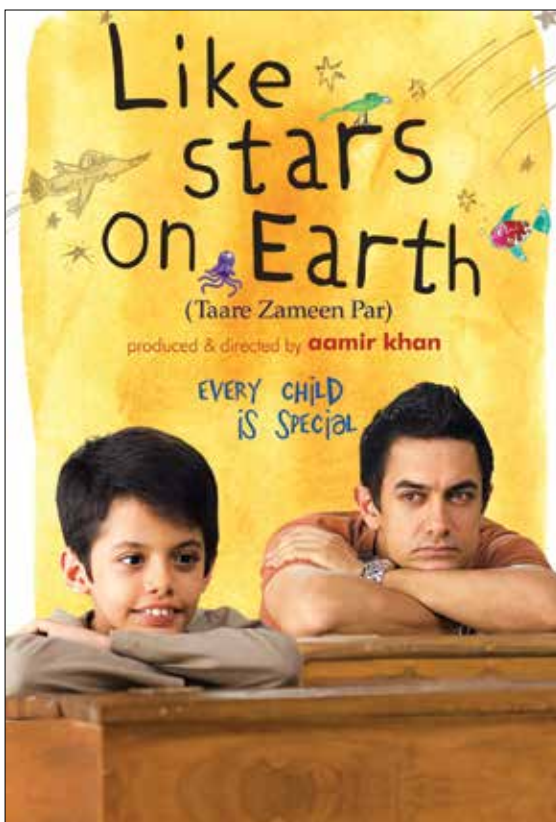


# سوگ نامه استعداد های نهفته

مروری بر نکات تربیتی فیلم «ستاره های روی زمین»

صدیقه سلطانی نژاد

دانش آموخته فلسفه تعلیم و تربیت



«ستاره های روی زمین» یک فیلم بالیوودی است که علاوه بر جذابیت و سرگرم کنندگی اش، به موضوعات تربیتی مهمی پرداخته است. «ایشان»، شخصیت اصلی فیلم، پسر بچه ای هشت ساله است و در ظاهر بازیگوش و حواس پرت! معلم ها و والدینش از او شاکی اند. هم کلاسی ها و بچه های محله، به خاطر تنبلی، حواس پرتی و جواب های سربالایش به معلم ها، مسخره اش می کنند! مدرسه مدام والدینش را می خواهد و بابت رفتار او به آن ها تذکر می دهد. مادر از اینکه نمی تواند راه حلی برای مشکل پسرش پیدا کند، کلافه شده است. در نتیجه، والدینش تصمیم می گیرند برای تنبیه او را به مدرسه شبانه روزی بفرستند! ایشان، با این دوری از خانواده و به خصوص مادر، رنجش مضاعف و افسرده و ناتوان می شود.

در پس ظاهر ماجرای که ذکر شد، ایشان پسری فوق العاده باهوش است، با دنیای درونی متفاوتی از سایر افراد. رنگ ها را خوب می شناسد و در تخیلاتش با آن ها غرق می شود. درودیوار خانه پر است از نقاشی های فوق العاده او، اما در نگاه خانواده، این ها برایش امتیاز ویژه ای تلقی نمی شوند، چون درسش ضعیف و نمره های پایین هستند. ایشان نمی تواند کلمات را بخواند یا درست بنویسد و در پاسخ به سؤال های معلمان می گوید که کلمه ها و حرف ها در مقابلش می رقصند... مدام تنبیه می شود و گاهی تحت این فشارها از مدرسه فرار می کند.

پدر ایشان مدیر اجرایی موفق است که دوست دارد فرزنداننش نیز جزو برترین ها باشند. مادر ایشان زنی است که کارش را به خاطر بچه ها کنار گذاشته است. مدام مشغول کارهای خانه است و از اینکه در آموزش و پرورش ایشان دچار مشکل شده، نگران است. برادر ایشان پسری ده دوازده ساله است که علاوه بر موفقیت در مدرسه، ورزشکاری نمونه است و خانواده او را بارها و بارها به ایشان نشان داده و به او یادآوری کرده اند که باید مثل برادرش باشد!

ایشان در واقع نه کند ذهن است، نه بچه ای بازیگوش و لج باز و تنبل! او کودکی خاص و متفاوت است که با وجود دنیای درونی پر از شگفتی اش، دنیایی پر از رنگ و موجودات متحرک که نمی تواند آن را با دیگران به اشتراک بگذارد، در مدرسه پیشرفتی ندارد و دیر یاد می گیرد. او در تشخیص کلمه ها و حرف ها با صدای مشابه مشکل دارد و این مشکل به خاطر اختلال عصبی و اختلال در پردازش زبانی است که «دیسلکسیا» نامیده می شود.

پدر، مادر و معلمان ایشان، هیچ یک قادر به تشخیص مشکل او نیستند. همه به خاطر موفق نبودنش در تحصیل،



## والدین باید برای فرزندانشان وقت با کیفیتی صرف کنند

مدام او را سرزنش می‌کنند، تا اینکه بعد از انتقال به مدرسه شبانه‌روزی، معلم هنر موقت مدرسه، در ایشان متوجه مشکلی می‌شود و پس از تحقیق، به موضوع پی می‌برد. بنابراین، برای حل مسئله دست‌به‌کار می‌شود. او با استفاده از فن‌های متعددی که به کمک آن‌ها می‌شود درک ایشان را تقویت کرد، به او آموزش می‌دهد و موفق هم می‌شود. در مدت کوتاهی عقب‌ماندگی کودک جبران می‌شود.

مخاطبان اصلی این فیلم در وهله اول باید والدین، مربیان فعالان تربیتی و سیاست‌گذاران آموزشی باشند. هر عضوی از جامعه لازم است بداند با «ایشان»‌ها چگونه مواجه شود. بنابراین، هرکسی می‌تواند پیام مربوط به خودش را از این فیلم دریافت کند. در واقع، در این فیلم شاهد نقش‌هایی هستیم که در جامعه ایران ما هم وجود دارند و با نگاه اصلاح باید با آن‌ها مواجه شد.

### پیام‌های فیلم به والدین و مربیان

اول، والدین و مربیان جاه‌طلبی خودشان را بر شانه‌های ظریف کودکان تحمیل نکنند. این فشار و این ظلم چیزی از کار کودکان کم ندارد.

دوم، تفاوت‌های فردی بچه‌ها را به رسمیت بشناسند و آن‌ها را مورد مقایسه‌های شکننده قرار ندهد. واقعیت این است که بچه‌ها خیلی با هم متفاوت‌اند. حتی دو برادر دوقلو توانمندی‌ها و علاقه‌های متفاوتی دارند. تعریف و تمجید از یکی در برابر دیگری و بیان ضعف‌های دیگری در برابر آن یکی، ممکن است مشکلات روانی متعددی برای کودک ایجاد کند، از جمله توقف یا کند کردن رشد شخصیتی کودک ضعیف‌تر و تضعیف یا از بین بردن عزت‌نفسش. در

نهایت هم ممکن است به شکستش در زندگی منجر شود. سوم، آنچه مهم است، تلاش بچه‌هاست. این حرکت با تمام وجود به سمت هدف، ممکن است الزاماً کودک را به تمام هدف مدنظر نرساند، اما او تلاشش را کرده است. بنابراین، خود تلاش کردن را ارزشمند بدانند و ارزش آن را به رسیدن به نتیجه منوط نکنند.

چهارم، والدین باید وقت باکیفیتی برای فرزندانشان صرف کنند. این موضوع به معنای وقت زیاد صرف کردن نیست. وقتی پدر خودش را فقط مسئول کسب درآمد و حضور بیرون از خانه می‌داند و مادر را مسئول رشد و تربیت فرزندان می‌شمارد، سبب نگرش بی‌تفاوت کودک نسبت به خود می‌شود و رابطه پدرفرزندی را محدود می‌کند. این شرایط عواقب بدی در پی خواهد داشت. مادری هم که برای فرزند حضور باکیفیتی ندارد، خلایق را در او ایجاد می‌کند که به راحتی جبران‌شدنی نیست. کودک در این شرایط احساس می‌کند باری بر دوش والدینش است و عزت‌نفسش را از دست می‌دهد.

«ایشان»، کودک خاص این فیلم، رنج می‌کشد، چرا که کسی از مشککش خبر ندارد و گذشته از بی‌اطلاعی و تلاش نکردن برای یافتن مشکل او، مدام کودک را تحت فشار قرار می‌دهند تا مطابق استانداردهای آن‌ها عمل کند. و این برای کودک غیرممکن است.

صحبت درباره اختلال زبانی در این مجال نمی‌گنجد، اما می‌توانیم مواردی را که والدین، مربیان، هم‌سالان، نظام آموزشی و جامعه می‌توانند درباره کودکان دچار دیسلکسیا رعایت و پیگیری کنند، متذکر شویم:

۱. والدین باید به جای تمرکز بر ارتقای تحصیلی در این کودکان، استعدادهای پنهان آن‌ها را کشف و به کودک کمک کنند در زمینه‌هایی که توانایی دارد موفقیت‌هایش را رقم بزنند.



## زدن برچسب‌های منفی و تحقیر آمیز مثل «تنبل»، «ترسو» و «کندذهن» نابخشودنی است

که با این کودکان مراد می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که می‌توانند با حمایتگری و رفتار صحیح، احساس عزت‌نفس و شایستگی را در آن‌ها تقویت و جامعه‌پذیری را برای آن‌ها راحت‌تر کنند.

۷. نیاز است با شیوه‌های خاص و آموزش‌های ویژه، دریافت‌های این کودکان از محرک‌های محیطی تقویت

شوند. صحبت کردن، برقراری ارتباط با دیگران و علاقه‌مندی به زندگی اجتماعی نیز باید در آن‌ها تقویت شود. نکته مهم این است که آن‌ها را نباید از جمع کودکان عادی جدا کرد و آموزش عمومی را که حقیقتاً است، از آن‌ها سلب کرد.

آموزش عمومی، باکیفیت و در کنار خانواده و دوستان، درباره کودکان دچار اختلال

زبانی دیسلاکسیا اهمیت زیادی دارد. چرا که از یک سو با حضور در مدرسه عادی، علاقه‌ها، توانمندی‌ها و نیازهایشان در همه ابعاد مورد توجه قرار خواهند گرفت و از سوی دیگر، از نگاه‌های تبعیض آمیز در امان خواهند بود. تنها در یک صورت می‌توان به گزینه مدارس خاص فکر کرد؛ آن هم در صورتی که مدرسه‌های عادی، حتی با کمک خدمات تکمیلی، نتوانند عملکرد رضایتبخشی در آموزش و پرورش این کودکان داشته باشند.

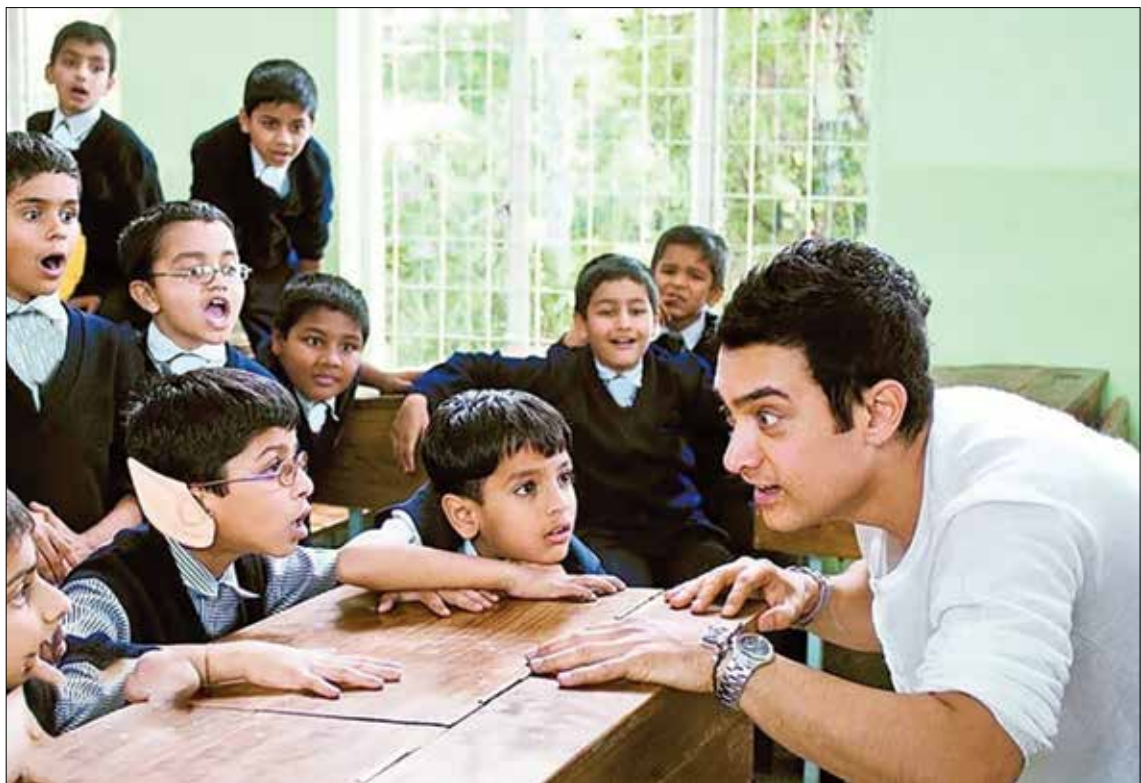
۲. اغلب این کودکان، به خاطر مشکلات زبانی‌شان، نمی‌توانند احساسات خود را به شکل مناسبی بیان و با دیگران ارتباط برقرار کنند. بنابراین، در مدرسه مربیان، و در خانه و جامعه والدین، وظیفه دارند به آن‌ها کمک کنند تا بتوانند درباره احساساتشان صحبت کنند. بزرگ‌ترها باید برای کمک به حل مشکلات کودک، به احساسات او گوش بدهند.

۳. معمولاً اضطراب، خشم، افسردگی و ترس، این کودکان را تهدید می‌کند. والدین و مربیان باید مراقب آنان باشند و تا جایی که ممکن است برای رفع مشکل کودکان تلاش کنند و به آنان یاد بدهند چطور این مشکلات را مهار کنند.

۴. این کودکان برای انجام کارهایشان روش‌های خاصی دارند و باید بسیار تلاش کنند؛ هر چند ممکن است خیلی دیر به نتیجه برسند. در اینجا، «فرایند تلاش برای رسیدن به هدف» اهمیتی فوق‌العاده دارد که فارغ از نتیجه، شایسته تشویق است.

۵. رفتارهای نامناسب و زدن برچسب‌های منفی و تحقیر آمیزی مثل «تنبل»، «ترسو» و «کندذهن» به هیچ فردی، به خصوص این کودکان، از جانب هیچ‌کسی، حتی هم‌سالان، پذیرفتنی نیست. حال اگر مربی و معلمی مرتکب آن شود، اشتباهی نابخشودنی است.

۶. برای این کودکان، گروه هم‌سالان و بچه‌های دیگری





# فضایی برای آیندگان

## جشنواره بین‌المللی فیلم رشد فرصتی برای معرفی استعدادها به سینمای ایران

سید میثم موسوی

تصویرگر

امیر حسین اخوین

دبیر جشنواره فیلم کوتاه دانش‌آموزی مدرسه



اسناد بالادستی توجه ویژه‌ای به هنر شده است و به نظر می‌رسد قابل‌دسترس‌ترین گزینه برای رسیدن به هدف‌های شرح‌داده‌شده در اسناد بالادستی، تربیت معلمان متخصص و تدوین برنامه درسی مناسب باشد.

در همین راستا، کتاب‌های هنر باید به‌روز باشند، زیرا هنر پویاست و به سرعت تحت تأثیر پیشرفت‌های جهان حرکت می‌کند. تبدیل هنر به کتابی مکتوب، از سرعت پیشرفت آن در مدرسه کم می‌کند. شیوه مطلوب آموزش هنر آن است که هنر در تمام درس‌ها جاری شود؛ یعنی معلم ریاضی هم باید قدری هنرمند باشد و هنرمندانه تدریس کند. یا همان معلم هنر، به‌جای ماندن در چارچوب سفت، خشک و قدیمی کتاب هنر، با رعایت اهداف و اصول آموزش، هنر را مطابق روز تدریس کند.

آموزش هنر باید در آموزش و پرورش به سمت هنرهای هفت‌گانه حرکت کند، اگر ما به دنبال ایجاد جریانی فرهنگی در کشور و جهان هستیم، این موضوع جز با زبان هنر امروز میسر نیست. باید در مدرسه دانش‌آموز را برای این موضوع آماده کنیم.

از طرف دیگر، این روزها بسیاری از استعدادهای هنری در مدرسه‌ها از دست می‌روند. هدایت تحصیلی دقیق و متناسب با روحیه‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد و موفقیت دانش‌آموزان است. ما در آموزش و پرورش‌شمان رویدادهای، پوشش‌ها و جشنواره‌های فرهنگی هنری گوناگونی داریم که با داعیه استعدادیابی فعالیت می‌کنند، اما به دلیل‌های متعدد، به‌درستی توانایی شناسایی و هدایت استعدادها را ندارند، زیرا ما همواره از بحران مستندسازی و بعد به‌کاربردن آن رنج می‌بریم.

همچنین، سازوکار در مدرسه‌ها به شیوه‌ای نیست که بتوان به‌درستی فرایند هدایت تحصیلی و استعدادیابی را

در مدرسه‌ها و نظام آموزش و پرورش ما، بحث آموزش و پرداخت به هنر، آن‌طور که باید، در کانون توجه نیست. این در حالی است که آموزش هنر در تاریخ جهان سابقه‌ای طولانی دارد و نقش بسزایی در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند.

مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش، شناخت استعدادهای دانش‌آموزان، شکوفاکردن آن‌ها و ایجاد مهارت کافی در بدهای گوناگون رشد است. فعالیت‌های هنری ابزار ارتباط فکر و بیان هستند. بنابراین، از طریق آن‌ها می‌توان با دیگران ارتباط مؤثر برقرار کرد و برای تربیت عقلانی، عاطفی و اجتماعی افراد آن‌ها را به‌کار برد. هنر در فرایند خلاقیت هنری شخصیت را پرورش داده است و آنچه را به زبان نمی‌آید، بیان می‌کند، زیرا وسیله بیان خویشستن و

صمیمانه‌ترین زبان احساسات محسوب می‌شود.

با کارکردهای آموزشی و پرورشی هنر، به‌راحتی می‌توان دریافت، انسان چه از روی آگاهی و چه از روی ناآگاهی، خواستار زیبایی است. کسی که در محیط کار و زندگی خود سعی می‌کند فضایی دلپذیر، منظم و آراسته ایجاد کند، معلمی که با استفاده از گچ‌های رنگی در ترسیم تصویرها و شکل (فرم)‌ها روی تخته کلاس تدریس می‌کند، مادری که با وسواس زیاد درصدد انتخاب لباسی با رنگ و شکل مناسب و دلخواه برای فرزند خویش است، همگی، چه بدانند و چه نه، به نوعی هنرمند هستند.

با وجود تمام اهمیت‌هایی که هنر دارد، این واحد کمترین ساعت‌های درسی را به خود اختصاص می‌دهد و آن ساعت‌ها هم به‌دلیل نبود معلم متخصص و محتوای مناسب، جدی گرفته نمی‌شوند. در صورتی که در



کتاب‌های هنر باید به‌روز باشند، زیرا هنر پویاست و به سرعت تحت تأثیر پیشرفت‌های جهان حرکت می‌کند





اما در حال حاضر، به واسطهٔ در دسترس نبودن یکپارچهٔ این اطلاعات برای مشاوران، نمی‌توان این رویکرد را به صورت کامل اجرایی کرد، زیرا هیچ بستر یکپارچه‌ای برای تجمیع فعالیت‌های دانش‌آموز در طول دوران تحصیل وی وجود ندارد.

بنابراین، لازم است همان‌طور که در برنامهٔ هفتم توسعه از کارنامای پرورشی یاد شده است، به منظور نیل به این هدف و ثبت تمام اطلاعات درسی و غیردرسی دانش‌آموزان، سکویی با نام سکوی یکپارچهٔ هدایت تحصیلی راه‌اندازی شود و اطلاعاتی از قبیل تمامی نمره‌های درسی، ثبت سابقه‌های حضور و عنوان‌های کسب‌شده در مسابقه‌ها، جشنواره‌ها و نظرهای ثبت‌شدهٔ کارکنان مدرسه، در طول سال‌های تحصیل در این سامانه ثبت شوند تا متناسب با آن‌ها بهترین و دقیق‌ترین انتخاب صورت گیرد.

در این میان، جشنوارهٔ رشد نقش بسزایی دارد. در همه جای دنیا برای بروز و نمایش استعدادهای گوناگون، از ابزار جشنواره و رویداد استفاده می‌شود. از آنجا که جشنوارهٔ رشد قدیمی‌ترین جشنوارهٔ فیلم ایران است، باید جایگاه شایستهٔ خود را باز یابد. این جشنواره می‌تواند فضای مناسبی برای معرفی آیندگان سینمای ایران باشد. در سال‌های اخیر، توجه ویژه به نقش مؤثر و راهبردی این جشنواره کم‌رنگ شده است و نیاز است با همت ویژه، جشنواره مجدداً به جایگاه رفیع خود باز گردد.

اجرا کرد. در صورتی که از اساسی‌ترین کارها در مدرسه باید پرداختن به دانش‌آموزان منطقه‌های محروم و محدودیت‌های آن‌ها باشد و شناسایی این ظرفیت‌ها و استعدادهای موجود در مدرسه هدف است. ما باید به دنبال آن باشیم که دانش‌آموزان از هر قشری، در صورت داشتن علاقه و استعداد، بتوانند به صورت حرفه‌ای فعالیت در عرصه‌های گوناگون را آغاز کنند.

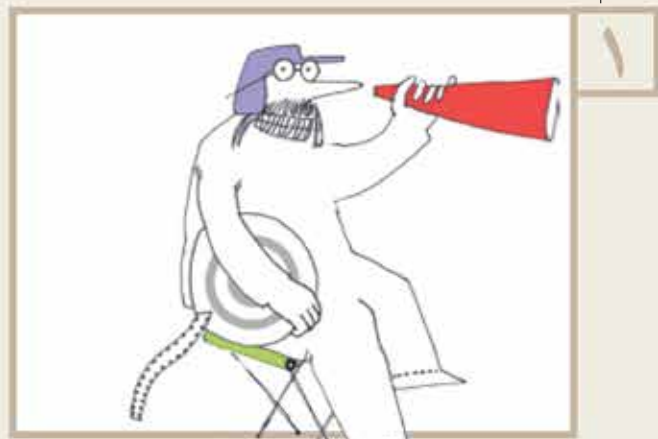
از طرف دیگر، شناخت دانش‌آموزان و توانمندی‌های آن‌ها موردی نیست که بتوان آن را فقط در دورهٔ زمانی خاصی تحلیل و ارزیابی کرد، بلکه نیاز است کل فعالیت‌های دانش‌آموزان در دوران تحصیل تحلیل شوند تا بهترین و دقیق‌ترین انتخاب ممکن صورت گیرد.

در حال حاضر، دانش‌آموزان در دوران تحصیل خود انواع فعالیت درسی و غیردرسی را در چارچوب برنامه‌های رسمی وزارت آموزش و پرورش تجربه می‌کنند؛ از برنامه‌های داخل مدرسه مانند اردوها گرفته تا انواع مسابقه‌ها که هر ساله به کمک وزارتخانه برگزار می‌شوند. ارزیابی فعالیت دانش‌آموزان در این برنامه و ثبت عملکرد آن‌ها، می‌تواند به عنوان یکی از منابع بسیار مهم در تحلیل علاقه‌ها و توانمندی‌های آن‌ها، مورد استفادهٔ مشاوران مدرسه قرار گیرد. به عبارت دیگر، با در دست داشتن اطلاعاتی از این قبیل می‌توان مشاوره‌های دقیق‌تری در روند هدایت تحصیلی به آن‌ها ارائه کرد.

# فوتوفن فیلم‌سازی

حبیب یوسفزاده  
تصویرگر: وحید امینی

بشر از همان آغاز آفرینش عقلش در چشمش بوده است. برای همین، مرد نخستین، قبل از آنکه حتی حرف‌زدن بلد باشد، نقاشی یاد گرفت تا زن نخستین را شیفته خود کند. نمی‌دانیم از کجا فهمیده بود که با کشیدن نقاشی‌های خفن از صحنه شکار، می‌تواند خودش را حسابی لوس کند و از زندگی لذت ببرد. به هر حال، این سنت دیرینه همچنان پابرجاست. هرکس بخواهد برای خودش جایی در دل‌ها باز کند، چاره‌ای غیر از فیلم‌بازی کردن ندارد. برای موفقیت در این شگرد باستانی به این نکته‌ها توجه کنید:



یادتان باشد که فیلم شما باید سود کند. بنابراین، از نمایش صحنه‌های کم‌خرجی مثل واحد مراقبت‌های ویژه (آی‌سی‌یو)، پنچری ماشین در وسط بیابان و گورستان غفلت نکنید! گاهی می‌توان فیلم را تا چهلم خدایامرز کش داد. برای ایجاد تعادل در کار می‌توانید با گنجاندن عبارت‌هایی مثل «عشقم تو را فراموش!» یا «عاشق عوضی» و سایر ترکیبات عاشقانه در عنوان فیلم، به تماشاچی‌ها رکب بزنید.

اولین گام در فیلم‌کردن دیگران این است که خودتان «فیلم» باشید و ظاهرتان را تا حد ممکن یک‌وری کنید. از قدیم گفته‌اند: «تکیه بر جای فیلم‌سازان نتوان زد به گزاف!»

برای اینکه فیلمی بوی «فرش قرمز» بدهد، باید به جشنواره‌های خارجی چشمک بزند. مواد لازم برای این کار، یک عده کودک نیمه‌برهنه، تعدادی کارگر آفتاب‌سوخته، گروهی زن بی‌سرپرست و مقدار زیادی فقر و بدبختی است. هر چه غلظت فقر و بدبختی فیلم بیشتر باشد، احتمال انگشت‌نمایشدن در جشنواره‌های خارجی بیشتر خواهد بود.





برای آرایه‌بندی (دکور) صحنه، از موزه‌ها، مکان‌های باستانی و تاریخی استفاده کنید. سعی کنید برای طبیعی جلوه‌دادن صحنه‌های فیلم، به تخریب آثار باستانی دست نزنید. این خرابه‌ها باید به یک دردی بخورند!



۶

برای چهره‌پردازی (گریم) و طراحی لباس، پوستان را دور نریزید. می‌توانید از لباس‌های کهنه اقوام و خوشبختان، جعبه مداد رنگی بچه‌ها و گچ رنگ (پاستل گچی) استفاده کنید. زیبایی باید در نگاه تو باشد، نه در گریمی که به آن می‌نگری!



بازیگر مناسب انتخاب کنید. براساس نوع فیلم و انتظار شما از فیلم، نوع بازیگر متفاوت خواهد بود. اگر می‌خواهید فیلمتان در داخل، فروش بالایی داشته باشد، از بازیگران مومشنگ و صداقت‌نگ استفاده کنید. اگر می‌خواهید شاهکار تان در جشنواره‌های خارجی دیده شود، به کشف استعدادهای طبیعی و بادآورده در حوالی خط فقر ادامه دهید. قحطی که نیست، بالاخره چند تا فقیر پیدا می‌شود!



بعد از پخش فیلمتان، با خانواده به سینما نروید و تا چند روز هم در محل آفتابی نشوید. چون امکان دارد پیش سر و همسر بی‌آبرو شوید!



شایعه‌سازی بخش زیادی از هزینه‌ها را می‌بلعد، ولی ارزش دارد. قبل از پخش فیلمتان، جنجال راه بیندازید. در رسانه‌ها اعلام کنید شما از اونا نش نیستید و فیلمتان به صورت قاچاقی تکثیر و وارد بازار شده است و به جرم سرقت فرهنگی، از وزیر تا عابران پیاده، شکایت کنید.



# علم، هنر، کاربرد

## سنگ‌های محک جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

وحید گلستان



فیلم‌ساز و دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی

جریان روایت، ارزش‌ها و شیوه‌های بیان آموزشی، نوآوری دیدگاه‌ها و کیفیت بصری در این ارزیابی‌ها دخیل هستند. داوری در جشنواره‌ای مانند «رشد» که تمرکز خود را بر توسعهٔ تعلیم و تربیت با فیلم معطوف داشته است، به شدت تحت تأثیر ارزش‌های پرورشی و همراه با توانایی‌های بصری اثر در ارتقای معرفت و اندیشه قرار دارد. شاید برای شما به‌عنوان مخاطب یا فیلم‌ساز، سؤال باشد که داوری فیلم‌های آموزشی در جشنوارهٔ فیلم رشد بر اساس چه مؤلفه‌هایی است.

### جشنوارهٔ فیلم رشد جشنواره‌ای موضوعی نیست

خطای شناختی در خصوص جشنوارهٔ فیلم رشد آن است که برخی می‌پندارند این جشنواره موضوعی است، حال آنکه جشنوارهٔ رشد در زمرهٔ جشنواره‌های «کاربردی» یا «تخصصی» قرار می‌گیرد. همهٔ موضوعاتی که به ذهن فیلم‌سازان متبادر می‌شوند، از موضوعات اجتماعی گرفته تا تاریخ، درک بوم و جغرافیا، فرهنگ و سبک زندگی و همهٔ شئون زندگی انسان، تا هر آنچه در علم است و حتی هنوز نیست و در حیطه‌های تاریک درک انسان قرار دارد، به لحاظ ماهیت موضوع می‌تواند موضوعی برای آموزش قلمداد شود و فرصت کافی برای کنجکاو و کشف ایجاد می‌کند. بنابراین، موضوعات نیستند که فیلم‌ها را آموزشی می‌کند.

در جهانی که هر لحظه تصویرهایی از فرهنگ‌ها و داستان‌های متفاوت پیرامونمان انباشته می‌شوند، فیلم‌ها به پنجره‌ای مبدل شده‌اند رو به نوآوری و خلاقیت، محفلی برای به اشتراک‌گذاری تجربه‌ها و امیدها، و به‌چالش کشیدن مرزهای اندیشهٔ بشری. از آنجایی که تجربه را بهترین موضوع برای یادگیری می‌دانیم، هر روز امکان توسعهٔ یادگیری با رسانهٔ فیلم از قبل بیشتر و در دسترس‌تر شده است.

جشنوارهٔ فیلم رشد نه تنها امکان کشف و نیز گفت‌وگو به‌ویژه چنین آثاری را ایجاد می‌کند، که خود نیز به دلیل نمایش‌های مکرر در کشور، به‌ویژه برای دانش‌آموزان، فرصت یادگیری‌ای همراه با ذوق‌ورزی تلقی می‌شود. آن چنان که پیکرهٔ مجسمه در نگاه تماشاگر زنده می‌شود، فیلم نیز وقتی زیر ذره‌بین داوران و منتقدان قرار می‌گیرد، استعدادهای نهفته و دقایق ناب آن از میان موج‌های زمان، چون گوهری در اقیانوس، جلوه‌گر می‌شوند. داوری در جشنوارهٔ فیلم رشد، نه تنها فرایندی تخصصی، علمی، هنری و فنی است، بلکه عاطفی نیز است؛ جایی که هیجان و منطق در لحظاتی نامحسوس با یکدیگر آمیخته می‌شوند و سرنوشت اثر را رقم می‌زنند. بنابراین، معیارها یا شاخص‌های داوری این جشنواره از اهمیت بسزایی برخوردارند، زیرا عدالت در هنر، همچون هر زمینهٔ دیگر، نیازمند متر و معیار است. مؤلفه‌های متعددی چون

حتی یک خطای شناختی دیگر هم مشاهده می‌شود؛ آنجا که برخی به دلیل محل رخداد قصه (لوکیشن) در کلاس درس یا مدرسه، فیلم خود را آموزشی می‌دانند. در بهترین حالت چنین فیلمی دربارهٔ مسائل آموزشی است، نه یک «فیلم آموزشی» با طراحی آموزشی.

صرف اینکه موضوع دربارهٔ انم در شیمی یا بخشی از تاریخ هخامنشیان یا عواقب دروغ‌گویی یا مبحثی فلسفی باشد، در آموزشی بودن یا نبودن فیلم محدودیتی ایجاد نمی‌کند. پس تمام موضوعات انسانی، علمی، اخلاقی و فرهنگی می‌توانند بالقوه موضوعی مناسب برای فیلم آموزشی قلمداد شوند.

- جنبه‌های هنری فنی؛
  - جنبه‌های طراحی علمی؛
  - جنبه‌های کاربردی.
- با فرض داشتن کیفیت مورد تأیید داوران، فیلم‌ها در این رده‌های گروه‌های مخاطب تقسیم‌بندی می‌شوند:
- پیش‌دبستانی و سه سال اول ابتدایی؛
  - سه سال دوم ابتدایی؛
  - دورهٔ اول متوسطه (پایه‌های ۷، ۸ و ۹)؛
  - دورهٔ دوم متوسطه (پایه‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۲)؛
  - متخصصان (استادان، دانشجویان و متخصصان رشته‌ای خاص)؛
  - اولیا و خانواده.

علاوه بر این، نوع داستانی، پویانمایی یا مستندبودن فیلم، یا ساختار و فیلم کوتاه و فیلم بلند بودن هم مؤلفه‌های اصلی آموزشی بودن یا نبودن فیلم نیستند، بلکه برخورداری از طراحی آموزشی است که فیلم را به فیلم آموزشی مبدل می‌کند. در طراحی آموزشی مؤلفه‌های بسیاری مد نظرند، از جمله: تناسب سن مخاطب با شکل (فرم) و بیان فیلم و سایر مؤلفه‌های رشدی.

### معیارهای اصلی داوری رشد

با توجه به آنچه گفته شد، سه حیطة تخصصی هم‌زمان، حوزهٔ بررسی فیلم‌های آموزشی را در بر می‌گیرند، شامل:

### برگهٔ داوری جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم آموزشی رشد

Roshd International Educational Film Festival jury's form

ردیف	معیارهای داوری criteria	امتیاز point	سنجها items
۱	جنبه‌های هنری - فنی Cinematographic technical aspects	۳۵	رعایت اصول زیباشناسی فیلم Considering film aesthetic aspects رعایت معیارهای فنی فیلم Considering technical aspects خلاقیت و نوآوری شکلی (فرمی) Taking benefit of formal innovativeness رعایت اصول طراحی پیام (پیوستگی، سادگی) Considering the principles of concept design (being both cohesive and eloquent)
۲	جنبه‌های طراحی علمی Scientific design aspects	۳۵	پژوهش‌بنیادبودن Being research-based تعیین اهداف آموزشی Setting educational goals تناسب با ویژگی‌های گروه مخاطب Considering audience features and needs جذاب و به‌روزبودن موضوع Being attractive and novel in theme and subject
۳	جنبه‌های کاربردی Pedagogical aspects	۳۰	قابلیت کاربرد در فرایند آموزش Having the potentiality of being used in teaching/training process حفظ تمرکز بر موضوع (مستقیم یا غیرمستقیم) Focusing on subject (directly and indirectly)
۴	مجموع امتیازها	۱۰۰	

- رعایت اصل تداوم و تمرکز بر موضوع اصلی؛
- پیش‌بینی شیوه‌های مناسب برای افزایش علاقه و انگیزش فراگیرندگان به کنجکاوی، تفکر و تحقیق در موضوع فیلم؛
- روزآمد بودن کیفیت فنی تصویر و صدا.

### ویژگی‌های تخصصی پیشنهادی

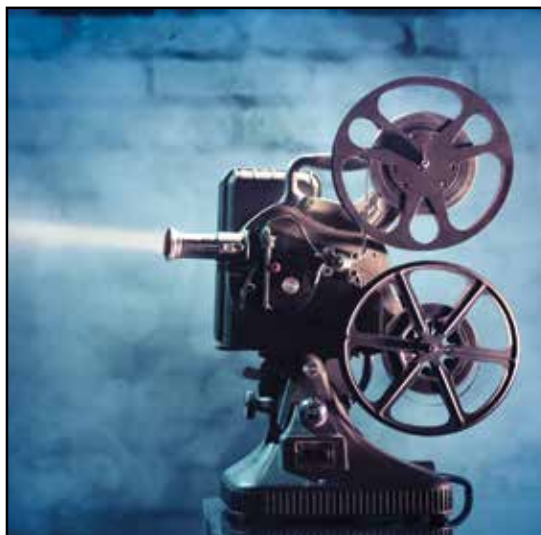
#### برای دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم ابتدایی

- خلق شخصیت‌های جذاب، خلاق و عمل‌گرا؛
- اولویت استفاده از بیان تخیلی (فانتزی) در دوره اول و توجه نسبی به بیان واقع‌گرا در دوره دوم؛
- تأکید بیشتر بر زبان تصویر به‌ویژه برای دوره اول؛
- تکرار مفاهیم مهم در چند شکل صحنه‌بندی (میزانسنی) و متنوع (اصل تکرار)؛
- تمرکز بر موضوعی مرکزی و پرهیز از تراکم اطلاعات، به‌ویژه برای دوره اول؛
- اولویت استفاده از روایت خطی؛
- استفاده بیشتر از نماهای بسته، تأکید و تمرکز بر موضوع در صحنه‌بندی (میزانسنی) و نمابندی (دکوپاژ) (به‌ویژه برای دوره اول)؛
- اولویت استفاده از جمله‌های کوتاه و واژگان متناسب، به‌ویژه برای دوره اول؛
- اولویت استفاده از گفتار متن یا نریشن (در صورت ضرورت تسهیل ارتباط)؛
- استفاده کمتر از نوشتار (زیرنویس و میان‌نویس) در دوره اول ابتدایی؛
- استفاده از ترکیب‌های رنگی ساده، نشاط‌آور و متنوع.

### ویژگی‌های تخصصی پیشنهادی

#### برای دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه اول و دوم

- علاوه بر پیشنهادهایی که در دوره ابتدایی به آن‌ها اشاره شد و برای این گروه مخاطبان هم می‌توانند مدنظر باشند.
- اولویت استفاده از بیان واقع‌گرا و توجه به مفاهیم کاربردی و تجربه‌های زیسته در فراگیرندگان؛
- برانگیختن حس کنجکاوی و افزایش انگیزه تحقیق و پژوهش نسبت به موضوع در فراگیرندگان؛
- استفاده از برگه‌ها، فن‌ها، ترکیب‌بندی‌ها و زاویه‌های پیچیده؛
- تمرکز بر موضوع مرکزی با توجه به موضوعات فرعی برای گستردن و توسعه مفاهیم؛
- طراحی چکیده و جمع‌بندی در ابتدا و انتهای فیلم‌های آموزشی مستقیم؛
- اولویت کاربرد نوشتار و گفتار متن.



### توجه ویژه به مخاطب

از جمله ویژگی‌های مهم طراحی آموزشی، توجه به مخاطب است. در جشنواره فیلم رشد نیز این مهم مدنظر است. بنابراین، چند پیشنهاد تخصصی برای دو گروه مخاطب اصلی جشنواره که دانش‌آموزان دوره ابتدایی و متوسطه هستند، بدین شرح است:

#### برخی از ویژگی‌های عمومی فیلم آموزشی

##### الف) ویژگی‌های طراحی آموزشی

- برخوردار بودن محتوا از اعتبار و صحت علمی روزآمد؛
- تناسب محتوا با ویژگی‌های شناختی و سواد بصری و رسانه‌ای گروه سنی مخاطب؛
- هماهنگی و تناسب قالب انتخاب‌شده و زمان فیلم با محتوای علمی؛
- رعایت مبانی و اصول طبقه‌بندی اهداف آموزشی و حیطه‌های یاددهی‌یادگیری؛
- برخوردار بودن از زبان قابل‌درک مخاطبان (از حیث واژگان پایه و جمله‌های مناسب)؛
- استفاده از رویکردها، راهبردها و روش‌های روزآمد و متنوع یاددهی‌یادگیری؛
- توسعه زمینه فعال‌سازی و درگیرشدن مخاطب با محتوای فیلم.

##### ب) ویژگی‌های فنی هنری

- رعایت مبانی و اصول علم سینما در ارتباط با فیلم‌نامه، کارگردانی، طراحی‌ها و امور فنی؛
- تبدیل خلاقانه مفاهیم ذهنی پیچیده به محتوای عینی و ساده؛

## فهرست سنج‌های جزئی داوری فیلم آموزشی در جنبه‌های فنی هنری

			جنبه‌های فنی هنری
۱		فیلم‌نامه مفاهیم را به‌صورت خلاقانه به محتوای عینی تبدیل کرده است.	
	۱.۱	فیلم‌نامه از تبدیل کلیشه‌ای و ترجمه‌ای مفاهیم انتزاعی به عینی پرهیز کرده است.	
		اهداف آموزشی و تربیتی در فیلم‌نامه، به‌صورت طبقه‌بندی‌شده رعایت شده‌اند.	
	۱.۲	در فیلم‌نامه منطق موضوعی رعایت شده است.	
	۲	۲.۲ در فیلم‌نامه به طبقه‌بندی عنصرهای یادگیری توجه شده است.	
	۳.۲	فیلم‌نامه به طبقه‌بندی شایستگی‌های پایه توجه شده است.	
	۴.۲	فیلم‌نامه به حیطه‌های یادگیری (شناختی، عاطفی و...) توجه شده است.	
		اصول و فرایند یادگیری و روان‌شناسی تربیتی با بهره‌گیری از الگوهای طراحی آموزشی با رویکرد تلفیقی در گسترش مفاهیم و ایده‌ها در فیلم‌نامه رعایت شده است.	
	۳	۱.۳ فیلم‌نامه در گسترش مفاهیم و ایده‌ها، اصول و فرایند یادگیری را رعایت کرده است.	
	۲.۳	فیلم‌نامه در گسترش مفاهیم و ایده‌ها، اصول روان‌شناسی تربیتی را رعایت کرده است.	
	۳.۳	فیلم‌نامه در گسترش مفاهیم و ایده‌ها، از الگوهای مطرح طراحی آموزشی استفاده کرده است.	
	۴.۳	فیلم‌نامه برای گسترش مفاهیم و ایده‌ها، به رویکرد تلفیقی توجه کرده است.	
		اصول طراحی پیام با جذابیت مناسب برای مخاطب در پرداخت فیلم‌نامه رعایت شده است.	
	۴	۱.۴ اصل پیوستگی طراحی پیام با جذابیت مناسب در پرداخت فیلم‌نامه رعایت شده است.	
	۲.۴	اصل تأکید طراحی پیام با جذابیت مناسب در پرداخت فیلم‌نامه رعایت شده است.	
	۳.۴	اصل توازن طراحی پیام با جذابیت مناسب در پرداخت فیلم‌نامه رعایت شده است.	
	۴.۴	اصل سادگی طراحی پیام با جذابیت مناسب در پرداخت فیلم‌نامه رعایت شده است.	
		زمان فیلم با موضوع، رشد و سن مخاطبان متناسب است.	
	۵	۱.۵ زمان فیلم با موضوع متناسب است.	
	۲.۵	زمان فیلم با سن مخاطب متناسب است.	
	۳.۵	زمان فیلم با رشد (عقلی، ایمانی، اخلاقی، علمی و عملی) مخاطب متناسب است.	
		فیلم‌نامه یک کل نظام‌دار علمی و هنری را ارائه داده است.	
	۶	۱.۶ فیلم‌نامه پیوستگی علمی - هنری دارد.	
	۲.۶	فیلم‌نامه هماهنگی علمی - هنری دارد.	
		۷. اصول و معیارهای علم سینما در ارتباط با فیلم‌نامه، کارگردانی، طراحی و امور فنی تولید، رعایت شده‌اند.	
	۱.۷ کارگردانی	۱.۱.۷ تفسیر و تحلیل فیلم‌نامه به‌خوبی صورت گرفته است.	
		۲.۱.۷ انتخاب بازیگر/گوینده مناسب است.	
		۳.۱.۷ مکان‌های (لوکیشن‌های) مناسب انتخاب شده‌اند.	
		۴.۱.۷ اجرای فیلم‌نامه به‌درستی و خلاقانه صورت گرفته است.	
		۵.۱.۷ ارتباط بین همهٔ عنصرهای فیلم‌نامه (صدا، لباس، دکور و...) به‌خوبی برقرار شده است.	
		۶.۱.۷ فیلم یک کل منسجم و معنادار و خلاقانه دارد.	
	۲.۷ نور	۱.۲.۷ نور به‌درستی در خدمت نمایش (درام) به‌کاررفته است.	
		۲.۲.۷ حرکت‌های دوربین در خدمت نمایش (درام) هستند.	
		۳.۲.۷ عدسی پالایه (فیلتر) و سایر امکانات به‌خوبی به‌کاررفته‌اند.	
		۴.۲.۷ کیفیت فنی تصویر به‌روز است.	

۳.۷	تدوین	۱.۳.۷. تدوین در خدمت شکل‌گیری روند نمایش (درام) است. ۲.۳.۷. تدوین در ایجاد ریتم مناسب مؤثر است. ۳.۳.۷. تدوین در تفهیم و تقویت معنا مؤثر است.
۴.۷	طراحی	۱.۴.۷. طراحی لباس در خدمت نمایش (درام) است. ۲.۴.۷. طراحی گریم در خدمت نمایش (درام) است. ۳.۴.۷. طراحی صحنه در خدمت نمایش (درام) است.
۵.۷	صدا	۱.۵.۷. استاندارد سطح (level) و وضوح صدا رعایت شده است. ۲.۵.۷. تناسب فنی صدای گفتار و موسیقی با صدای زمینه رعایت شده است. ۳.۵.۷. تناسب زیبایی‌شناختی موسیقی و صدای زمینه با متن رعایت شده است.
۶.۷	پویانمایی	۱.۶.۷. فن تولید پویانمایی با موضوع متناسب است. ۲.۶.۷. طراحی عوامل (کاراکتر) متناسب با موضوع است.
۷.۷	موسیقی	۱.۷.۷. موسیقی متن در خدمت تسهیل ارتباط و فضا سازی است. ۲.۷.۷. موسیقی متن متناسب با موضوع است. ۳.۷.۷. موسیقی متن متناسب با مخاطب است.
۸.۷	گرافیک	۱.۸.۷. ترکیب‌بندی فیلم (هندسه‌ی طلایی، غیر طلایی، تضاد و کنتراست و...) مناسب است. ۲.۸.۷. استفاده از تصویر و گرافیک مورد نظر به هدف‌های یادگیری کمک می‌کند. ۳.۸.۷. میان‌نویس و زیرنویس در خدمت تأکید بر مفاهیم هستند.
۸	کارگردانی و صحنه‌بندی (طراحی میزانسن‌ها) با پرداخت محتوای عینی در خدمت تسهیل، تعمیق و گستردن مفاهیم است.	۱.۸. کارگردانی و صحنه‌بندی (طراحی میزانسن‌ها) با پرداخت محتوای عینی در خدمت تسهیل مفاهیم متناسب با مخاطب است. ۲.۸. کارگردانی و صحنه‌بندی (طراحی میزانسن‌ها) با پرداخت محتوای عینی در خدمت تعمیق مفاهیم متناسب با مخاطب است. ۳.۸. کارگردانی و صحنه‌بندی (طراحی میزانسن‌ها) با پرداخت محتوای عینی در خدمت گستردن مفاهیم متناسب با مخاطب است.
۹	فیلم با رشد سواد فرهنگی و هنری مخاطبان، بر رعایت و ترویج ارزش‌های اخلاقی فرهنگی توجه دارد.	

جنبه‌های فنی هنری

شغل، که قابلیت‌های جدید است؛ ظرف‌گستری است و اشتیاق در رشد خود، رشد دانش‌آموزان و رشد آموزش را در پی دارد. معلم و دانش‌آموز با فیلم‌سازی مرزهای فرایند یاددهی‌یادگیری شوق‌انگیز را به‌درستی می‌گسترانند و پنجره‌های جدید به کلاس اضافه می‌کنند؛ پنجره‌های نورانی برای فهم دانش همراه با لذت. امروزه با سهولت دسترسی به ابزار و نیاز بیشتر به گستردن محیط یادگیری و با یاری گرفتن از ویدئو، این بخش ملی که از سالیان گذشته مورد توجه جشنواره فیلم رشد بوده، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است.

جشنواره رشد در این بخش در پی توسعه فرایند یاددهی‌یادگیری به مدد فیلم است و البته که کشف و حمایت از استعدادهاى دانش‌آموزی و معلمان هنرمند هم همیشه ارزش خود را دارد.

**تقسیم‌بندی فیلم‌ها بر اساس نوع فیلمی**  
معمولاً در جشنواره فیلم رشد، در بخش بین‌الملل، فیلم‌ها بر اساس نوع فیلمی تقسیم‌بندی شده‌اند؛ بنابراین انتخاب و داوری در وهله اول بر اساس نوع فیلمی است، اما همچنان اولویت محتوایی و طراحی آموزشی در همه بخش‌ها حفظ می‌شوند:

- داستانی بلند؛
- داستانی کوتاه؛
- مستند بلند؛
- مستند کوتاه؛
- پویانمایی.

**بخش معلمان و دانش‌آموزان فیلم‌ساز**  
فیلم‌سازی برای معلمان و دانش‌آموزان، نه یک مهارت یا



## فهرست سنج‌های جزئی داوری فیلم آموزشی در جنبه‌های طراحی آموزشی

۱	اهداف فیلم بر اهداف حوزه‌های تربیت و یادگیری مبتنی است.
	اهداف کلی فیلم مشخص و با هدف حوزه تربیت و یادگیری هماهنگ است.
	اهداف جزئی فیلم مشخص و با اهداف تفصیلی حوزه‌های تربیت و یادگیری هماهنگ است.
	اهداف فیلم با اهداف خاص حوزه یادگیری هماهنگ است.
	اهداف فیلم، اهداف سایر حوزه‌های تربیت و یادگیری را در نظر دارد.
۲	محتوا به اصول طراحی پیام توجه دارد.
	محتوا به اصل پیوستگی در طراحی پیام توجه دارد.
	محتوا به اصل تأکید در طراحی پیام توجه دارد.
	محتوا به اصل توازن در طراحی پیام توجه دارد.
	محتوا به اصل سادگی در طراحی پیام توجه دارد.
۳	فیلم با ایجاد موقعیت تربیت و یادگیری متنوع و غنی، بر علاقه مخاطبان به موضوع می‌افزاید.
	فیلم به عرصه‌های چهارگانه (خدا، خود، خلق و خلقت) توجه کرده است.
	فیلم از موقعیت‌های (طبیعی، مصنوعی و تخیلی) برخوردار است.
	فیلم از سطح‌های معنادار پدیده‌ها، از مشاهده تا انتزاع، برخوردار است.
۴	محتوای فیلم با تأکید بر شایستگی‌های پایه، درک مخاطبان را از مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی حوزه تربیت و یادگیری تقویت می‌کند.
	محتوای فیلم مخاطب را به تفکر و تعقل وا می‌دارد.
	محتوای فیلم ارزش اخلاقی را ترویج می‌کند.
	محتوای فیلم به ارتقای علمی مخاطبان کمک می‌کند.
	محتوای فیلم انگیزه مخاطب را برای کار و تلاش تقویت می‌کند.
۵	محتوای فیلم زمینه تعامل با مخاطب را در فرایند یادگیری توسعه می‌دهد.
	محتوای فیلم زمینه درگیری مخاطب با موضوع را در فرایند یادگیری توسعه می‌دهد.
	محتوای فیلم زمینه درگیرسازی ذهنی مخاطب را در فرایند یادگیری توسعه می‌دهد.
۶	قالب انتخاب‌شده برای فیلم، با محتوای علمی و سن مخاطبان هماهنگی و تناسب دارد.
	قالب انتخاب‌شده برای فیلم با محتوای علمی هماهنگی و تناسب دارد.
	قالب انتخاب‌شده برای فیلم با سن مخاطبان هماهنگی و تناسب دارد.
۷	محتوای فیلم به تفاوت‌های (اجتماعی، فرهنگی و بومی) مخاطبان توجه دارد.
۸	در طراحی آموزشی از راهبردهای شوق‌انگیز و متنوع یاددهی یادگیری استفاده شده است.
	در طراحی آموزشی فیلم از راهبردهای یاددهی یادگیری متناسب با نیازها و علاقه‌های مخاطبان استفاده شده است.
	در طراحی فیلم از راهبردهای متنوع (یاددهی یادگیری مثل استقرایی، سقراطی و اکتشافی) استفاده شده است.
	طراحی آموزشی فیلم باعث ایجاد و افزایش تجربه‌های یادگیری مخاطب می‌شود.

جنبه‌های طراحی آموزشی



# به دنبال تصویر کانونی معلم

## نقش رسانه در تبیین جایگاه معلم به عنوان پیشران جامعه

محمد آرزین مدیرعامل بنیاد برهان و رئیس شورای سیاست‌گذاری جایزه معلم است. با توجه به دغدغه‌ها و نوع فعالیت‌های ایشان درباره جایگاه حقیقی و منزلت اجتماعی معلم در جامعه و نقش رسانه در بازتاب آن، با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.

گفت‌وگوکننده: محمدطاهر جبرئیلی آذر



عمل به آن نقطه انتهایی‌اش که دانش‌آموز و مربی است، می‌رسد و اثرش آنجا توسط مربی است که محقق می‌شود. از طرف دیگر، اگر در این زیست‌بوم بزرگ اجتماعی به وضع عناصر تعلیم و تربیت نگاه کنیم، می‌بینیم که معلم نقطه تماس نظام تعلیم و تربیت با جامعه است. بدین معنا که جامعه به‌طور مستقیم با وزیر، برنامه درسی، ضمن خدمت، نیروی انسانی یا بسیاری از مسائل اداری آموزش و پرورش ارتباط چندانی ندارد. اما چکیده این نظام آموزشی در آن نقطه اثر، کلاس درس و در مواجهه با شاگردان، توسط معلم ارائه می‌شود. از سوی دیگر نیز ماحصل جامعه، یعنی تلاش‌های والدین، خانواده‌ها، کسب‌وکارها و تمامی این‌ها جمع شده و شده است این دانش‌آموز، کودک و نوجوانی که در واقع چکیده جامعه است و قرار است آینده‌ساز این جامعه باشد. نقطه تلاقی نظام تعلیم و تربیت رسمی ما و جامعه، در ارتباط معلم و شاگرد خلاصه می‌شود. یعنی آن واکنش‌ها و تغییرات رشدی‌ای که در یک انسان رقم می‌خورد، در آن نقطه تماس دارد اتفاق می‌افتد. با این تفسیر و توصیفی که بنده عرض کردم، اهمیت معلم شاید بیش از پیش روشن شود. درست است که دست‌اندرکاران متعددی در نظام تعلیم و تربیت مشغول فعالیت‌اند و بسیاری از اتفاقات در جامعه در حال رخ دادن هستند تا ما

### از دیدگاه شما معلم در میان سایر ارکان تعلیم و تربیت چه جایگاهی دارد؟

نظام تعلیم و تربیت نظامی پیچیده و دارای عناصر متعدد است. به گونه‌ای که عناصر روی یکدیگر تأثیر و تأثرات متفاوتی می‌گذارند. تحلیل چنین نظامی و طراحی اقدام برای چنین نظام پیچیده‌ای کار ساده‌ای نیست. شاید بیش از صد نقش در نظام تعلیم و تربیت تعریف شود که به شکلی اثرگذاری مشخصی روی رشد کودکان، نوجوانان و جوانان ما دارند. پرداختن به همه این نقش‌ها به‌طور هم‌زمان، اشراف بر همه این‌ها به‌شکل هم‌زمان و تصمیم‌گیری متناسب با هر وضعیت، و دانستن اینکه در این زیست‌بوم چه اتفاقی باید رخ دهد، کار بسیار سختی است. اما وقتی می‌خواهیم

این پیچیدگی را ساده کنیم و به عناصر اصلی آن پی ببریم، باید شبکه‌های علت و معلولی را بشناسیم تا به آن علت‌العلل اصلی و پایه برسیم. به نظر می‌آید، آن نقش کلیدی و محوری در این زیست‌بوم، نقش معلم و مربی است. آن کسی که به‌طور مستقیم دارد امر تعلیم و تربیت را با شاگردان پیش می‌برد و به بیان دیگر، ماحصل تلاش بسیاری دیگر از این عناصر، معلم است. اوست که در میدان

معلم علاوه بر نقش تدریس و مربی‌گری‌اش، نقشی اجتماعی به‌عنوان پیشران جامعه هم دارد

به آن دانش آموز، کودک و آن نوجوان برسیم، اما در نهایت چکیده این‌ها در تماس بین مربی و شاگرد اتفاق می‌افتد. لذا اهمیت مربی‌گری و اهمیت معلم‌بودن اهمیتی بی‌بدیل است که شاید هیچ نقش دیگری در نظام اجتماعی چنین نباشد.

### علاوه بر نقش آفرینی در زیست‌بوم تعلیم و تربیت، معلم بین عموم مردم جامعه چه جایگاهی باید داشته باشد؟

معلم علاوه بر نقش تدریس و مربی‌گری‌اش، نقشی اجتماعی هم به‌عنوان پیش‌ران جامعه دارد. هم شاگردان را تربیت می‌کند و هم در تعامل با خانواده‌ها زمینه زیست بهتر را ایجاد می‌کند. همچنین، در تعامل محلی با عوامل اثرگذار جامعه اطراف خود به رشد و ارتقای آن‌ها کمک می‌کند. این‌ها لایه‌هایی هستند که می‌توان برای معلم، از نقش تدریس و مربی‌گری تا اثرگذاری اجتماعی متصور شد؛ با جامعه آماری یک تا یک و نیم میلیون نفر معلمان رسمی و غیررسمی و مربیانی که تعداد قابل‌توجهی در جامعه هستند و از عناصر ارزشمندی هستند که امکان اثرگذاری بالقوه رشدی بر افراد جامعه را در گستره جغرافیای کشورمان دارند. بنابراین، معلم پیش‌ران جامعه و طلایه‌دار

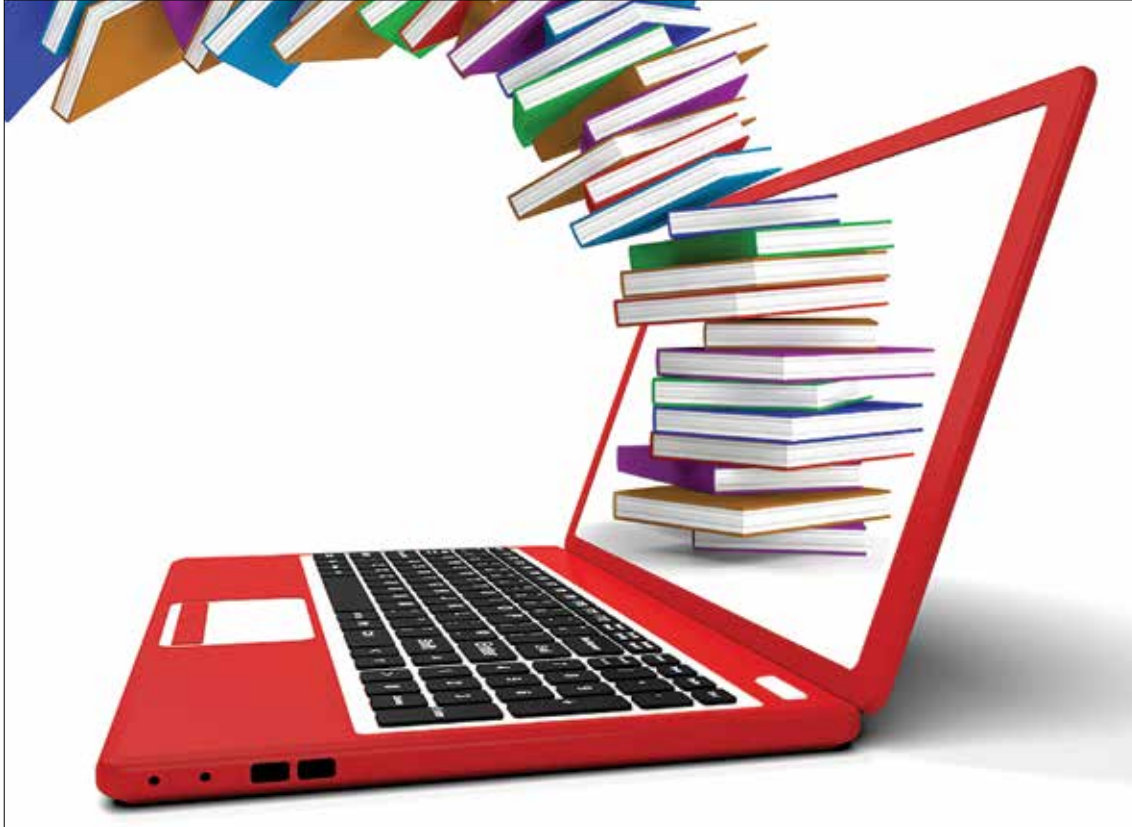
آینده ایران است. از این نظر، هم مدیران حاکمیتی و هم مردم، باید جایگاه و قدر و منزلت معلم را درک کنند، به آن بها بدهند، معلم را تکریم کنند و در واقع کاری کنند که دانش‌آموزان مستعد ما آرزوی شغل معلمی را برای آینده‌شان داشته باشند. و این کاری است که هم مردم و هم حاکمیت و دولت باید به سمت آن گام بردارند.

### رسانه‌ها در بازنمایی جایگاه معلم چه نقشی دارند؟

خب، وقتی از نقش اجتماعی حرف می‌زنیم، وقتی از لزوم توجه به این نقش مهم معلمی صحبت می‌کنیم، وقتی از عموم مردم حرف می‌زنیم، شاید مهم‌ترین بستر فعلی که ما برای پرداختن به این نقش در اختیار داریم و برای بال و پر دادن به جایگاه معلم، رسانه‌ها هستند؛ چه رسانه‌های جدید و چه رسانه‌های سنتی‌تر که هنوز فعال و اثرگذارند. از تلویزیون گرفته تا خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها، تا سینما و نمایش، رمان و همه آن ابزارهای رسانه‌ای و قالب‌های رسانه‌ای که مردم مخاطب آن‌ها هستند، می‌توانند پای کار معلم قرار بگیرند. وقتی به‌طور خاص راجع به یک اتفاق انسانی صحبت می‌کنیم و می‌خواهیم تصویری درست و واقعی از معلم ترسیم کنیم، رسانه‌های تصویری می‌توانند ما را سریع‌تر و در مقیاس اجتماعی بزرگ‌تری به این هدف نزدیک کنند. برنامه‌های تلویزیونی، فیلم، مجموعه‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، در بسترهای متنوعی چون تلویزیون، سینما و شبکه‌های نمایش خانگی، و به‌طور کلی بسترهای ویدئویی، به دلیل جذابیت‌هایی که بستر رسانه تصویری ایجاد می‌کند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند و ویژگی‌های معلم جذاب را، کنش‌های معلم جذاب در جامعه را، الگوها و قله‌های معلمی را نشان دهند. علاوه بر این‌ها، زیست طبیعی معلم در جامعه و اینکه چطور این زیست طبیعی می‌تواند اثر تعالی‌بخشی روی جامعه اطراف معلم داشته باشد را به تصویر بکشند.

شما مشاهده می‌کنید که در بعضی از مجموعه‌های تلویزیونی خارجی، حتی مجموعه‌های تلویزیونی قدیمی که پنجاه سال است از تلویزیون بازپخش می‌شوند، شخصیت یک معلم معمولی در آن سریال چقدر جذاب و دوست‌داشتنی است. ما متأسفانه در تولیدات رسانه‌ای خود کمتر به نقش معلم پرداخته‌ایم. در بیشتر آثار یا معلم نیست یا نقشی خنثا دارد. اگر این رویه اصلاح شود، با کمک کارگردان‌ها و فیلم‌سازها و تهیه‌کنندگان و سفارش‌دهنده‌های این حوزه، حتماً ما در آینده جامعه‌ای خواهیم داشت که بیشتر قدر دان معلم خواهد بود. از طرف دیگر، معلمانی خواهیم داشت که عزت‌نفس بالاتر و انگیزه بالاتری در پرورش خواهند





داشت و نوجوانانی از نسل‌های آینده که مشتاق‌ترند برای اینکه معلم شوند.

### وظیفه آموزش و پرورش نسبت به ارتقای جایگاه معلم در رسانه‌ها چیست؟

یکی از ارکان مهمی که می‌تواند نقش مثبت یا منفی در این راستا ایفا کند، خود نظام تعلیم و تربیت رسمی است. متولی رسمی تعلیم و تربیت خود نهاد تعلیم و تربیت است و به نظر می‌آید با ضعف شدید در فضای رسانه و روابط عمومی آموزش و پرورش که تقریباً در تمامی دوران شاهد آن بوده‌ایم، نتوانسته است شأن معلم را بالا بیاورد؛ بلکه بعضی مواقع ناخواسته این شأن را پایین آورده است.

تقلیل نوع رابطه نظام رسمی با معلمان، به رابطه‌ای اداری و استخدای و کارمندی، خودبه‌خود با تصمیم‌گیری‌ها و بازنمایی این تصمیم‌گیری‌ها در فضای رسانه مرتبط با نظام رسمی هم دیده می‌شود. لذا تا زمانی که نظام رسمی به معلم به شکل کارمند نگاه می‌کند، معلم نیز به خودش به شکل کارمند نگاه خواهد کرد. زمانی که نظام رسمی تعاملش با معلم در نهایت تعامل استخدام و حقوق و گزینش و جذب و ضمن خدمت است، در گزارش‌های خبری و در واقع گزارش‌هایی که از آموزش و پرورش منتشر و دیده می‌شوند، جامعه نیز معلم را به‌عنوان کارمند می‌شناسد. در حالی که نظام رسمی اساساً باید نگاه خود را به معلم تغییر دهد و همین را در بسترهای رسانه‌ای خود منتشر کند.

نظام رسمی رسماً خود را از رسانه منفک کرده است. روابط عمومی وزارتخانه و اداره کل بیشتر به گزارش‌دهنده اقدامات مدیر آن دستگاه تبدیل شده‌اند؛ با یک نظام اداری که برای مردم مهم نیست و جذابیتی ندارد. اگر بخواهیم

مردم را درگیر ماجرا بکنیم، حتماً وزارتخانه باید نقشی رسانه‌ای برای خودش در نظر بگیرد و روابط عمومی وزارتخانه باید چند پله خود را از حد یک نهاد گزارشگر ارتقا دهد و هدف‌گذاری انجام دهد تا اثرگذاری‌اش در جامعه بیشتر شود، که خب این شرایط نیازمند انقلابی در حوزه روابط عمومی است. البته اخیراً برخی از روابط عمومی‌ها به این سمت پیش رفته‌اند و خود را از نهادی که صرفاً گزارش می‌دهد، ارتقا داده‌اند و مردمی‌شده‌اند و نشان داده‌اند اتفاقات خوب جامعه را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند؛ اقدام بسیار ارزشمندی که بازخورد بسیار خوبی در جامعه داشته است.

تا زمانی که آموزش و پرورش این رسالت را برای خود در نظر نگیرد، نمی‌شود تکریم معلم را به شکل جامع و کامل در درازمدت ادامه داد. البته که انجام فعالیت رسانه‌ای مؤثر در دستگاه‌های دولتی، کار بسیار مشکلی است، چون اساساً دستگاه‌های دولتی نظامی اداری دارند و به مؤلفه‌های (پارامترهای) اداری بیشتر اهمیت می‌دهند و ارزش‌یابی‌ها بر اساس ضوابط اداری صورت می‌گیرد. حفظ وضع موجود در این نظام اهمیت بیشتری دارد تا ایجاد تحول نسبت به آینده. و بعید است که یک نهاد دولتی بتواند ذوق و سلیقه‌های هنری و فهم‌های عمیق رسانه‌ای و پویایی جامعه را ادراک کند.

بنابراین، به نظر بنده، اگر رسانه بخواهد کاملاً یک اتفاق دولتی بشود در وزارتخانه، کار غلطی است و فهم این مأموریت باید شکل بگیرد و سپرده شود به اهالی هنر و رسانه، که این موجب تحولی جدی در رویکرد نظام رسمی نسبت به مسائل اجتماعی می‌شود.



# جنگ در ایستگاه رادیو نفت

نگاهی به فیلم «آبادان یازده شصت»  
به کارگردانی مهرداد خوشبخت



حسین شیرازی  
معلم و نویسنده



این فیلم ماجرای مجاهدت گروهی از کارکنان رادیو نفت آبادان را برای حفظ رادیو و مخابره اخبار به منظور مقاومت مردم در برابر دشمن بازگو می‌کند. هر چیزی که فکرش را بکنید، روزی آن قدر به درد می‌خورد که بشود ایده اصلی رمان‌ها، بشود مثل صدای یک مؤذن که مردم را به نیایش فرا بخواند و سروش نجات سر دهد، بشود کانون توجه نسل‌های بعدی که هرگز فکرش را هم نمی‌کردند چنین چیزی آن قدر عامل تداوم نسلی‌شان شود، و بشود مایه فیلم‌نامه‌ای که نمابندی‌اش (دکوپاژش) کنند و چندین سال بعد، ما که همان نسل متأخری باشیم که فکرش را هم نمی‌کرد، آن را روی پرده سینما یا در خانه‌ها به تماشا بنشینیم.

«رادیو»! همان چیزی است که گمان می‌برم بودنش، شاید از اصلی‌ترین دلایل‌های رخداد حماسه «کوی ذوالفقاری» است. اگر بخواهیم از زاویه‌ای بالاتر به موضوع نظر کنیم، همچنان به اهمیت عظیم رسانه و راهگشایی‌اش، به خصوص برای شفابخشی حال نزار کنونی کشور، پی می‌بریم.

فیلم «آبادان یازده شصت» روایتگر قصه فردی به نام بهمن و همکارانش در کسوت مسئولان رادیو نفت ملی آبادان است. داستان از آنجایی شروع می‌شود که او (بهمن) نقش مهم رادیو در زمانه جنگ را می‌فهمد و به حرف نظامی‌ها مبنی بر تخلیه ساختمان رادیوی ملی، گوش که نمی‌دهد هیچ، تنور رادیو آبادان را گرم‌تر می‌کند؛ حتی گرم‌تر از روزهای قبل از تجاوز و اشغال خرمشهر! او نشان می‌دهد، ارزش کار دوستانش در آنجا، کمتر از کار جهان‌آرا و بچه‌هایش در خط مقدم آبادان نیست و این را با ایستادگی تا آخرین قطره خونشان ثابت می‌کنند.

وظیفه‌شناسی و تناسب قالب‌های مختلف رسانه با متن معادلات سیاسی و اجتماعی جامعه، هم‌خوانی و بیگانه‌نبودن رسانه با واقعیت‌های آن در تمامی شرایط کشور، رویه‌ای است که چه داخل جنگ باشد و چه صلح، تفاوتی نخواهد داشت. مهم آن است در هر جا و در هر شرایطی، بتوان با کمی انعطاف، عرشه‌ی اهتمام را حفظ کرد و با سکان‌داری‌اش دل به دریا زد و ثابت کرد هر آن چه شاید در نظر ما خار آید یک روز به کار خواهد آمد.

اشغال خرمشهر و غیرت جوشان از آن، آبادانی و غیرآبادانی، عرب و عجم، طرف‌دار انقلاب اسلامی یا کارمند اخراج‌شده رادیو در زمان طاغوت، مسلمان شیعه یا مسیحی و هر کسی را که فکرش را بکنید، با هر عقیده‌ای، پشت‌هم به‌صف می‌کند که زمین و زمان را بجورند و از هر چه در آن‌ها پیدا می‌کنند، برای حفظ روحیه مردم آبادان از رادیو پخش کنند. با یک دست برنامه روی موج بفرستند و با دست دیگر اسلحه بگیرند، بجنگند و تیر بخورند، اما لحظه‌ای ناامید نشوند!

اگر نمی‌کردند چه می‌شد؟ شاید چیزی به اسم «حماسه کوی ذوالفقاری» وجود نداشت! سرنوشت جنگ تغییر می‌کرد و کل استان خوزستان به زیر یوغ بعثی‌ها و صدام می‌رفت؛ صدام، این یکی از صدها پیاده‌نظام آمریکای خیانتکار که چندده سال یک‌بار، توان نگه‌داشتن نفسشان تمام می‌شود و برای نفس تازه کردن، دنیایی را به هم می‌ریزند!



# فیلم، شبیه‌ساز زندگی

## نگاهی به اثرات سینما بر نوجوانان و جوانان

رایتم سودیر واگولیکار

گردآوری و ترجمه: علیرضا رضانی



در دنیای امروز، فیلم‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی ما هستند و مخاطبان را با گونه‌های متنوع و داستان‌سرایی‌های جذاب شیفته خود می‌کنند. از ماجراجویی‌های هیجان‌انگیز گرفته تا کمدی‌های خنده‌دار و نمایش‌های (درام‌های) تأمل‌برانگیز، سینما مجموعه‌ای از تجربه‌ها را ارائه می‌کند که فراتر از سرگرمی‌های صرف هستند. با این حال، مهم است بدانیم، فیلم‌ها می‌توانند تأثیرات مثبت و منفی، به‌ویژه بر ذهن تأثیرپذیر نوجوانان و جوانان، داشته باشند. در این مقاله تأثیرات سینما را بر نوجوانان و جوانان و همچنین اهمیت توجه به پیام‌هایی را که از طریق فیلم‌ها منتقل می‌شوند، بررسی خواهیم کرد.

### سرگرمی، الهام و آموزش

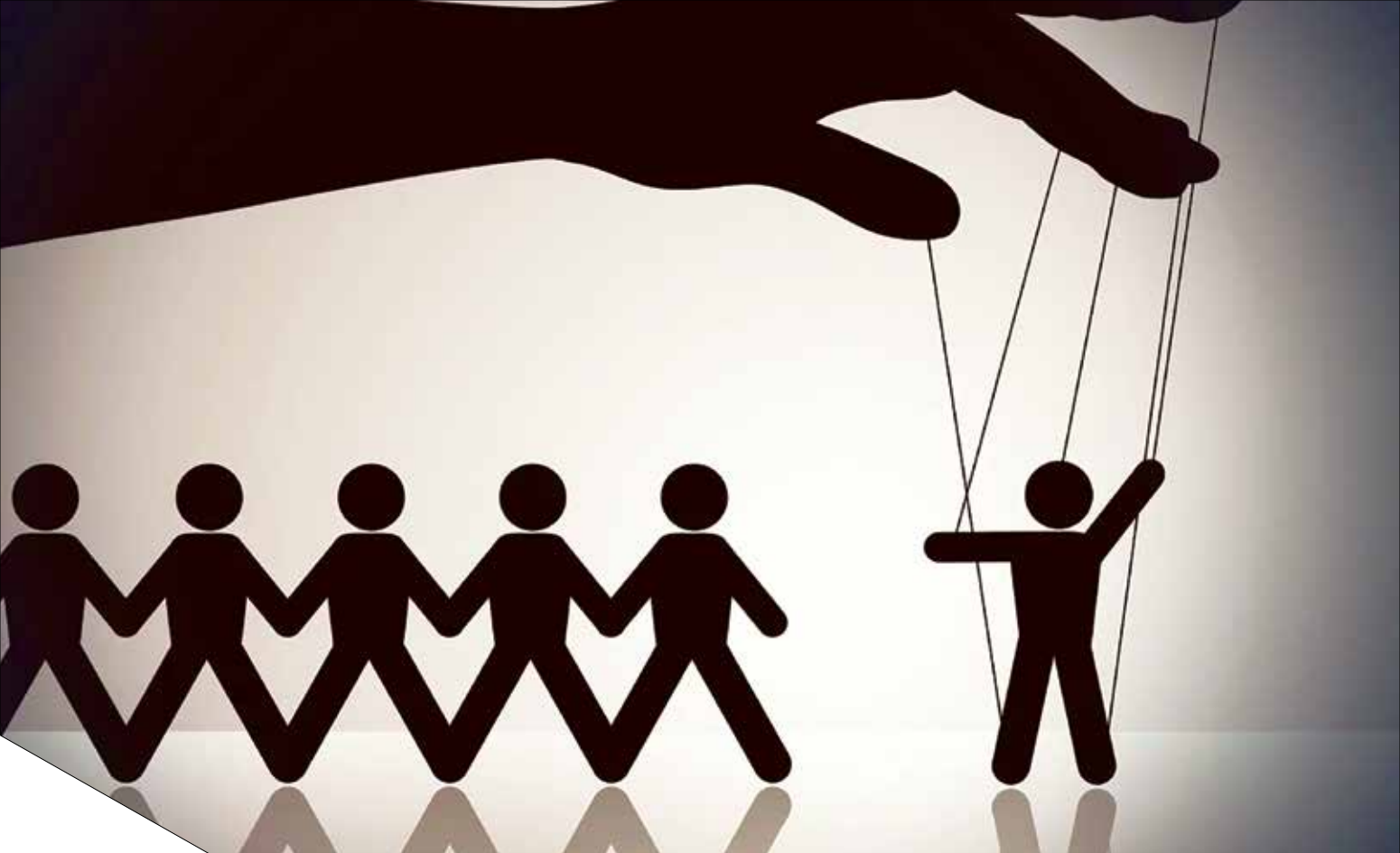
یکی از تأثیرات اولیه سینما بر نوجوانان و جوانان، توانایی آن در ارائه سرگرمی و الهام است. فیلم‌ها چیزی ورای واقعیت را ارائه می‌دهند و به نوجوانان و جوانان اجازه می‌دهند خود را در روایت‌های جذاب و تجربه‌های محرک بصری غرق کنند. این رسانه‌های بصری توجه جوانان را به خود جلب می‌کنند؛ به طوری که غالباً جذب ذات پویا و سریع فیلم‌ها می‌شوند. «فیلم‌ها در ایجاد سرگرمی بسیار مؤثر هستند. پس از یک روز طولانی کار یا مطالعه، دیدن یک فیلم همواره ایده خوبی است. برای مثال، اگر احساس خستگی می‌کنیم، فیلم‌های کمدی برای بهتر کردن زندگی ما بهترین پیشنهادند؛ زیرا شادی را وارد زندگی ما می‌کنند» (Vu, 2015). نوجوانان وقتی در حال تماشای فیلم‌های کمدی هستند، خوش‌حال‌اند و لبخند روی صورت آن‌ها نقش می‌بندد. این روحیه نشان می‌دهد، فیلم چگونه می‌تواند بر روحیه افراد تأثیر بگذارد و سرگرمی را برای نوجوانان و دیگران به ارمغان بیاورد. علاوه بر سرگرمی، فیلم می‌تواند نکات مفیدی را به نوجوانان و جوانان بیاموزد. برای مثال، در مدرسه‌های سراسر دنیا، فیلم‌ها با تلفیق سرگرمی و یادگیری، نقش مفید و مهمی را ایفا می‌کنند. «وقتی درس بدون سرگرمی باشد، دانش‌آموزان آن را درک نمی‌کنند. افزودن فیلم به کلاس درس دانش‌آموزان را سرگرم می‌کند و در نهایت بر انگیزه آن‌ها در مطالعه موضوع می‌افزاید. برای اینکه آن‌ها درباره آن موضوع بهتر عمل کنند، باید به آن علاقه‌مند باشند» (کار دول، ۲۰۱۷).

فیلم‌ها منبع بزرگ دانش هستند. آن‌ها به نوجوانان درباره خویشتن و جنبه‌های گوناگون زندگی درس‌های زیادی می‌دهند و این درس‌ها در خود آن‌ها و درکشان از محیط اطراف تفاوت ایجاد می‌کنند. فیلم‌ها می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند درباره طبیعت، مردم، جانوران و کیهان اطلاعات فراوانی به دست آورند.

علاوه بر این، «فیلم می‌تواند الهام‌بخش نوجوانان و جوانان برای بهتر کردن خود باشد و از این طریق تأثیر مثبتی بر جهان می‌گذارد. الهام گرفتن در نوجوانان ایجاد انگیزه می‌کند. نوجوانان می‌بینند افراد چگونه می‌توانند به قهرمان تبدیل شوند و برای رسیدن به جایی که هستند، چه کرده‌اند» (کار دول، ۲۰۱۷). داستان‌های انگیزشی، داستان‌های پیروزی بر ناملايمات، و شخصیت‌هایی که نمونه‌هایی از شجاعت و انعطاف‌پذیری هستند، می‌توانند به‌عنوان الگو برای بینندگان جوان تعریف شوند. فیلم‌هایی با چنین محتوایی، می‌توانند ارزش‌هایی مانند همدلی، عزم و همدردی را القا و جوانان را تشویق کنند که بزرگی را طلب کنند و برای داشتن جامعه‌ای والاتر بکوشند.

### تفسیر اجتماعی و تبادل فرهنگی

سینما به‌عنوان یک بن‌سازه (بلتفرم) قدرتمند تفسیر اجتماعی عمل می‌کند، موضوعات مرتبط را روشن می‌کند و بر دیدگاه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. فیلم می‌تواند تفکر انتقادی را در جوانان برانگیزد و آن‌ها را قادر سازد



### تأثیر دیداری و یادگیری چندبعدی

جوان امروزی دامنه توجهی دارد که بر اساس دنیایی بصری که در آن زندگی می کند، شکل گرفته است. فیلمها با داستان سراسری صوتی و تصویری خود، توجه او را به خود جلب و رسانه های جذاب برای یادگیری فراهم می کنند. نمایش بصری در فیلمها به بینندگان جوان اجازه می دهد مفاهیم پیچیده را به راحتی درک کنند. به این ترتیب، یادگیری چندبعدی را ترویج می کند. بینندگان درباره فرهنگهای متنوع، ساختارهای اقتصادی و پیامدهای سیاسی یاد می گیرند و درکشان از دنیای اطرافشان افزایش می یابد.

فیلمها بر ذهن جوانان امروزی تأثیر قابل توجهی دارند. آنها سرگرمی می سازند، الهام می بخشند، آگاهی اجتماعی و درک فرهنگی را ارتقا می دهند و ترویج می کنند. با این حال، توجه به پیامها و ارزشهای به تصویر کشیده شده در فیلمها بسیار مهم است. به عنوان بینندگان مسئول، باید فعالانه به دنبال فیلمهایی باشیم که الگوهای مثبتی ارائه می دهند، تفکر انتقادی را تشویق و فراگیر بودن را ترویج می کنند. با بهره گیری از قدرت سینما و هدایت انتخاب فیلمها توسط جوانان، می توانیم اطمینان حاصل کنیم که فیلمها همچنان منبع سرگرمی، آموزش و الهام هستند و در عین حال به شکل گیری و پایداری جامعه های دلسوزتر و آگاهتر کمک می کنند.

منابع

\* THE TIMES OF INDIA

\* STUDYMOOSE-May 25, 2023, 3:56 PM

موضوعات پیچیده ای مانند سیاست، نابرابری، نگرانی های زیست محیطی و عدالت اجتماعی را بازتاب دهند. فیلمهای تأمل برانگیز جرقه بحثهای سازنده، مشوق همدلی و الهامی برای تبدیل شدن به عوامل تغییر برای نسل جوان می شوند. علاوه بر این، سینما با قراردادن جوانان در معرض جامعه ها، آداب و رسوم و دیدگاههای گوناگون، تبادل فرهنگی متنوعی را ایجاد و تقویت می کند. فیلمهای بخشهای گوناگون جهان، نگاهی اجمالی به فرهنگهای منحصربه فرد دارند، کلیشه ها را به چالش می کشند و درک بین جوامع گوناگون را تقویت می کنند. این قرار گرفتن در معرض دیدگاههای متنوع، افق نگاههای جوانان را گسترش می دهد و روحیه مدارا، پذیرش و قدردانی از تفاوتهای فرهنگی را ترویج می دهد.

### بازتاب اجتماعی

سینما به مثابه آینه ای عمل می کند که دیدگاهها، مشکلات و آرزوهای اجتماعی زمانی معین را منعکس می کند، به مسائل اجتماعی می پردازد، بر آگاهی می افزاید و گفت و گو را تشویق می کند. فیلمها غالباً مضمونهای مرتبطی مانند تبعیض، سلامت روان، صلح و حقوق بشر را بررسی می کنند و فرصتی برای جوانان فراهم می کنند تا با این موضوعات به شیوه ای مرتبط و قابل دسترس درگیر شوند. سینما با به تصویر کشیدن چالشها و توفیقهای اجتماعی، جوانان را به تحلیل انتقادی محیط خود و مشارکت فعال در شکل دهی آینده ای بهتر تشویق می کند.



# مدرسه

## در حسرت تصویر

سید میثم موسوی

تصویرگر

مجید شجاع

معلم و نویسنده



سند تحول بنیادین است که در ادامه توضیحات کوتاهی درباره برخی از این مؤلفه‌ها ارائه خواهیم کرد:

### ۱. اداره شورایی مبتنی بر خرد جمعی

در سند تحول بنیادین و مبانی نظری تحول بنیادین، از مدرسه به‌عنوان محیطی فرهنگی اجتماعی یاد شده است که کانون پیشرفت محله است و به‌طور کلی برای تربیت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، مشارکت مناسبی بین کارکنان آموزشی، خانواده و جامعه محلی برقرار می‌کند. بر این اساس، مدرسه باید بر اساس خرد جمعی و با مشارکت ارکان اصلی آن، یعنی دانش‌آموز، معلم، خانواده و جامعه محلی اداره شود.

### ۲. متنوع‌سازی فرصت‌ها و موقعیت‌های تربیتی

#### رشددهنده و تعالی‌بخش

همان‌طور که می‌دانیم، تربیت و یادگیری در بستر موقعیت و تجربه صورت می‌گیرد که لازم است با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و ظرفیت‌های متنوع و به‌تبع آن نیازهای متنوع وجودی آن‌ها، به متنوع‌سازی فرصت‌ها و موقعیت‌های تربیتی پرداخته شود. از جمله روش‌های متنوع‌سازی تغییر موقعیت مکانی آموزش و یادگیری، توجه به رخدادهای درون کلاس درس، روش‌های تدریس متنوع و الگوهای حل مسئله واقعی است.

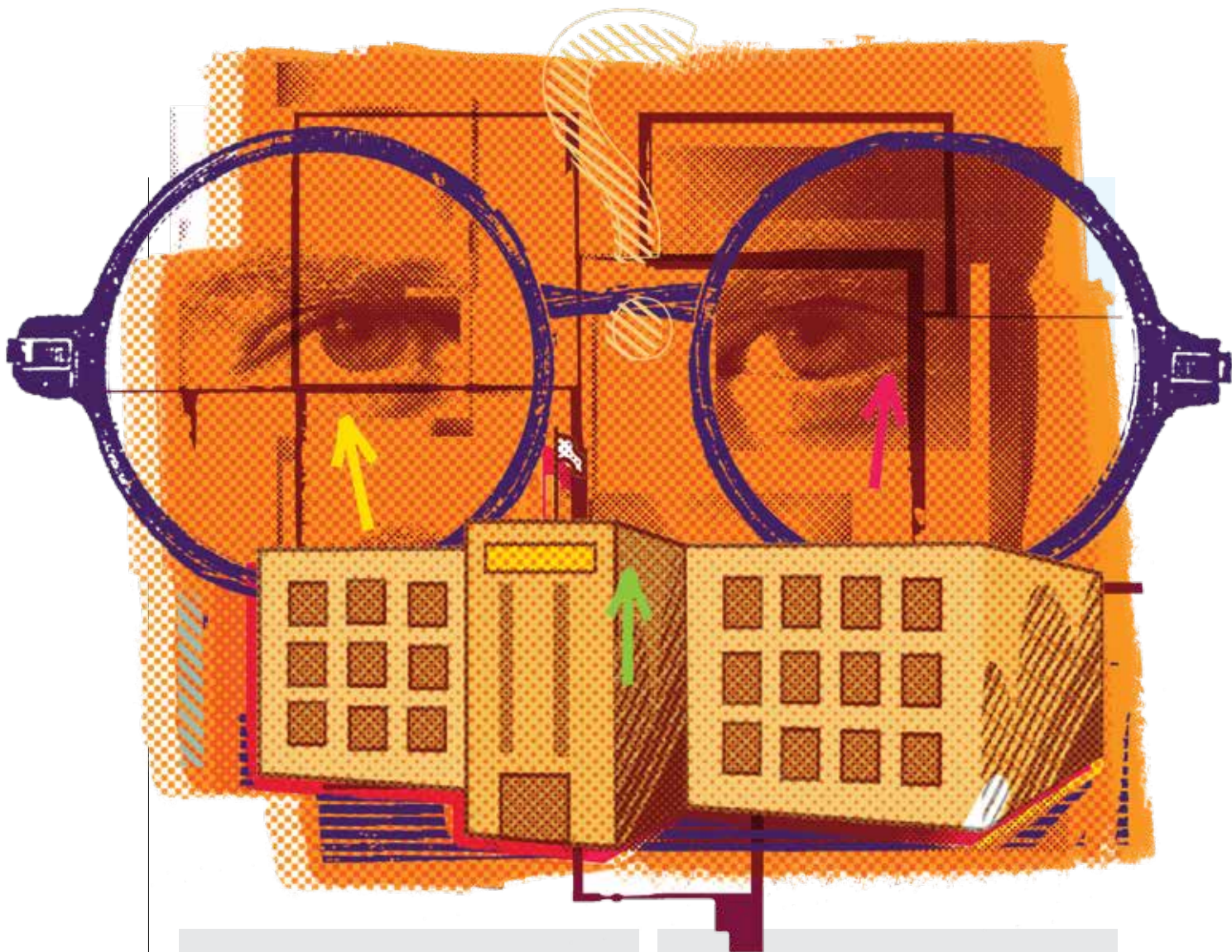
### ۳. تعیین چشم‌انداز و برنامه‌ریزی مبتنی بر اسناد تحولی

باتوجه به اینکه مدرسه‌ها در موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی قرار دارند، هر کدام در مسیر تربیت و

تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، از اوایل انقلاب اسلامی و حتی پیش از آن، از دغدغه‌ها و مسائل جدی جامعه ایرانی و نخبگان فکری و فرهنگی کشور بوده است. در این سال‌ها نیز شاهد برنامه‌ها و اقدامات دولت‌ها و جریان‌های گوناگون در کشور بوده‌ایم. تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در آذرماه سال ۱۳۹۰ توانست گفتمان تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش را در کشور به‌گفتمانی رایج و همگانی تبدیل کند تا مسئله تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جدی‌تر و مبتنی بر برنامه و مبانی نظری مشخص دنبال شود. اما یکی از چالش‌های اجرای این سند آن بود که هرگز دلالت‌های مدرسه‌ای آن به‌صورت واضح و به زبان معلم و مدیر مدرسه تدوین نشد و به نقش معلم و مدیر مدرسه، که از بازیگران اصلی تحول در نظام آموزشی هستند، توجه کافی صورت نگرفت! بدین‌لحاظ، به همت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشی با اهداف استخراج مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مدرسه در تراز سند تحول بنیادین صورت گرفت تا مبتنی بر اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش کشور، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مدرسه مطلوب مشخص شوند.

بنابراین، به‌نظر می‌رسد توجه و تمرکز بر ویژگی‌های مدرسه در تراز سند تحول بنیادین، و گفتمان‌سازی آن برای مدیر، معلم و دانش‌آموزان، می‌تواند زمینه مناسب تغییر و تحول را مبتنی بر اسناد بالادستی مدیران و معلمان سراسر کشور فراهم کند. در این راستا یکی از مهم‌ترین اقدامات برای تحقق این موضوع، تصویرسازی مدرسه مطلوب با توجه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مدرسه در تراز





تربیت و پرورش به همه ابعاد وجودی متربی توجه و برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود تا دانش‌آموز در همه ساحت‌ها رشد کند. لازمه این کار، تغییر نگرش‌ها نسبت به اهداف و کارکردهای کنونی مدرسه است. زیرا در شرایط کنونی، تنها خواست ما از مدرسه، آموزش دانش‌های گوناگون به دانش‌آموزان است و به‌طور کلی مطالبه تربیت و رشد در همه ابعاد وجودی از مدرسه، شکل نگرفته است.

#### جمع‌بندی

باتوجه به آنچه عنوان شد، در شرایط کنونی، یکی از نیازهای جدی ما برای تحول در نظام آموزش و پرورش کشور، تغییر و اصلاح نگرش و انگاره‌های ذهنی جامعه (به‌ویژه معلمان و مدیران مدرسه) نسبت به اهداف و کارکردهای مدرسه مطلوب بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش است تا در راستای آن شاهد اصلاح کنش‌های معلم، خانواده و دانش‌آموز در مدرسه باشیم. لازم است به آموزش و گفتمان‌سازی مناسب این ویژگی‌ها پرداخته شود. در این راستا می‌توان با تصویرسازی ویژگی‌های مدرسه مطلوب، به تحقق این موضوع کمک کرد.

آموزش با مسائل و چالش‌های متفاوتی روبه‌رو خواهند بود که لازم است مبتنی بر اسناد تحولی و ناظر بر چشم‌انداز کلی معرفی‌شده در اسناد بالادستی، با مشارکت ارکان مدرسه، برای مدرسه خود چشم‌انداز تعیین کنند و ناظر بر آن به برنامه‌ریزی بپردازند.

#### ۴. مشارکت فعال دانش‌آموز در اداره مدرسه

همان‌طور که بیان شد، تربیت و یادگیری در بستر تجربه و موقعیت صورت می‌گیرد و هدف مدرسه، تربیت متوازن و تمام‌ساحتی دانش‌آموزان است. برای محقق‌شدن این موضوع، مشارکت فعال در اداره دانش‌آموزان، یکی از در دسترس‌ترین اقدامات مؤثر است که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تربیت دانش‌آموزان در زمینه‌ها و شئون گوناگون باشد.

#### ۵. تربیت تمام‌ساحتی و متوازن

یکی از چالش‌های کنونی این است که مدرسه امروز بیشتر هویت آموزشی به خود گرفته است و آموزش‌های ما بیشتر در سطح دانش صورت می‌گیرند. لازم است در

# نمره شرم آور

نگاهی به تلنگرهای حرفه‌ای فیلم کوتاه «ارفاق»

مهدی واحدیان

مشاور مدرسه



حال، دبیر ریاضی برای حفظ موقعیت خود یا باید باج بپردازد و خطا کار بودن را قبول کند یا از روش دیگری برای اثبات بی‌گناهی خود کمک بگیرد!

فیلم با نمای اعلام نمرات آغاز می‌شود؛ جایی که دانش‌آموز از معلمش خواهش می‌کند نمره‌اش را در جمع اعلام نکند؛ معلم اما بی‌توجه به این درخواست، آن را می‌خواند و بچه‌ها نیز دانش‌آموز را تمسخر می‌کنند.

احتمالاً صحنه برای همه ما آشناست. همین آشنایی نیز ما را با واقعیت آن بیگانه کرده است. تکرار این پدیده چنان موقعیت را عادی جلوه می‌دهد که هیچ‌کداممان متوجه زوایای پیچیده و پنهان آن نمی‌شویم. معلم، برای ما به‌عنوان مخاطب، شخصیتی مسئول و دغدغه‌مند است، و گرنه با اضافه کردن ۲۵ صدم نمره، این حجم از دردسر را متحمل نمی‌شود. معلم انسان باگذشتی است، و گرنه می‌توانست بعد از ماجرای چاقو خوردنش، از دانش‌آموز و خانواده‌اش انتقام بگیرد.

آری، از دید مخاطب همه این‌ها درست هستند، ولی دوربین و زاویه دید دیگری نیز وجود دارد. در میان علمای علم حقوق، اعتقادی وجود دارد که برخی مجازات را باید در ملأعام اجرا کرد تا برای عموم جامعه عبرت شود و



نمره و امتحان واژگانی آشنا و معمولاً دلپره‌آور هستند. انگار برای ترسیدن از آن‌ها نیازی به مرور خاطرات یا توصیف و توضیح نیست، زیرا از آن دست کلماتی‌اند که با شنیدنشان خودبه‌خود انبوهی از تصویرها و احساسات در خاطر انسان نقش می‌بندد. همان‌طور که واژه «جنگ» با احساس خشم یا لفظ «مادر» با حالت عطف و مهربانی گره خورده‌اند، می‌توان گفت کلمه نمره بالذات، بدون هیچ پیشوند و پسوندی، خویشتاوند احساس دلپره و اضطراب است. مقوله نمره، الهام‌بخش قصه‌های بسیاری بوده که برخی‌شان بر پرده نقره‌ای سینما روایت شده و کثیری از آن‌ها نیز در تماشاخانه خاطر اتمان به روی صحنه

رفته‌اند؛ نمایش‌های پرمخاطره‌ای که از پشت نیمکت‌هایمان شاهدشان بودیم و شخصیت (کاراکتر) منفی‌شان همیشه خودکاری قرمز رنگ بود.

فیلم کوتاه «ارفاق» به کارگردانی **رضا نجاتی** نیز یکی از همین قصه‌هاست. داستان دبیر ریاضی موجه و وظیفه‌شناسی (هوتن شکبیا) که برخلاف میل شاگردش، نمره مردودی او را در کلاس اعلام می‌کند و دانش‌آموز نیز از او می‌رنجد. او با نفرتی که از معلم خود در دل دارد، با صحنه‌سازی (خودزنی) کاری می‌کند که موقعیت شغلی دبیر ریاضی که عاشق کارش است، به خطر بیفتد.

دانش آموز قادر به دریافت چنین علامتی (سیگنالی) هست یا خیر. او هرگز خودش را در موقعیت دانش آموز فرض نکرده است! در واقع، نظریه ذهن دانش آموز تمامی این دلسوزی‌ها و نظم را به خاطر ارائه نامناسب آن‌ها توسط معلم، بر کینه‌توزی، سنگدلی و بی‌رحمی وی حمل کرده است؛ احساسی که هر متهمی نسبت به محکمه‌اش دارد.

پایان‌بندی فیلم اما نقطه طلایی آن است. جایی که معلم نقشه دقیقی طراحی کرده است تا از شر باج‌خواهی پدر دانش آموز خلاص شود. او نیز موقعیتی را شبیه‌سازی می‌کند که دانش آموز او را مضروب کرده است. او خوب می‌داند، با عملی شدن نقشه‌اش، دیگر مجبور نیست نمره پسر (مهیار راحت) را ترمیم کند، یا باجی به پدرش (اصغر پیران) بپردازد. برعکس، آن‌ها باید رضایت او را جلب کنند. حتی مدیر مدرسه (سیاوش چراغی‌پور) نیز حق را به او خواهد داد. با وجود این، نمره قبولی را به دانش آموز می‌دهد.

معلم: «الان نمره بالا گرفتی، با ۳۰ ثانیه پیشت چه فرقی کردی؟»



دانش آموز: «نمی‌دونم.»

معلم: «سر صبح برا چی این قدر خودت رو زدی؟»  
حالا به یقین دانش آموز می‌داند که نه ارفاق دبیرش از ترس شکایت بوده و نه فشارهای مدیر او را به این کار واداشته است. شرایط درست مانند زمانی است که حاضر نشد ۲۵ صدم به او ارفاق کند. حالا دانش آموز می‌فهمد، درد معلم از ابتدا همان بود که گفت: «با ۳۰ ثانیه پیشت چه فرقی کردی؟»

پی‌نوشت‌ها

1. TOM: theory of mind
2. ADHD: attention deficit hyperactivity disorder: بیش‌فعالی همراه با نقصان توجه

منبع

\* آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM5. دکتر مهدی گنجی. ص ۴۷۷



بازدارندگی ایجاد کند. به نظر می‌آید، فضای کلاس نیز از همین باور متأثر باشد، و گرنه کارکرد تربیتی جازدن نمره شاگردی که از عملکردش شرمکین است، چیست؟ شاید سایرین از ترس دچار شدن به سرنوشت وی، در ادامه کوشش بیشتری از خود نشان دهند، اما به یقین، خود دانش آموز قربانی می‌شود. یا به عبارت بهتر، از او قطع امید می‌شود.

ذوق ادبی‌مان اگر گل کند، شاید بی‌راه نباشد کلاس را به محکمه تشبیه کنیم، معلم را به قاضی و نمره را حکم قاضی. در این صورت، متهم چگونه به قاضی می‌نگرد؟ مطلبی که نویسنده از قول پدر دانش آموز با رندی بیان می‌کند: «اینجا قبلاً زندان بود.» آیا حق ندارد از او متنفر باشد؟

در روان‌شناسی مفهومی وجود دارد به نام نظریه ذهن<sup>۱</sup> که به‌طور خلاصه یعنی توانایی درک حالت‌های ذهنی خود و دیگران، یا همان ذهن خوانی. در بیان اهمیت این مفهوم، همین بس که حتی در اختلال‌هایی همچون ای‌دی‌اچ‌دی<sup>۲</sup> که بنا به نظر کارشناسان، ۶۰ تا ۹۰ درصد علت آن ارثی است، به‌عنوان عاملی مهم نقش‌آفرینی می‌کند. در این صورت، پرواضح است که نظریه ذهن در محیط مدرسه و در حوزه آسیب‌های اجتماعی چه بازیگر تأثیرگذاری است! نظریه ذهن هر فرد از نظام شناختی وی و همچنین داده‌هایی متأثر است که از محیط دریافت می‌کند. اگرچه معلم شخصی دغدغه‌مند و دلسوز است، اما رفتار او با دانش آموز به‌هیچ‌وجه نوجوان را متوجه این نکات نمی‌کند. در اینجا معلم از نیت و قصد خود آگاه است و می‌پندارد که دانش آموز نیز باید متوجه این موضوع باشد، بی‌آنکه از خود بی‌پرسد «چگونه؟» بی‌آنکه ویژگی‌های سنی خاص او، از جمله تقدس غرورش را در نظر بگیرد. معلم پشت بی‌سیم پیغامی را مخابره می‌کند، بی‌آنکه توجه کند اساساً گیرنده

# چگونه می‌بینیم؟

## تأملی در مفهوم سواد دیداری

نویسنده: کاربه پترسون  
ترجمه الهام فراستی



همراه باشد. به‌عنوان مثال، با ویرایش دیجیتال می‌توان موقعیت‌های دروغین را واقعی جلوه داد. این کار ممکن است در فیلم‌های پر فروش سرگرم‌کننده باشد، اما در واقع تهدیدی واقعی است. زیرا به‌سختی می‌توان پی برد که گفتار یک سیاستمدار، قطعه‌ای از فیلمی جنگی یا شواهد ویدئویی یک جرم، به‌صورت دیجیتال دستکاری شده است. مشاهده آهسته

مشاهده آهسته یک مهارت اساسی است که زیربنای سایر مهارت‌های دیداری به شمار می‌رود. اختصاص لحظه‌هایی به تمرین مشاهده و توصیف آهسته، برای ارتقای سواد دیداری بسیار مهم است.

خوشبختانه مشاهده آهسته را تقریباً در هر جایی و هر زمانی می‌توان انجام داد. برای مثال، اگر در ترافیک گیر کرده‌اید، به چراغ‌ها، شماره پلاک و علائم جاده نگاه کنید. توجه داشته باشید، بسیاری از رنگ‌ها و شکل‌ها با ظرافت و به دلیل خاصی انتخاب شده‌اند.

اگر خوابتان نمی‌آید، سعی کنید لایه‌های سایه‌ها و نیم‌سایه‌ها را در تاریکی اتاق مشاهده کنید. ببینید که ذهنتان آسوده و رهاست و نگاهتان در کجاها پرسه می‌زند. اگر منتظر هستید که کار اجاق تندپز (ماکروبو) به پایان برسد، در طراحی آن دقت کنید. به انتخاب موادی که برای هر قسمت از دستگاه به کار رفته‌اند خوب نگاه کنید. به‌عنوان اولین قدم برای شناخت اشیا، آن‌ها را مشاهده و توصیف کنید و ببینید اجزای آن چگونه با هم ارتباط برقرار کرده‌اند.

می‌توانید هر آنچه را مشاهده می‌کنید، با کلمات توصیف کنید. اما توصیف همراه با ترسیم، می‌تواند گزینه بهتری باشد. بسیاری از هنرمندان و طراحان دیداری برای این منظور همیشه یک دفترچه دم دست خود دارند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در عبور از خیابان، به توانایی شما در درک آنچه می‌بینید بستگی دارد. از سوی دیگر، درک آنچه می‌بینید، گاهی پدیده‌ای واقعا پیچیده است. هر چه درباره شیوه‌های معنی‌سازی مغز بر اساس دیده‌ها آگاه‌تر باشید، سواد بصری بیشتری دارید و در تعامل با محیط اطراف خود ماهرتر و مؤثرتر خواهید بود.

اما سواد دیداری چیزی بیش از نحوه دریافت و ادراک تجربه‌های دیداری است. به کمک سواد دیداری می‌توانیم درک مناسبی از حضور فیزیکی خود و نحوه تجربه تصویرها، ویدئو و سایر چندرسانه‌های داشته باشیم. با برخورداری از سواد دیداری می‌توانیم تصویرها را با همان روشی که برای ارزیابی نوشتار به کار می‌بریم، بررسی کنیم، چرا که همانند نوشتار، تصویر نیز می‌تواند دقیق، جانب‌دارانه، گمراه‌کننده یا نشان‌دهنده بی‌دقتی باشد.

### انتخاب‌های بصری

شما هر روز گزینه‌های تصویری بسیاری پیش رو دارید که انتخاب آن‌ها، زمینه را برای چگونگی تجربه زندگی خود و نحوه تجربه دیگران درباره شما فراهم می‌کند. برای مثال، لباس، خانه، ماشین و انتخاب رسانه‌ها همه نمایانگر انتخاب‌های دیداری هستند. هر بار که وارد یک غذاخوری (رستوران) می‌شوید، تلویزیون را روشن می‌کنید، در بزرگراه رانندگی می‌کنید یا تقریباً هر کار دیگری که انجام می‌دهید، با پیام‌های دیداری سروکار دارید.

یکی از کارکردهای انتخاب‌های دیداری این است که مردم احساس راحتی کنند. برای مثال، نیمکت‌های بوستان یا چراغ‌های روشنایی خیابان، در رهگذران رضایت خاطر به وجود می‌آورند و حس خاصی را القا می‌کنند.

البته کاربرد عناصر دیداری می‌تواند با سوءاستفاده نیز

## تمرین ۱: پاکت‌گردی

این تمرین مقدمه‌ای برای تجسم و طراحی توصیفی است. برای این تمرین، به یک پاکت کاغذی و شیء داخل آن نیاز دارید. موقع انجام این تمرین باید شخص دیگری شیء را داخل پاکت بگذارد و شما از محتوای آن بی‌خبر باشید. چشمانتان را ببندید و دست‌هایتان را داخل پاکت ببرید. سپس آنچه را از لمس آن شیء تجربه می‌کنید، ترسیم کنید. حداقل ۱۰ دقیقه به خودتان زمان بدهید تا شیء داخل پاکت را ترسیم کنید.

هنگام این تمرین، برخی افراد می‌توانند علاوه بر شکل

اصلی شیء، جرم واقعی و فضای خالی اطراف آن را نیز درک کنند. گاهی افراد می‌توانند جهت یا طول و عرض جسم را هم حدس بزنند. برخی‌ها می‌توانند بیش از یک وجه شیء و بافت آن را هم نشان دهند. اگر این تمرین را در خانه انجام می‌دهید،

سعی کنید با یک دوست امتحان کنید. بعد از ترسیم شیء توسط شخص دیگر، در مورد مهارت‌هایی که در حال حاضر دارید و مهارت‌هایی که می‌توانید بهبود بخشید، صحبت کنید.

اشکالی ندارد اگر برای حدس زدن شیء نیازمند تمرین بیشتری باشید! مردم عادت کرده‌اند آنچه را می‌بینند با کلمات توضیح دهند. برای همین درک آن با حس لامسه برایشان دشوار است.

مرحله دوم تمرین این است که پس از درک شیء، دوباره چشم از کاغذ بردارید و شکل آن را بکشید. این بار فقط به شیء نگاه کنید. این شکل از ترسیم را «شکل‌دهی کور» می‌نامند. این کار روشی است برای آموزش هماهنگی دست و چشم، بدون نگاه کردن به کاغذ.

## تمرین ۲: تعامل چندحسی

دیدن یک رویداد چندحسی است. به همین دلیل، توسعه مهارت‌های دیداری به تعامل چندحسی و استفاده از حواس پنج‌گانه نیاز دارد. این مهارت‌ها هم مثل سایر مهارت‌ها به تکرار و تمرین نیاز دارند.

برای انجام تمرین، یک ساعت به هر آنچه می‌بینید، آگاه باشید و هر چه را می‌بینید به زبان بیاورید. اگر تنها

هستید، می‌توانید این کار را با صدای بلند انجام دهید. یا اگر نمی‌خواهید برای دیگران مزاحمت ایجاد کنید، فقط در ذهنتان مرور کنید.

برای مدتی، دیدن و نام‌گذاری شکل‌ها را تمرین کنید. در مورد تلویزیون ممکن است بگویید شکل آن مستطیل است. به کاسه غذاخوری خود نگاه کنید و شکل آن را توضیح دهید. اگر اولین شکلی که به ذهنتان می‌رسد دایره است، دوباره نگاه کنید. آیا واقعاً از زاویه‌ای دیگر بیضی نیست؟ سعی کنید تجربه دیداری خود را از تمایل مغز برای نتیجه‌گیری در مورد اشیا جدا کنید. به چشمان خود اعتماد کنید.

همین کار را با رنگ‌ها انجام دهید. رنگ‌ها را هنگام مواجهه با آن‌ها نام ببرید. باز هم اجازه ندهید مغز شما فرمان را به دست بگیرد. مغز شما ممکن است فریاد بزند که گیاه سبز است، اما شاید چشمان شما بگویند با نور خورشید در پشت آن، زرد است.

حالا به بافت‌ها نگاه کنید و نام آن‌ها را بگویید. برای مثال چرم، فلز، چوب و مخمل و ویژگی‌هایی مانند نرمی، لطافت، تیزی و سختی. لازم نیست بافت‌ها را لمس کنید. فقط بکشید آن‌ها را با دیدن تشخیص دهید و توصیف کنید.

ممکن است این تمرین خیلی پیچیده و سخت به نظر بیاید. از دوران نوزادی، مغز شما به شدت تلاش کرده است تجربه‌های دیداری خود را به شبکه‌هایی از اطلاعات، حافظه و معنا تبدیل کند. این بدان معناست که بقای شما به این بستگی دارد که بتوانید به سرعت احساس دیداری را به شناخت تبدیل کنید. بنابراین، مغز شما از میان‌برهای پیشرفته‌ای استفاده می‌کند تا به شما امکان دهد این کار را با سرعت و تلاش آگاهانه کمتری انجام دهید.

این تمرین مخالف عادت‌های معمول مغز است. برای همین کنار گذاشتن آن میان‌برها ممکن است در ابتدا مغز را با چالش روبه‌رو کند.

منبع

این مطلب ترجمه‌ای است از: visual literacy skills, how to see, Professor Carrie Patterson, St. Mary's College of Maryland, 2019.



# جلوه‌های معلمی

## در سینمای ایران

سیدمجتبی طباطبایی  
معلم و نویسنده



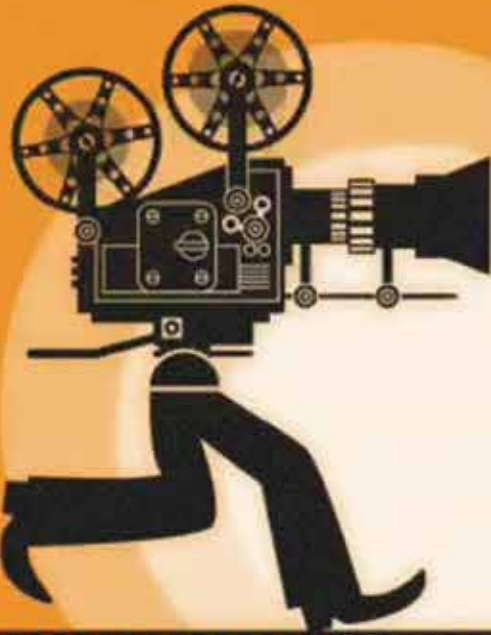
تعلیم و تربیت در بستر تاریخ دارد، زیرا اگر این عنصر از اولویت برخوردار نبود، هیچ‌گاه در گذر از تاریخ گزندی به او وارد نمی‌شد.

سینمای ایران، به‌نوعی بعد از ورود اولین دستگاه سینماتوگراف در سال ۱۲۷۹، آغاز می‌شود. سینما چه در ایران و چه در خاستگاه اصلی خود و در بین ملل گوناگون، همواره اثر داشته است. رابطه تأثیرپذیری از جامعه و تأثیرگذاری بر جامعه، مسیر دوطرفه پرترددی است که بخش جدانشدنی حوزه فیلم‌سازی است. زیرا مخاطب وقتی وارد سالن سینما می‌شود، بخشی از تجربه زیسته خود از هم‌زیستی‌اش با جامعه را به همراهش می‌آورد و در مقابل، اندیشه و نگاه فیلم‌ساز و عواملش را به موضوعی (سوژه‌ای) که از دل جامعه برآمده است، به تماشا می‌نشیند. محتوای ارائه‌شده گاه با تجربه زیسته‌اش هم‌خوانی دارد و به‌اصطلاح همزادپنداری می‌کند، و در مقابل اگر از محدوده تجربیات او بیرون باشد، به اندوخته‌هایش اضافه می‌شود.

نگارینه کردن «معلمان» از آنجایی حائز اهمیت می‌شود که نقش اصلی یا مکمل بخشی از فیلم‌های سینمایی بعد از انقلاب را معلمان تشکیل می‌دهند. این سراغ‌گیری تصویری در سینما از معلمان، به دلیل‌ها و بهانه‌های گوناگونی شکل گرفته است. به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، قریب به ۵۰ فیلم سینمایی تولید شده است که نقش اصلی آن را معلم تشکیل داده است. طوری که در انتهای فیلم، در پایان‌بندی (تیتراژ) اثر، مقابل نام بازیگر، به‌جای نامش در فیلم، از نقشش

جایگاه معلم در فرهنگ ایرانی اسلامی ما، چه آن زمان که مکتب پیش‌ران بود و چه آن زمان که امیرکبیر به‌واسطه ضعف در جنگ و دفاع در برابر اجنبی تصمیم به دایر کردن دارالفنون گرفت، همواره جایگاهی مقدس بوده است. این موضوع در ادبیات دینی ما گستره‌ای به‌اندازه حضور اولین پیامبر، حضرت آدم (ع)، تا حضرت رسول (ص)، به‌عنوان خاتم سلسله نبوت، دارد. به‌گونه‌ای که برخی در تعریف نقش معلم از پنداره «معلم به‌مثابه نبی» استفاده می‌کنند. در تاریخ و نسبت معلم با فرهنگ، بین فلاسفه، ارسطو را از یک نظر به دلیل نگاه و آثارش در منطق و فلسفه، اولین معلم خوانده‌اند، در حالی که او خود شاگرد افلاطون بود و افلاطون نیز پای درس سقراط می‌نشست. در نزدیکی همان دوره تاریخی، واقع‌گراهای (رئالیست‌های) خداپاور برای خانواده نیز نقش معلمی قائل شدند؛ همان‌طور که بعدها طبیعت‌گرایان برای محیط نقش تربیتی قائل بودند و معلم را تنظیم‌کننده موقعیت‌های یادگیری می‌دانستند.

سند تحول بنیادین نیز که تصویب آن به اواخر سده چهاردهم می‌رسد، در بند ۷ گزاره‌های ارزشی خود از معلم به‌عنوان فردی فکور، پژوهشگر، هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی یاد می‌کند. به هر حال، واژه معلم و نقش آن در تاریخ زیسته‌اش دچار تغییری شده است که این تغییر الزاماً منفی یا مثبت نیست. اصل تغییر نشان از پویایی و زنده‌ماندن مهم‌ترین عنصر



که مصرف رسانه‌ای را در اختیار بگیرند و به‌ویژه مدیریت فضای رسانه‌ای را به نوجوانان آموزش دهند. حال آنکه وجود دیرپاترین جشنواره فیلم ایران، با قدمتی پنجاه‌وسه‌ساله، می‌تواند خانه امنی برای چنین معلمان و دانش‌آموزانی باشد؛ مکانی امن در ذیل آموزش و پرورش. شاید اگر سازمان‌های (ارگان‌های) دیگری چنین بار عظیم اثرگذاری را به دوش می‌کشیدند، برای ارتقای سازمان خود بهینه‌تر از آن استفاده می‌کردند.

وزارت آموزش و پرورش و در هیئت اجرایی آن، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، باید قدر چنین موقعیتی را در چنین موقفی از تاریخ بداند. به نظر نگارنده، این جشنواره می‌تواند با بازتعریف سیاست‌ها و اهداف کلان خود با برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت، ضمن بازگشت به جایگاه اثرگذار خود، الفبای جریان‌سازی در حوزه رسانه معلمان و دانش‌آموزان را هجی کند. این مسیر پرتلاطم نیازمند ثبات مدیریت، انگیزه سازمان در ارتقای سازوکار جشنواره و نگاه مثبت دست‌اندرکاران به این مهم است. هنوز که هنوز است، بعد از گذشت ۵۳ دوره، وقتی از برخی معلمان درباره جشنواره فیلم رشد پرسیده می‌شود، در بهترین حالت، اگر دستی بر آتش تولید محتوا داشته باشند، ذهنشان به سمت جشنواره تولید محتوای الکترونیکی رشد می‌رود. این ضعف بزرگی است که بدنه اصلی جامعه معلمان هنوز جشنواره فیلم رشد را نمی‌شناسد!

استفاده می‌شود. از فرامرز قریب‌یان در فیلم «سایه‌های بلند باد»، بهمن فرمان‌آرا در سال ۱۳۵۷ گرفته تا جواد عزتی در «خورشید» مجید مجیدی در سال ۱۳۹۸، معلمان بسیاری نقش‌آفرینی داشته‌اند. گاه نقشی از جامعه گرفته‌اند و گاه سعی دارند نقشی بر جامعه بیفزایند.

بررسی این نگاره‌های معلمان در سینما از چند جهت حائز اهمیت است. اولین سؤال آن است که «نقش معلم در سینمای بعد از انقلاب چگونه نمایش داده شده است؟» «آیا معلم در کلاس درس خود، خدای در صحنه‌ای است که واقع‌گراها (رئالیستی‌ها) به آن باور دارند و در تعریف لغوی آموزنده‌ای است که آذوقه‌رسان معرفت و دانش شده است، یا فردی است که به‌طور کلی سعی دارد پراز مدل استاد و شاگردی فراتر گذارد، به اعتقاد پیشروگرایان خود را موظف به ایجاد رابطه شخصی با دانش‌آموز می‌داند و معتقد است که تربیت تنها ملاقات کردن با ذهن‌ها نیست؟» سؤال دوم به بررسی مدل ارائه نقش معلم و برساخت جایگاه اجتماعی او میان تولیدات سینمایی مربوط می‌شود. «جایگاه اجتماعی تعریف شده برای معلمان در تولیدات سینمایی چگونه است؟» این جایگاه اجتماعی مانند نمایشی از وضعیت زیست او در جامعه است، یا تلاش می‌کند معلم را نقش‌آفرینی در اجتماع تعریف کند. برای این نوشتار، بررسی این دو سؤال و پاسخ به آن‌ها کفایت می‌کند. جنبه‌های دیگری نیز در بررسی نگاره‌های معلمان در سینما وجود دارند که در این مجال نمی‌گنجند. دغدغه‌های فعالان فرهنگی و رسانه‌ای همواره این است

# روابط شکننده

## دو روایت از معلم، در نقش پناهگاه عاطفی دانش‌آموزان

سیدعلی حسنی

پژوهشگر حوزه فرهنگ و رسانه



علاقه به تجربه‌گرایی کم نبوده است، این دو رابطه در دو اثر به شکلی که باید تصویر شده‌اند؛ در «آستیگمات» مجیدرضا مصطفوی و در «امتحان نهایی» عادل یراقی. در آستیگمات، دانش‌آموز به‌واسطهٔ علاقه‌ای نامتعارف، به معلم پناه می‌آورد. پناه او به معلمش به‌دلیل علاقه‌های کم‌رنگ‌شده و به‌زوال‌رفته در خانواده‌اش، درگیری‌های ناتمام پیرامونش و تنهایی قابل‌انتظاری که او را به سمت خود می‌کشد، شکل می‌گیرد و این احساس نامتعارف، تولد تغییری زیستی در پیرامون پسر درخودفرورفتهٔ داستان آستیگمات را رقم می‌زند؛ تغییری متولدشده از نوعی غریب از اعلام حضور...

در امتحان نهایی اما، محوریت داستان حول یک شکاف و شکنندگی می‌گذرد. در اینجا دانش‌آموز از معلمی که به او اعتماد داشته است، ضربه می‌بیند و نقطهٔ به‌وجودآمدن تعریف ضربه در نگاه او، احساس علاقهٔ معلم به مادرش است. این عشق شکل گرفته زمینهای می‌شود برای ایجاد شکاف و شکنندگی در رابطهٔ میان او و معلم، و دلیلی می‌شود برای ایجاد دگرگونی در مسیر دو رابطه؛ رابطه‌هایی که هر کدامشان سرشار بوده‌اند از محبت‌ها و همراهی‌ها. شکل اعلام حضور پسر داستان امتحان نهایی، نه تنها تغییری زیستی، بلکه علاوه بر التهاب داستانی، تصویری از یک رابطهٔ عمیق را نشان می‌دهد؛ رابطه‌ای که اکنون به دلیل ابراز یک عشق، پیچیدگی‌های درونی‌اش بازتاب داده شده‌اند و چه انتظارها و چه روح لطیفی را در تصویر به میان آورده است؛ چه انتظارها و چه روح لطیفی را...

در آستیگمات و امتحان نهایی، قوت یک رابطه را می‌بینید؛ قوتی که گاه زمینهٔ تغییر می‌شود و گاه زمینهٔ التهاب. قوتی که گاه کنارزنندهٔ دشواری‌هاست و گاه کنارزنندهٔ احساسات آرام‌کننده. این نوع از پرداخت و این نوع از نگاه، نشان از پرداخت قابل‌توجه سازندگان آثار و نشان از دغدغهٔ مهمی است که آن‌ها در سر دارند؛ دغدغه‌ای از حضوری گاه غایب و گاه ویران‌کننده!

یکی از مهم‌ترین تصویرهایی که از رابطهٔ معلم و دانش‌آموز می‌تواند ثبت شود، رابطهٔ احساسی میان آن‌هاست؛ رابطه‌ای که در آن شکل‌گیری احساس علاقه و نحوهٔ ادامه‌دار شدنش نسبت به دیگر علاقه‌هایی که در گذر زمانی پرتفاق شکل می‌گیرند، متفاوت است؛ اتفاقات حاصل از حسی نادیده، آرامشی نایاب و محبتی دست‌نیافتنی.

به‌مانند تمام روابط، در این رابطه نیز شکاف و شکنندگی وجود دارد؛ شکافی به‌مراتب ناشنیده‌تر از شکاف‌های زیستی در زندگی و شکنندگی غریب‌تری نسبت به شکنندگی‌های آشنای روابط مشاهده‌شده در هر جامعه.

این پایه و اساس شناخته‌شده در روابط اجتماعی، این احساس علاقهٔ دست‌یافتنی و این احساس رو به شکست و رو به انزوا، در سینما به‌عنوان موضوعی دارای اهمیت در زمان‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است و چه بسیار آثار به‌یادماندنی و ماندگاری که از دل این توجه به وجود آمده‌اند! آثاری که گاه نشئت گرفته از شور درونی مؤلف‌اند و گاه نشئت گرفته از استیصال درونی او. رکنی از این تصویر گاه سرزننده و گاه غم‌آور، در آثاری که مسیر داستانی‌شان را در افت‌وخیز روابط میان معلم و دانش‌آموز طی می‌کنند نیز وجود دارد و چه بسا در این تصویر تحلیل‌ها حتی رنگ‌وبوی دیگری داشته‌اند!

در سینمای چند سال اخیر ایران، سینمایی که در آن







# تماشای مشترک

اهمیت نقد و تحلیل تربیتی  
فیلم‌های کودک و نوجوان

محمد امین بختیاری

معلم و نویسنده



در برخورد با کودکان و نوجوانان هستیم. در حالت کلی، گروهی از فعالان تعلیم و تربیت در مواجهه با این آثار مخرب، دیدگاهی کاملاً سلبی و بدون در نظر گرفتن ذائقه مخاطب و بسترهای انتشار این نوع محصولات رسانه‌ای اختیار کرده‌اند و به نگرش تحلیل‌های کلیشه‌ای و غیر کاربردی اقدام می‌کنند. از طرف دیگر، عده‌ای، با دیدگاهی منفعلانه و بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی جامعه، این موضوع را نادیده می‌گیرند.

این روزها نیازمند تحلیل‌گرانی هستیم که علاوه بر شناخت ویژگی‌های عاطفی و شناختی دانش‌آموزان و مسائل اجتماعی آن‌ها، با قالب‌های رسانه‌ای هم آشنا باشند، تا بتوانند با توصیف دقیق ساختار و عنصرهای سازنده اثر و با توجه به مبانی نظری‌ای که در ارزش‌های ایرانی اسلامی ریشه دارند، به نقد و بررسی آن بپردازند.

یکی از این رسانه‌های پرطرفدار میان کودکان و نوجوانان، فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی است که جنبه تفریحی و سرگرمی بالایی دارد. جذابیت شکل و قالب و کم‌هزینه بودن دسترسی به فیلم، از جمله عوامل مؤثری است که موجب اقبال کودکان و نوجوانان به این قالب رسانه‌ای شده است.

«تماشای مشترک» از جمله راهکارهایی است که معلمان و والدین می‌توانند با استفاده از آن، گفت‌وگوی سازنده با دانش‌آموزان و فرزندانشان را رقم بزنند و از اثرات مخربی که برخی از فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی روی آن‌ها می‌گذارند، بکاهند. آشنایی معلمان و والدین از سید مصرف رسانه‌ای نوجوانان در حوزه‌های مختلف، به خصوص فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی و شناخت ذائقه آنان، این امکان را فراهم می‌کند که درباره موضوعات مشترک به گفت‌وگو بنشینند. این گفت‌وگوها با ایجاد صمیمیت بیشتر و افزایش همدلی میان مربی و متربی، باعث راهکار تماشای مشترک را تقویت می‌کند.

تداوم فرهنگ تنها در جامعه‌هایی امکان‌پذیر است که ارزش‌های فرهنگی آن جامعه از نسل‌های گذشته به نسل‌های حال حاضر و آینده انتقال داده شوند. در زمان‌های گذشته، برای دانش‌آموزان، امکان شناخت ارزش‌های فرهنگی، به محیط اجتماعی کوچکی محدود می‌شد که دانش‌آموزان در آن زندگی می‌کردند، اما با ظهور رسانه‌های سمعی بصری، برای دانش‌آموزان دریچه تازه‌ای به منظور آشنایی با ارزش‌ها و ضد ارزش‌های فرهنگ‌های گوناگون باز شد. طبیعی است، ابزارهای جدید ارتباطی و رسانه‌ای، مناسبات گذشته روابط تربیتی را بر هم می‌زنند و این وضعیت، از ضرورت آشنایی ارکان تعلیم و تربیت نظیر والدین، معلم و مربیان با این بسترهای جدید ارتباطی و انتقال محتوا حکایت می‌کند.

در گذشته که رسانه‌های اجتماعی و محصولات فرهنگی فراگیر نبودند، والدین و معلمان مرجع اصلی و عامل تعیین‌کننده تربیت کودکان و نوجوانان محسوب می‌شدند. اما امروزه، با گسترش رسانه‌های اجتماعی و تولیدات چندرسانه‌ای، شاهد مواجهه کودکان و نوجوانان با موج روزافزون محصولات رسانه‌ای و پررنگ‌تر شدن نقش رسانه‌ها در موضوع تربیت هستیم.

آگاهی نداشتن تولیدکنندگان محصولات فرهنگی از یافته‌های به‌روز تعلیم و تربیت و مقتضیات آن، ناکافی بودن شناخت فعالان عرصه کودک و نوجوان از رسانه‌ها و سایر محصولات فرهنگی، و ضعف جدی والدین در توجه به نوع مصرف کالای فرهنگی فرزندان خود، از مهم‌ترین زمینه‌هایی هستند که به توجه بیشتر فعالان و اثرگذاران حوزه ادبیات تعلیم و تربیت نیازمندند. در بسیاری از مواردی که کالایی فرهنگی مانند موسیقی‌ای که با ارزش‌های فرهنگی و تربیتی جامعه ما همخوانی ندارد، در میان نوجوانان دست‌به‌دست منتشر می‌شود، به دلیل آشنایی ناکافی والدین، معلمان و سایر اطرافیان نوجوان با قالب‌های رسانه‌ای و اثرات تربیتی آن، شاهد مواجهه نادرست



### ۴ دی ماه

روز بزرگداشت رودکی

● هر که نامخت از گذشت روزگار  
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

میلاد حضرت مسیح (ع)

● و درود بر من روزی که ز اده شدم و روزی که  
می میرم و روزی که زنده بر انگیزته می شوم.  
سوره مریه، آیه ۳۳

### ۵ دی ماه

روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش بلایای طبیعی



### ۶ دی ماه

سالروز وفات حضرت ام البنین (س)

روز تکریم مادران و همسران شهدا



### ۷ دی ماه

سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۸



### ۹ دی ماه

روز بصیرت و میثاق یا ولایت

● نهم دی در سرتاسر کشور مشت محکمی  
به دهان فتنهگران زد. این کار را خود مردم  
کردند. این حرکت - همان طوری که گویندگان  
و بزرگان و همه بارها گفته اند - یک حرکت  
خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه‌ی

این است که این مردم بیدارند، هشیارند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار  
هزاران نفر از مردم استان گیلان ۱۳۸۹/۱۰/۸

### ۱۱ دی ماه

آغاز سال ۲۰۲۴ میلادی



### ۱۳ دی ماه

روز جهانی مقاومت؛ سالروز شهادت سردار سپهبد قاسم

سلیمانی توسط مزدوران استخبار جهانی



در کربلای عشق همیشه حبیب بود  
املاً اگر شهید نمی شد عجیب بود  
با دشمنان چو منخره و با دوستان چو گل  
لبخند او طراوت یک باغ سیب بود  
با یک نگاه روشنش آرام می شدیم  
در چشم او بشارت فتحی قریب بود...

امیرحسن بزرگی متین

ابلاغ پیام تاریخی

امام خمینی (ره) به

میخائیل گورباچف،

رهبر شوروی سابق در

سال ۱۳۶۷



روز زن و مادر، ولادت حضرت فاطمه (س)

در سال هشتم قبل از هجرت

یاس را آیینته‌ها رو کرده اند  
یاس را پیغمبران بوکرده اند  
یاس بوی حوض کوثر می دهد  
عطر اخلاقی پیغمبر می دهد

حضرت زهرا دلش از یاس بود  
دانه‌های اشکش از الماس بود

زنده یاد احمد عزیزی



تولد امام خمینی (ره)

### ۱۶ دی ماه

روز شهدای دانشجوی، شهادت سیدحسین علم الهدی و

همرزمانش در هویزه



روز بزرگداشت خواجوی کرمانی

ز تو با تو را از گویم به زبان بی زبانی  
به تو از تو راه جویم به نشان بی نشانی  
چه شوی ز دیده پنهان که چو روز می نماید  
رخ همچو آفتاب ز نقاب آسمانی  
تو چه معنی لطیفی که مجرد از دلیلی  
تو چه آیتی شریفی که منزله از بیانی...

### ۱۹ دی ماه

سالروز قیام خونین مردم قم در سال ۱۳۵۶

### ۲۰ دی ماه

شهادت میرزا تقی خان امیر کبیر در سال ۱۲۳۰

### ۲۳ دی ماه

ولادت حضرت امام محمدباقر (ع)

● مامفتخریم که «باقر العلوه»؛ بالاترین شخصیت  
تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول (صلی  
الله علیه و آله) و انمه معصومین (علیهم السلام)  
مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد. از ما  
است.

مصحف امام خمینی (ره) ج ۲، ص ۳۹۷

### ۲۵ دی ماه

شهادت حضرت امام علی النقی الهادی (ع) در سال

۲۵۴ ه.ق.

● کسی که ارزش و شخصیت خود را پست  
شمارد، از شز او آسوده مباش.

میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۴

### ۲۶ دی ماه

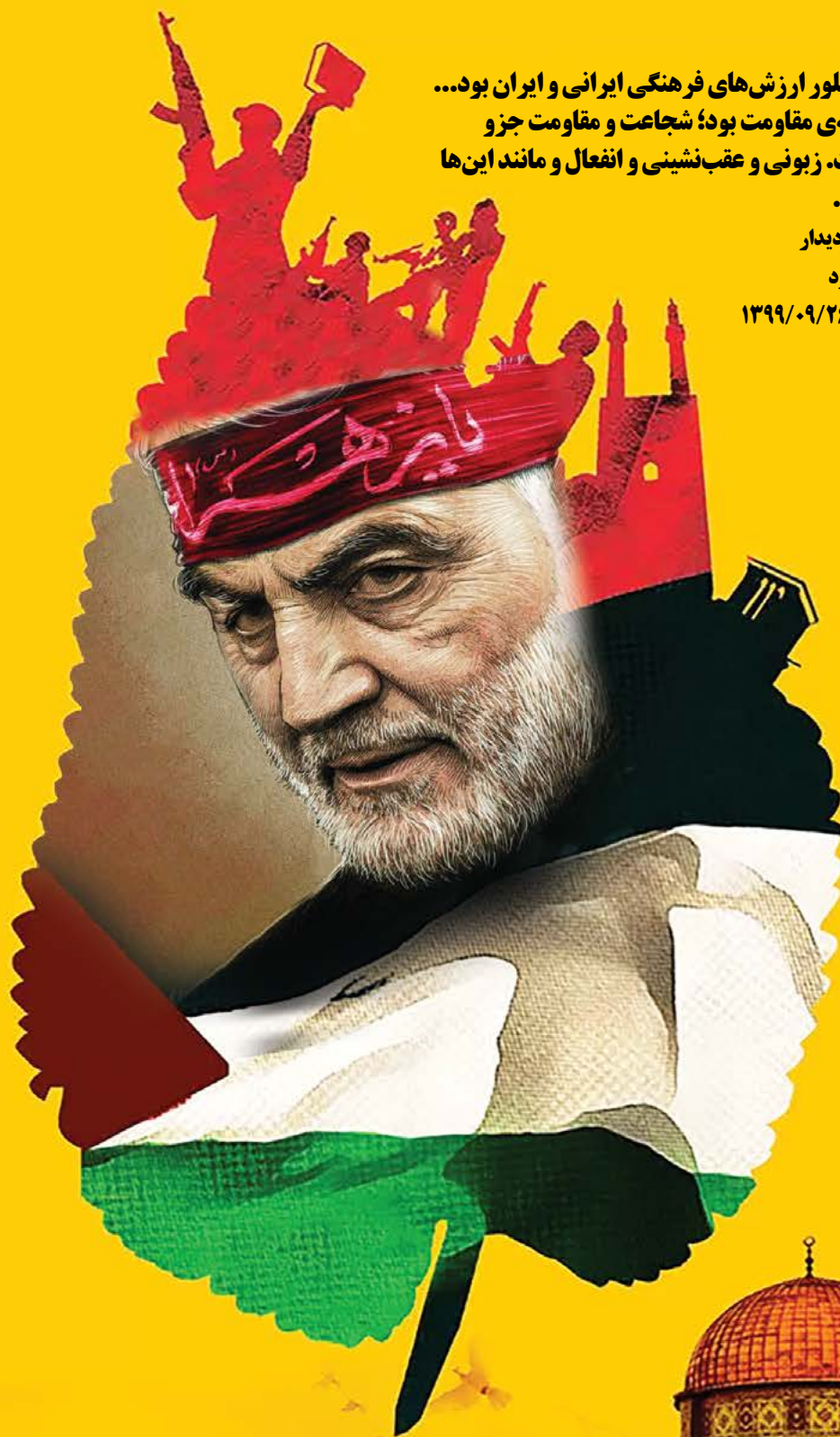
روز فرار شاه معزوم در سال ۱۳۵۷

سردار شهید سلیمانی تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران بود...  
دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود؛ شجاعت و مقاومت جزو  
خصلت‌های ایرانی است. زبونی و عقب‌نشینی و انفعال و مانند این‌ها  
ضد روحیه ملی ما است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار

دستاندرگاران مراسم سالگرد

شهادت حاج قاسم سلیمانی ۱۳۹۹/۰۹/۲۶



# طوفان اقصا



Storm  
Al.Aqsa

بار دیگر نیز می گویم  
این ستاره های شش پر  
در مسیر ماه، چون مین اند  
ای دریغا نام داوود  
ای دریغتر ستاره  
ای دریغا ماه  
قدس، خون یحیی در دل تشت است  
قصه یوسف درون چاه  
سنگ ها بگذار چون باد فرود آیند  
سنگ ها آبستن ابرند  
باران کم نخواهد شد  
هر شهید ابری است  
جمعه ها در سجده خون  
از شهیدان کم نخواهد شد

بار دیگر نیز می گویم  
سیدی زخمی ست اینک قدس  
و خبرها همچنان خون  
دردها سنگین  
سنگ ها برآتر از تیغ صلاح الدین  
علیرضا قزوه

